

ساختن جوامعی پویا  
کتاب ۱۰  
واحد ۳  
دینامیک خدمت در یک لجنه تبلیغ ناحیه ای

ترجمه غیر رسمی

قسمت ۱

در واحد اول این کتاب، دو مفهوم مرتبط بیکدیگر را که محور تفکر ما در باره اجرای نقشه های جهانی امر مبارک است مورد بررسی قرار دادیم - همراهی یکدیگر در مسیر خدمت و یادگیری با یکدیگر در عمل. در حین مطالعه واحد دوم، نقش حیاتی را که امر مشورت در هر یک از جنبه های حیات بهائی دارد مورد بررسی قرار دادیم - نه تنها در گرفتن تصمیمات جمعی بلکه بعنوان وسیله ای جهت هماهنگی نقطه نظرها و تقویت روابط ثقة و اعتماد و محبت فیما بین اعضای جامعه، تا اقدام سیستماتیک را پرورش داده، تمرکز را حفظ نموده و به بلوغ فکری دست یابیم.

نابخردانه نیست اگر بگوئیم این دو واحد، و تا حدودی واحدهای قبلی در این سلسله از دوره ها مواضع مربوط به تکامل توانائیها، استعدادها، بینشها و مجهودات افراد را در یک حرکت جمعی رو به جلو شامل میشود. حال توجه خود را به کار هیئت های مشورتی نظم اداری معطوف میکنیم. این موضوعی است گسترده که باید در آینده به آن رجوع کنیم. در اینجا، در سومین واحد این کتاب، بعضی از فرصتهای مفرح خدمت زمانی که ما ادعوت میکنند تا مسئولیتی اداری را بعنوان عضو یک هیئت مشورتی قبول کنیم بوجود میآید مورد بررسی قرار میدهیم.

طبیعتاً وقتی که در مورد امور متنوعه اداری امر مبارک میاندیشیم، ماهیتی که معمولاً بفکرمان میرسد محافل روحانیه، لجنات، نهادها، لجنه های موقت (task force)، ودفاتر است. از این هیئتها، یکی را که سهم بسزائی در توسعه ناحیه جغرافیائی که ما آنرا بعنوان محدوده جغرافیائی میشناسیم - یعنی لجنه تبلیغ ناحیه ای - اختیار نمودیم. مسأله خدمت را بعنوان مسئولیتی اداری از دیدگاه یک عضو چنین لجنه ای بان خواهیم پرداخت.

برای شروع، باید بخود یار آور شویم که در امر مبارک کادر اداری حرفه ای وجود ندارد. از هر یک از ما ممکن است درخواست شود تا در یک مسئولیت اداری خدمت کنیم، و همه ما مسئول امور جامعه و رشد و تکامل فعالیت های آن هستیم. مؤسسات و نهادهای امری در یک حالت ثابت تعامل با جامعه هستند و مستمراً از مشارکت جمع مؤمنین برخوردار و از حمایت پایدار آنان استفاده میکنند. افراد، جامعه، و مؤسسات بازیگرانی ناگسستنی در مشروع عظیم ساختن مدنیت جهانی که توسط حضرت بهاء الله پیش بینی شده است میباشند.

در پیام بیت العدل اعظم ۲۰۱۱ خطاب به کنفرانس هیئت های مشاورین این موضوع قدری مفصل مورد بررسی قرار گرفته. در آن پیام آمده است فردی که مثلاً به انتخاب محفل روحانی درآید یا از او دعوت شود فعالیت های را در سطح محلی هماهنگ نماید، یا به عضویت هیئت معاونت منصوب گردد، اشخاصی که در سمت اداری بامر مبارک خدمت میکنند باید «تشخیص دهند که این انتخاب یا انتصاب افتخار بزرگی است که نصیب آنان شده است» و «حدود مسئولیتهائی را که این موهبت برایشان تعیین مینماید بشناسند». سپس این پیام مواضع مهمی را مطرح میکند که باید در مطالعه خودمان از این واحد بان پردازیم:

«خدمت در مؤسسات ودوایر امری برآستی موهبتی بس عظیم است ولی نه موهبتی که افراد بدنیال کسب آن باشند بلکه وظیفه ومسئولیتی است که یک فرد ممکن است در هر مقطع زمانی به انجامش

دعوت شود. کلیه کسانی که در میادین اداری بهائی بخدمت مشغولند البته این احساس را خواهند داشت که افتخار بی نظیری شامل حالشان شده است زیرا که بنحوی از انحاء جزئی از اجزاء ساختاری هستند که به منظور سریان روح امرالله در عالم طرح ریزی شده اند. اما این افراد نباید تصور نمایند که چنین خدمتی این حق را بآنان میدهد که در حاشیه فرایند یادگیری که همه جا در حال قوت گرفتن است فعالیت نمایند و از انجام مستلزمات طبیعی آن معاف باشند. همچنین نباید گمان رود که عضویت در هیئت های اداری فرصتی فراهم میسازد که فرد با استفاده از آن بتواند استنباط شخصی خود را از مفاد آثار مقدسه و از نحوه اجرای تعالیم ترویج نماید و جامعه را در جهت اولویتهای شخصی خود سوق دهد. حضرت ولی امرالله در یکی از توفیعات مبارک به زبان انگلیسی با اشاره به اعضای محافل روحانی میفرمایند که «باید به کلی خواسته ها و امیال خود و علایق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعه بهائی را دربر دارد و مصالح عمومی را ترویج می نمایند». مؤسسات بهائی اختیارات لازم برای هدایت احبا و تاثیر گذاری اخلاقی، روحانی و عقلانی در زندگی افراد و جوامع را دارند. اما این وظایف می بایستی با علم به این نکته انجام شود که خصلت بنیادین هویت تشکیلات بهائی همانا روح خدمت صمیمانه است. یک چنین برداشتی از اختیار و تاثیر گذاری ایجاب میکند که کسانی که اداره امور امرالله به آنان واگذار شده از خود فداکاری نشان دهند. مگر نه این است که حضرت عبدالبهاء میفرمایند: «... آهنی که در کوره آتش افتد صفات حدیدی که سیاهی و برودت و جمودت است و ناسوتیست مخفی و ناپود گردد فضایل آتش که احمرار و ذوبان و حرارت است و ملکوتی است در آهن ظاهر و باهر شود». مولای حنون همچنین می فرمایند: «... شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جان فشانی کنید و به جان فشانی شادمانی و کامرانی نمایند». (۱)

رقیمه ای که از قبل بیت العدل اعظم سال ۱۹۷۸ مرقوم گردیده بر ارتباط مفهوم امتیاز روحانی با خدمت تأکید دارد:

«بیت العدل اعظم امیدوارند دوستان متذکر باشند که هدف غائی حیات هر نفسی باید حصول امتیاز روحانی باشد - برای کسب رضایت خداوند. تنها خداوند از مقام روحانی حقیقی هر نفسی آگاه است. این امر از مقام ورتبه ای که مردان و زنان در بخشهای مختلف جامعه دارند متفاوت است. هر نفسی که هدف خود را کسب رضای الهی میداند هر کار یا مقامی که در امر مبارک یا موکول گردد با شادی و رضایت و روح وریحان قبول نموده و در تحت هر شرایط خدمت بامر مبارک او را شادمان میکند.» (ترجمه - ۲)

قبل از پرداختن به قسمت بعدی، شاید گروه شما بخواهد در مورد این جمله مشورت کند: ما بدنبال مقامی در مؤسسات اداری امر مبارک نیستیم، ولی هنگامی که از ما دعوت میشود، از طریق انتخاب یا انتصاب، برای مدتی در چنین مقامی خدمت کنیم، این فرصت را در نهایت فروتنی ارج مینهمیم.



## قسمت ۲

پابلو جوانی است بالغ که در حومه یک شهر زندگی میکند، که به همراه بعضی شهرک ها و دهکده های همجوار، یک محدوده جغرافیائی را تشکیل میدهند. او سه سال پیش به جامعه بهائی پیوست و سریعا دوره های اولیه سلسله اصلی را که مؤسسه آموزشی تقدیم میکرد طی نمود. بمجرد اینکه توانست، کمک کرد تا مجموعه ای از نوجوانان را در محله خود دور هم جمع کند و بیشترین انرژی خود را برای خدمت بعنوان مشوق نوجوانان اختصاص داد. در عین حال دوره های اصلی را با شوق ادامه داد؛ شرکت در ترکیبی از حلقه های مطالعاتی و کمپین های فشرده مؤسسه او را قادر ساخت تا کتاب ۷ را باتمام رساند و مسئولیت اضافی خدمت بعنوان راهنمای یک حلقه مطالعاتی متشکل از تعدادی از دوستان خود را عهده دار شود. در خدمت به امر مبارک منبعی از شغف و سرور را یافت و احساس کرد آرزوهائی که هیچگاه تحقق نیافته بود حال بدست آمده است. روزی پابلو تلفنی از روبرتو، منشی شورای اقلیمی بهائی، دریافت کرد. روبرتو توضیح داد که شورا از پیشرفت سریع محدوده جغرافیائی که پابلو در آن ساکن است قلبا مسرور هستند و آگاهند که او و بعضی دوستان دیگر شروع بملاقات یکدیگر نموده اند تا در مورد تجاربشان تبادل نظر کنند و بعضی نقشه های اولیه را از برای مجهودات آینده باجرا در آورند. برای همین منظور، شورا احساس میکنند که وقت آن رسیده تا یک لجنه تبلیغ ناحیه ای را برای پرورش فعالیتهای روبه رشد محدوده جغرافیائی تشکیل دهند. اعضای آن قرار است خود پابلو، بعنوان منشی، مارثا از محله همجوار، و لیلیانا از شهرکی دیگر در محدوده جغرافیائی که چند کیلومتر دورتر است باشند.

احساس خوشحالی پابلو را دربر میگیرد و از شورا بخاطر این امتیازی که نصیبش شده تشکر میکند. روبرتو او را از دعاهای شورا برای این سه عضو مطمئن میسازد. او میگوید که خودش و ماریسلا، عضو هیئت معاونت ترویج در منطقه، مایل هستند با لجنه ملاقات کنند، به همراه جایرو، ایبر و آنیئا، که هر سه منسquin مؤسسه در محدوده جغرافیائی میباشند، و از پابلو میخواهد ترتیبی دهد تا این گروه بتواند کارهای لجنه را طی یک بعد از ظهر و شب، به همراه استراحتی کوتاه برای صرف شام، بمشورت گذارند. او اشاره میکند که از سسیلیا، منسق مؤسسه، نیز دعوت خواهد کرد تا حضور داشته باشد.

بعد از صحبت با روبرتو، پابلو در باره این مسئولیت جدید ب فکر میرود و زود با این تردید مواجه میشود که آیا قادر خواهد بود در این لجنه خدمت کند. اما خیلی زود بیانی را از آثار مبارکه بیاد میآورد که بما هشدار میدهد به ضعف خود ناظر نباشیم. و نتیجه میگیرد که «هیچ فایده ای در اثر تمرکز بر روی خودم حاصل نخواهد شد». افکار او حال متوجه محدوده جغرافیائی میشود. بیاد می آورد چگونه همه اینها هنگامی شروع شد که یک بهائی از یک شهر مجاور به محله او وارد شد و با او و دوستان او در مورد اموری که در ته دل خود داشتند ولی قادر به بیان آن نبودند وارد بحث شد. یادش آمد که بدنبال آن اولین دو حلقه های مطالعاتی که برگزار شد و تعداد فعالیتهای بطور ثابت چندین برابر شد، بخصوص در دو محله از شهر، که تعداد فزاینده ای

از مردم خود را در این گفت‌وگوها وارد کردند، و منجر به تعیین سه منسق مؤسسه آموزشی یکی بعد از دیگری شد. او در مورد تأثیر عمیق جلسات دعا بر روی زندگی جامعه تأمل نموده و یادش به مشورت‌های اولیه راجع به توان دهی روحانی نوجوانان میافتد، و متحیر میماند چقدر برنامه برای آن گروه سنی سریعاً ریشه گرفت. به خاطر می‌آورد کلاسهای درس اخلاقی که برای اطفال تشکیل شد، و زیارت‌های خانوادگی برای مطالعه بیانات مبارکه، خانواده‌هایی که ایمان آوردند، و جلسه‌ای که برای انتخاب محفل روحانی محل رضوان گذشته تشکیل شد، که همه را غرق سرور نمود. و در طول این مدت صورت گروه دوستان خود را میبیند که همراه او مبارک اقبال کردند، و اطفالی که حال در برنامه نوجوانان شرکت میکنند، اطفالی که سرودهای امری میخوانند، و والدینی که نور ایقان در قلوب آنان شروع به تابیدن نموده. پابلو دفتر مناجات خودش را بر میدارد و برای همه آنها دعا میکند. در اینجا دو فقره از دعائی است که او تلاوت میکند:

«پروردگارا مهربانا این جمع توجه به تو دارند مناجات به سوی تو نمایند در نهایت تضرع به ملکوت تو بتیلت کنند و طلب عفو و غفران نمایند خدایا این جمع را محترم کن این نفوس را مقدس نما انوار هدایت تابان کن قلوب را منور فرما نفوس را مستبشر کن جمیع را در ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما خدایا ما ذلیم عزیز فرما عاجزیم قدرت عنایت فرما فقیریم از کنز ملکوت غنی نما علیم شفا عنایت کن خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شنون نفس و هوای مقدس دار خدایا ما را بر محبت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما موفق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگان خدمت نمایم جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم خدایا تویی مقتدر تویی رحیم تویی غفور و تویی بزرگوار» (مجموعه مناجات‌ها ص ۱۹۴)

«وَلتَدْخُلَنَّ اللّٰهُمَّ كُلَّ مِنْ عَلٰى الْاَرْضِ فِى جَنَّةِ دِيْنِكَ اَلَا يَكُنْ شَيْئًا فِى دُوْنِ رِضَاكَ اِذْ لَمْ تَزَلْ اَنْتَ كُنْتَ مَقْتَدِرًا عَلٰى مَا تَشَاءُ وَمَمْتَعًا فَوْقَ مَا تُرِيدُ» (۴)

پابلو بقیه هفته را در مورد کار لجنه، که در اثر مطالعه پیامهای بیت العدل اعظم قدری با آن آشنا است، میانداشد. جملاتی از آثار مبارکه عقل او را مشغول میکند و تفکراتش را روشنی میبخشد. با تأمل بر روی درجه ایمانی که لازمه خدمت به امر مبارک است، یادش می‌آید که: «لازمه ایمان معرفت و اعمال حسنه است. (ترجمه)» و «همتی باید تا در طلبش کوشیم و جهدی باید تا از شهد و صلش نوشیم». با تأمل بر قوه تأییدات الهیه، کلماتی مانند این با او اطمینان میدهد: «وقتی که طالب رحمت الهیه هستی تا به تو نیرو بخشد، قدرت شما ده برابر میشود»؛ «رأس القدرة والشجاعة هي اعلاء كلمة الله والاستقامة علي حبه»؛ «این معلوم و واضحست که الیوم تأییدات غیبیه الهیه شامل مبلغین است»؛ و «سیویدکم بجنود لم تروها و ینجدکم بجیوش الالهام من الملائع الأعلی»

این امکان وجود دارد که فکر کنیم عکس العمل پابلو نسبت به دعوت روبرو طور دیگری میبود. مثلاً ممکن بود سرشار از غرور شود. و برعکس، ممکن بود بخود اجازه دهد افکارش در رابطه با عدم لیاقت و ضعف خود او را فلج کند. میتوانست فوراً ایده‌هایی در مورد اینکه این لجنه چه باید و چه نباید انجام دهد تنظیم کند، یا حتی نقشه‌هایی راجع به محدوده جغرافیائی در فکر خود طرح نماید. در گروه خود مشورت کنید و آنچه را احساس میکنید افکار و احساسات پابلو را در پاسخ به دعوت او برای خدمت در لجنه تبلیغ ناحیه‌ای متمایز میسازد بنویسید.



### قسمت ۳

جلسه لجنه تبلیغ ناحیه ای و منسقرن مؤسسه محدوده جغرافیائی با ماریسلا ، روبرتو و سسیلیا جلسه ای با روح وریحان است؛ مطالعه ومشورت که در بین آن ادعیه وسرود بود ، افقی از امکانات حیرت آور را در مقابل آنها گشود. شرکت کنندگان تعدادی از فقرات برگزیده از پیامهای بیت العدل اعظم و نامه هائی که از قبل آن مرقوم گردیده را قراءت نمودند. آنها جلسه را با این فقره از پیام بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت های مشاورین قاره ای مؤرخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ شروع کردند:

«بدیهی است که فرایند مؤسسه آموزشی قابلیت لازم برای طیف وسیعی از مجهودات را ایجاد می کند؛ از همان دوره های ابتدائی شرکت کنندگان تشویق می شوند که برای ملاقات به منازل دوستان شان رفته مناجاتی را با هم مطالعه نمایند ویا مطلبی از تعالیم بهائی را با آنان در میان گذارند. ترتیبات موجود برای حمایت از احبا در این مجهودات اکثرا غیر رسمی نهایتا کفایت نمی کند ولنزوم وجود یک لجنه تبلیغ ناحیه ای را خبر می دهد که تمرکز اصلی اش بسیج افراد اغلب از طریق

تشکیل گروه هائی به منظور گسترش مستمر الگوی فعالیت در محدوده جغرافیائی می باشد. اعضای این لجنه هر فرد را همکار بالقوه در این مشروع همگانی می شمرند و نقش خود را در پرورش دادن روح هدفی مشترک در جامعه می دانند. با تأسیس این لجنه تلاش های جاری برای تشکیل جلسات دعا، ملاقات های خانوادگی، و نشر نجات الله می تواند به نحو قابل توجهی گسترش یابد.

«(۵)»

بعد از قراءت این فقره پابلو میگوید «این فوق العاده است، ما افزایشی پایدار در تعداد فعالیت های محدود جغرافیائی خودمان داشتیم و احساس میشد نیاز به ترتیبات رسمی بیشتری برای حمایت، هماهنگی، و گسترش آن وجود دارد. این فقره دقیقا به همان نیاز اشاره دارد و بنظر میرسد بما میگوید نگرانی فوری ما باید این باشد که مجهوداتی را که در جریان است تقویت نموده و جلسات دعا را منعقد نمائیم، ملاقات های خانوادگی را انجام دهیم، و بتبلیغ امر الله بپردازیم.»

روبرتو میگوید: «دقیقا همین طور است، در واقع شورای اقلیمی همین کلمات بیت العدل اعظم را مد نظر داشت وقتی که تصمیم گرفت لجنه تبلیغ ناحیه ای در اینجا تشکیل شود. یک فقره دیگری نیز بدنبال آن وجود دارد که در همان پیام آمده و بینشی در مورد ماهیت کار لجنه تبلیغ ناحیه ای که در حال تکامل است ارائه میدهد.» او از یکی از شرکت کنندگان می خواهد آنرا برای گروه بخواند:

«عملکرد لجنه ناحیه ای نیز به سطح جدیدی ارتقا می یابد. این لجنه به بررسی کامل تر اوضاع در تمامی محدوده جغرافیائی می پردازد: از یک طرف قابلیت های جامعه و اثرات حاصله از رشد پایدار و از طرف دیگر پیامدهای درازمدت و واقعیات اجتماعی برای جامعه سازی را بدقت ارزیابی می نماید؛ در برنامه ریزی هایی که در هر دور انجام می دهد اتکای شدید به نفوسی دارد که بزرگترین قسمت کار ترویج و تحکیم را به دوش دارند اما با توجه به افزایش تعداد افرادی که به نحوی از انحا با الگوی فعالیت مرتبط هستند، مجموعه ای از سوالات متنوعی درخور توجه بیشتری می باشد: چگونه میتوان تمامی جمع مؤمنین را در جهت حمایت از اهداف تبلیغی بسیج نمود؟ چگونه می توان ملاقات دوستان در منازل را به طور سیستماتیک سازمان داد تا از تزئید معلومات و بحث هایی که آنان را با جامعه مرتبط می سازد بهره مند نمود؟ چگونه میتوان پیوندهای روحانی با والدین کودکان و نوجوانان را قوی ساخت؟ چگونه می توان علاقه کسانی را که نسبت به امر الله حسن نیت نشان می دهند ولی در فعالیت ها هنوز شرکت نکرده اند پرورش داد؟ مسئله قابل توجه دیگر چگونگی ترویج برگذاری گسترده جلسات دعا است تا از این طریق صدها و در نهایت هزاران نفر به همراه خانواده ها و همسایگان خود به دعا و نیایش مشغول شوند. لجنه البته نهایتا خواهان آنست که دامنه مجهودات جامعه را دائما گسترش دهد تا نفوس بیشتری با پیام شفابخش حضرت بهاء الله آشنا شوند. برای اداره امور پیچیده مربوط به وظایف خویش از جمله جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری و دیگر امور، لجنه از مساعدت افرادی به غیر از اعضای خود استفاده مینماید. انجام این وظایف پیچیده پیش از پیش همکاری نزدیک با محفل روحانی محلی را ایجاب میکند.»

(۶)

مارتا اظهار میدارد «وظایفی را که در مقابل خود داریم دلهره آور است! مسئولیت ما بسیار بزرگ است و تجربه ما بسیار کم.» روبرتو جواب میدهد «سعی کن از بزرگی وظیفه ای که در مقابل خود داری احساس در هم شکستگی نکنی. فقره دوم را که خواندیم باید به شما کمک کند تا یک تصویری از آنچه وظیفه آینده شما خواهد بود ارائه دهد. فعلا باید بر روی بعضی از وظایف ذکر شده تمرکز کنی، یادگیری نیروی دوستان را بسیج کنی، و توانائی لجنه را برای تعامل با مسائلی بمراتب پیچیده تر پرورش دهی.»

مارسیلا اضافه میکند «من فکر میکنم بعضی از لجنات تبلیغ ناحیه ای در ابتدا بر روی یک فعالیت تمرکز داشتند. در این صورت، باید متذکر بود که هدف این نیست که کار لجنه را در محدوده جغرافیائی محدود به ترویج یک خط مشی نمائیم. بطور ساده تر باید به آن نهاد اجازه داد تا بطور جدی عمل نماید و تجربه بدست



آورد.»

لیلیانا میگوید «اما در این مورد، ما از قبل تجربه باندازه کافی داریم، و فکر میکنم باید از ابتدا بهترین سعی خود را بکنیم تا همزمان در جلسات دعا، ملاقاتهای خانوادگی، و فعالیتهای فردی و جمعی، که در فقره اول خواندیم، حضور داشته باشیم. این سه فعالیت با همدیگر مرتبط است، و ما میتوانیم ببینیم چگونه در محدوده جغرافیائی، به همراه فرایند آموزشی که توسط مؤسسه ترویج میشود، رشدی پویا و مخصوص ایجاد میکند.»

#### قسمت ۴

این فقره سوم از پیام بیت العدل اعظم خطاب به همه محافل روحانیه ملیه مؤرخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ است که پابلو ودوستان او در جلسه مطالعه کردند:

«با قوت گرفتن الگویی از عمل که نقشه پنج ساله آن را ترویج می دهد و از طریق آن تار و پود حیات پر شور یک جامعه شکل می گیرد، آنچه را در محدوده جغرافیائی اتفاق می افتد می توان در هر لحظه از یکی از دو دیدگاه مورد ملاحظه قرار داد. هر دو دیدگاه از اعتبار یک سان برخوردارند و هر یک شیوه خاصی برای تفکر و بیان آنچه در حال وقوع است ارائه می دهد. از یک دیدگاه، یک فرایند آموزشی با سه مرحله متمایز به وضوح به چشم می خورد: مرحله اول برای کم سن و سال ترین اعضای جامعه، مرحله دوم برای کسانی که سنین حساس انتقالی و پر چالش حیات را می گذرانند و مرحله سوم برای جوانان و بزرگ سالان. در این بستر از سه نیاز آموزشی می توان سخن گفت که هر یک با روش ها و مواد درسی خود متمایز است، هر یک خواهان سهمی از منابع موجود است و هر یک دارای مکانیزم هایی برای سیستماتیک کردن تجارب و تولید دانش بر اساس بینش های کسب شده در حوزه عمل مربوطه می باشد. بنا بر این، طبعاً سه بحث و گفتگو پیرامون اجرای برنامه آموزش روحانی کودکان، برنامه توان دهی روحانی به نوجوانان و دوره های متسلسل اصلی شکل می گیرد.»

از دیدگاه دیگر می توان درباره ادوار سه ماهه فعالیت که از طریق آن جامعه رشد می کند تأمل نمود: ترویج سریع که در نتیجه فعالیت های فشرده حاصل می شود، دوران ضروری تحکیم که در طی آن نفوس جدید از طرقی مثل شرکت در جلسات دعا، ضیافت نوزده روزه، ملاقات در منازل تقویت می گردند، و فرصت هایی که به تأمل و برنامه ریزی همه اعضا اختصاص داده می شود. در پرتو این بررسی، مسئله تبلیغ در میان مردم مستعد اولویت پیدا می کند و یافتن نفوسی که مایل به گفتگو در باره دنیای اطراف خود و مشارکت در تلاشی جمعی برای تقلیب آن باشند مورد توجه خاص قرار می گیرد.

به خصوص در سطح هماهنگ سازی چنین ایجاب می کند که گامی به عقب برداشته آنچه را که اساساً یک واقعیت واحد است از این دو دیدگاه ملاحظه نمود. این کار امکان تجزیه و تحلیل صحیح، ارزیابی استراتژیک، توزیع خردمندانه منابع و اجتناب از پراکندگی عمل را فراهم می سازد. « (۷)

در حالیکه گروه مشغول مطالعه پیام است، برای اعضای لجنه آشکار میشود که دیدگاه دومی را که بیت العدل اعظم بآن اشاره نمودند باید در اولین مرحله از تفکر آنان در بدایت کار قرار گیرد - که همانا فعالیت ادوار سه ماهه است که ضربان ریتمیک برنامه رشد را در یک محدوده جغرافیائی بوجود می آورد. همچنین آنها میدانند که اگر قرار باشد از پریشانی و پراکندگی دوری کنند باید مستمراً از فرایند آموزشی که در حال آشکار شدن است آگاه باشند. آنها میبینند که باید همکاری نزدیکی با مؤسسه آموزشی در هر قدمی داشته باشند.

فقره فوق باین اشاره دارد که باید همواره از این دو دیدگاه آگاهی داشته باشیم تا به این وسیله بتوانیم آنچه را در محدوده جغرافیائی اتفاق میافتد مشاهده کنیم. جهت تفکر در باره ماهیت مکمل این دو دیدگاه، شاید مایل باشید تمرینی را که در صفحه بعد آمده انجام دهید. در ستون سمت چپ تعدادی تعهدات وجود دارد که بنظر میآید با

در نظر گرفتن رشد در یک محدوده جغرافیایی از دیدگاه اول برتری دارند. در ستون سمت راست مجهوداتی است که وقتی فرایند رشد از دیدگاه دوم در نظر گرفته شود اهمیت مییابد. از جملات سمت چپ خطوطی بطرف راست بکشید که نشان میدهد یک نوع ارتباطی وجود دارد که درخور شناسایی است اگر قرار باشد مکمل بودن مجهوداتمان را مشاهده کنیم و از اقدامات پراکنده دوری کنیم. با در نظر گرفتن شبکه پیچیده فعالیتها که در محدوده جغرافیایی تنیده شده، شاید بیش از یک ارتباط برای بعضی از این فعالیتها از هر دو طرف بیابید.

<ul style="list-style-type: none"> <li>● تقویت روابط با والدین نوجوانان و اطفالی که در برنامه آموزشی جامعه مشارکت دارند بوسیله ملاقات دوره ای با آنها در منازل جهت بحث در باره پیشرفتی که فرزندانشان داشته اند.</li> <li>● ترتیب برنامه ای برای کسانی که واحد دوم کتاب ۲ «مواضع تعمیقی» را تمام کرده اند، تا تمرینات آن را با ملاقات با مؤمنین جدید باجرا در آورند و مواضع مطرح شده را با آنها در میان نهند.</li> <li>● تنظیم جلسه ای برای جوانان که بعنوان راهنمای گروه های جوانان خدمت میکنند و میتوانند دوستان و هم کلاسیهای خود را به آن دعوت کنند تا حضور یابند و در باره ماهیت خدمتی که جوانان میتوانند به جامعه خود ارائه کنند و راهکارهای موجود گفتگو کنند - به امید اینکه این امر فرایند آموزشی را در محله یا دهکده اشکار تر نماید.</li> <li>● شناسایی محله ها و دهکده ها در محدوده جغرافیایی که در آن تعداد زیادی از اطفال ونوجوانان هستند و مایل به شرکت در برنامه های آموزشی برای همسالان خود هستند.</li> <li>● دیدارهای منظم از راهنمایان حلقه های مطالعاتی جهت تقدیم حمایت لازم تا در کوششهای خود پشت کار داشته و به این طریق اطمینان یابند که تعداد قابل توجهی از شرکت کنندگان تا کتاب ۷ میرسند و نیازهای جاری برای حلقه های مطالعاتی جدید تأمین شود.</li> <li>● تنظیم کمپین فشرده مؤسسه آموزشی برای کمک به شرکت کنندگان برای تکمیل کتاب ۶</li> <li>● آگاهی از قوای مکنونه افراد و اطمینان از پیشرفت آنان و کمک به آنان در</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● تنظیم یک تیم یا بیشتر در محدوده جغرافیایی، که، در طی مرحله توسعه ادوار متتابع، بتواند جوانان بیشتری را در گفتمان راجع به دیدگاه حضرت بهاء الله از بشریت مشغول نماید.</li> <li>● ترویج زنجیره ای از ملاقاتهای خانوادگی در محله یا دهکده هایی که استعداد و تمایل خویش را برای شرکت در گفتمان راجع به پیشرفت مادی و معنوی جامعه خود که منجر به تقویت روابط دوستی میشود نشان داده اند.</li> <li>● اطمینان از اینکه کسانی را که جدیداً بامر اقبال نموده اند در دوران تحکیم که بعد از توسعه در ضمن یکی از ادوار میآید بطور منظم ملاقات نموده و آنها را در تعمیق فهمشان از تعالیم مبارکه کمک نماید.</li> <li>● تنظیم گروههایی برای مرحله توسعه فشرده در یکی از ادوار که بدنیال استفاده از روش مستقیم تبلیغ، طبق آنچه در کتاب ۶ آمده، در یک محله یا دهکده که فعالیت زیادی در جریان است هستند و در آن امکان تشکیل چندین حلقه مطالعاتی جدید وجود دارد.</li> <li>● شناسایی نفوس مستعد در دهکده ها یا محله هایی که در آن امکان انتشار تیمهای تبلیغی در طی مرحله توسعه فعالیت ادواری وجود دارد.</li> <li>● مضاعف کردن تعداد جلسات دعا، و بدین وسیله بر روی انرژی کسانی که کتاب ۱ را مطالعه کرده اند سرمایه گذاری شود.</li> <li>● آگاهی از قوای مکنونه افراد و اطمینان از پیشرفت آنان و کمک به آنان در</li> </ul>
--	--



از پیشرفت آنان و کمک به آنان در طول مسیر خدمت و قبول وظایف پیچیده تر که متناسب با توانائی و وضعیت آنان باشد.	طول مسیر خدمت و قبول وظایف پیچیده تر که متناسب با توانائی و وضعیت آنان باشد.

## قسمت ۵

واحد اول این کتاب بما فرصت داد تا به تفصیل نگاهی به کار مؤسسه آموزشی بیندازیم - که بیت العدل اعظم آنرا محرک رشد خوانده اند - در حالی که مفهوم پیمودن مسیر خدمت در معیت دیگران با حالت یادگیری را کاوش میکنیم. در حالی که بر روی پویائی خدمت در یک لجنه تبلیغ ناحیه ای تأمل میکنیم مناسبتهای بسیاری را شاهد خواهیم بود ، در حالیکه نیاز است مسئولیت های لجنه را به همراه خادمین در مؤسسه آموزشی مورد بررسی قرار دهیم. این همان حالتی خواهد بود که مثلاً در بدایت مجموعه سؤالاتی که از خودمان راجع به ادوار فعالیت میبرسیم، همانطور که بیت العدل اعظم توضیح میدهند «بر طبق مرحله خاص توسعه، تحکیم، تأمل و برنامه ریزی به پیش میرود». این مطلب را با در نظر داشتن مرحله توسعه یک دور شروع میکنیم. بیت العدل اعظم میفرمایند:

«اهداف دقیق هر مرحله ترویج البته به شرایط محدوده و وضعیت جامعه بهائی تغییر می کند. در بعضی موارد هدف اصلی افزایش مشارکت در فعالیت های نقشه است و در سایر موارد ، احبا با آمادگی برای اقبال به امر مبارک مواجه می شوند. در محیط های گوناگون از جمله بیوت تبلیغی و دیدار در منازل ، گفتگو در باره نفس مقدس حضرت بهاء الله و مقصد از رسالت آن حضرت به میان می آید. اقداماتی که در طی این مرحله انجام می شود این امکان را فراهم می سازد که توانمندی های کسب شده از طریق مطالعه مواد درسی مؤسسه به مرحله عمل درآید و تلطیف شود. با ازدیاد تجربه ، احبا آزموده تر می شوند تا هر هنگام گوش شنوا یافتند آن را تشخیص دهند، زمان ابلاغ صریح تر پیام الهی را بدانند، در رفع موانع موجود برای فهم و درک مطالب بکوشند، و به متحریان حقیقت در پذیرش امر مبارک کمک کنند. شیوه فعالیت گروهی به احبا امکان می دهد که در معیت یکدیگر خدمت کنند ، از حمایت متقابل برخوردار باشند و بر اعتماد بیفزایند - حتی هنگامی که به طور انفرادی عمل می کنند می آموزند که برای حصول نتایج بیشتر با هماهنگی عمل نمایند. تمرکز قوا و صرف وقت احبا در این مرحله کوتاه ولی سرنوشت ساز دور سه ماهه به فعالیت ها شدت وحدت لازم را می بخشد. این عزم جزم ، قوای جامعه را مضاعف می سازد و دوستان در هر دور می آموزند که بیش از پیش به تأییدات لاریبیه الهیه ای که اقداماتشان جاذب آن است متکی باشند.» (۸)

تمرین ذیل را با در نظر داشتن این راهنمایی ، و بر اساس تجربه خودتان اجرا کنید:

۱. کدام یک از موارد ذیل در طول مرحله توسعه یک دور واقع میشود؟

- تشکیل گروه های تبلیغی
- ملاقاتهای خانوادگی قابل توجه
- مجهودات برای تبلیغ مستقیم نفوس مستعد
- افزایش تعداد جلسات دعا
- افزایش تعداد حلقه های مطالعاتی بر محوریت کتاب ۱
- افزایش تعداد گروه های نوجوانان

- افزایش تعداد کلاسهای اطفال
- ملاقات با والدین نوجوانان جهت توضیح ماهیت توانمندی روحانی نوجوانان
- ملاقات با والدین اطفال جهت توضیح ماهیت تربیت روحانی اطفال
- کمپین های مخصوص مطالعه فشرده دوره های مؤسسه
- مناسبت های زیاد جهت گفتگو با جوانان و دعوت آنان به خدمت
- جلسات جوانان که در آن موضوعی مانند آنچه در کنفرانسهای جوانان در سال ۲۰۱۳ مطرح شد مورد بحث قرار گیرد
- گسترش فعالیتها بسوی محله ها و دهکده ها.

بدون شک، نتیجه میگیرید که همه آنچه در فوق ذکر شد ممکن است در طول مرحله توسعه اتفاق بیفتد. در واقع، میتوانید راجع به بسیاری از فعالیتهای دیگر که ممکن است واقع شود فکر کنید:

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۲. همانطور که فقره فوق اشاره دارد، اهداف مرحله **ترویج** بر حسب وضعیت جامعه بهائی و موقعیت خود محدوده جغرافیایی، از محلی تا محلی دیگر تغییر میکند. معقول بنظر میرسد که فکر کنیم تشکیل یک لجنه تبلیغ ناحیه ای جدید در طی مرحله **ترویج** خود در ادوار فعالیت اولیه خود چطور در تنظیم گروه ها کمک کرده تا مثلا ملاقاتهای خانوادگی برای نشر نوحات الله، برگذاری گفتمانها با جوانان که منجر به تأسیس حلقه های مطالعاتی شود، یا دعوت از تعداد فزاینده ای از مردم برای شرکت در جلسات دعا را برگذار نمایند. شاید گروه شما مایل باشد حرکتی را که در نتیجه کار گروهی در طی مرحله **ترویج** یک دور از فعالیت ایجاد شده مورد بحث قرار دهد. در باره راه هایی که این رویکرد اجازه میدهد «دوستان با همدیگر خدمت کنند، از همدیگر حمایت نمایند، و بیکدیگر اطمینان داشته باشند» ببینید. اعضای گروه شما که در چنین گروه هایی کار میکنند باید تجربه جمعی کافی داشته باشند تا نمونه هایی عملی تقدیم نموده بینشی از پویائی مطلوب ارائه دهند.



۳. عملکرد گروه‌هایی که در اینجا مد نظر است آشکارا بشکل یادگیری است. لذا اعضای یک گروه، علاوه بر مشورت جاری خود در طی مرحله **ترویج**، در پایان با همدیگر جمع شده و در مورد بینش‌هایی که کسب نموده‌اند و درس‌هایی که آموخته‌اند تأمل مینمایند. گروهی را تصور کنید که در طی مرحله توسعه خود بر روی وظیفه‌ای بخصوص تمرکز داشته‌اند، مثلاً قیام به مجهودات تبلیغی مستقیم در محله و یا شروع به ایجاد گفتمان‌هایی با جوانانی که مشتاق قیام به خدمت در جامعه هستند. چه موضوعی از یادگیری است که این گروه میتوانند در چنین مناسبت‌هایی راجع به آن مشورت کنند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

۴. حال در مورد محدوده ای که ساکن هستند تفکر کنید - یا محدوده ای که بعضی از اعضای گروه شما با آن آشنا هستند - با در نظر گرفتن فرصتهای رشد موجود در خود محدوده و وجود منابع انسانی ، مرحله کنونی پیشرفت آن را شرح دهید. سپس سعی کنید طریقی از مرحله بعدی توسعه که چگونه ممکن است باشد ترسیم کنید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



## قسمت ۶

حال به مرحله بعدی از دور فعالیت میرویم که در طی آن «مشارکت در جلسات دعا و ضیافت نوزده روزه و استقبال از ملاقات کنندگان در منازل آنها نظم بیشتری یافته و تقویت میشود». تمرین های زیر بشما کمک میکند تا در باره ماهیت و هدف از کوششهایی که در طول این مرحله شکوفا میشود تأمل نمایند.

۱. کدام یک از موارد زیر را میتوان در طی مرحله تحکیم یک دور از فعالیت عهده دار شد؟

- اقدام برای تقویت حلقه های مطالعاتی موجود
- تشکیل حلقه های مطالعاتی جدید
- کمپین برای مطالعه فشرده دوره های مؤسسه
- اقدام برای تقویت گروه های نوجوانان موجود
- تشکیل گروه های جدید نوجوانان
- اقدام برای تقویت کلاسهای اطفال موجود
- تشکیل کلاسهای جدید اطفال
- تشکیل تیمهای آموزشی
- کوشش جهت افزایش تعداد جلسات دعا در محدوده جغرافیایی
- تشکیل جلسات تأمل برای راهنمایان حلقه های مطالعاتی
- تشکیل جلسات تأمل برای مشوقین گروه های نوجوانان
- تشکیل جلسات تأمل برای معلمین کلاسهای اطفال
- ملاقات با نفوس مستعده ، علاقمند به روش تبلیغ مستقیم.
- ملاقات مردم در منازل آنها، بخصوص مؤمنین جدید و کسانی که جدیداً با ما نزدیک شده اند
- کوششهایی بمنظور مشارکت در شادابی ضیافت نوزده روزه
- تنظیم جلسات فایر ساید

مانند لیستی که در قسمت قبل آمده ، حتماً باین نتیجه رسیده اید که همه آنچه در فوق ذکر شد ممکن است در مرحله تحکیم اتفاق بیافتد. آیا میتوانید کوششهای دیگری را که ممکن است در یک محدوده جغرافیایی در طی این مرحله اتفاق بیافتد یادآور شوید؟

۲. اگر صورت دو لیست از فعالیتهایی را که در طی مراحل توسعه و تحکیم دنبال میشود مقایسه کنیم ،  
فورا متوجه شباهت آنها میشویم. البته باید چنین باشد ، زیرا استمرار کار باید از مشخصات همه  
دور باشد - تداومی که از یک دور تا دور دیگر ادامه دارد. در لیست زیر بعضی از فعالیتهایی است  
که میتوان در طی مرحله ترویج انجام داد. در گروه خود هر کدام از آن را مورد بحث قرار دهید  
و کیفیت جریان طبیعی آنرا در یک فعالیت یا بیشتر در مرحله بعدی تحکیم شرح دهید.

(a) انعقاد کمپین تبلیغی در بعضی دهکده ها و محله ها :

(b) ترتیب گفتمان هایی با جوانان با دعوت از آنان جهت شرکت در خدمات :

(c) اجرای یک کمپین برای افزایش تعداد گروه های نوجوانان :

(d) اجرای یک کمپین برای افزایش تعداد جلسات دعای منظم :

(e) اجرای یک کمپین برای افزایش تعداد فایر ساید ها :

(f) اجرای یک کمپین برای مطالعه فشرده دوره های معهد :





کار کردن در فعالیت ۳ ماهه ادوار در سطح محدوده جغرافیایی، بطوری که هر دور بر دست آوردهای سابقش تکیه کند، نمایانگر حوزه یادگیری قابل توجهی برای جامعه بهائی در سراسر عالم است. محدوده جغرافیایی مانند سلولی در یک جسم، سیستمی زنده است که در آن فرایند رشد مداومی که اهمیت یکسانی به توسعه و تحکیم میدهد، میتواند شکوفا شود. با این طرز فکر، شاید گروه شما مایل باشد این قسمت را با قراءت پیام زیر، که از پیام رضوان ۲۰۰۷ اقتباس شده بیایان رساند، و در معنای اینکه کار توسعه و تحکیم باید «دست در دست» به پیش رود و چگونه ادوار سه ماهه فعالیت این را ممکن میسازد، مشورت نماید.

«امروز با مشاهده عملکرد آن دسته از محدوده های جغرافیایی که به موضع مستحکمی از رشد رسیده اند ملاحظه می کنیم که در هر یک از آنها احیا، در حالی که می آموزند چگونه هسته در حال گسترش حامیان امر الهی را بسیج کنند، به تقویت فرایند مؤسسه آموزشی ادامه داده، طرح مؤثری برای هم آهنگ نمودن مجهودات خود ریخته، ابتکارات فردی و تمهیدات جمعی خود را به صورت الگوی مؤثری از اقدامات منسجم در آورده و از تجزیه و تحلیل اطلاعات مفید برای برنامه ریزی ادوار فعالیت های خود استفاده می نمایند. این حقیقت که احبای شیوه پیشبرد هم آهنگ و هم گام ترویج و تحکیم را که کلید رشد مستمر است یافته اند کاملاً مشهود و نمایان است. چنین شواهدی مطمئناً الهام بخش هر مؤمن ثابت قدمی خواهد بود تا در مسیر یادگیری سیستماتیکی که فراهم گردیده با عزمی راسخ به پیش رود.» (۹)

#### قسمت ۷

شرکت کنندگان در داستان ما سپس دو فقره ذیل را که از پیامهای بیت العدل اعظم اقتباس شده و مراحل تأمل و نقشه ریزی را شرح میدهد قراءت نمودند:

«کلید پیشرفت برنامه فشرده رشد، مرحله تعمق و تأمل است که در آن تجارب آموخته در عمل روشن و معین شده و در فعالیت های ادوار بعدی استفاده می شود. محور اصلی این مرحله، جلسات تعمق و تأمل است که هم وقت سرور و شادمانی و هم فرصتی برای مشورت های مهم است. تحلیل دقیق تجارب حاصله از طریق مذاکرات و مشارکت عمومی - و نه سخنرانی های پیچیده و طولانی - به حفظ وحدت نظر، روشن کردن افکار و افزایش اشتیاق کمک می کند.» (۱۰)

«انگیزه یادگیری از طریق عمل البته از همان ابتدا در بین یاران موجود است. آغاز برگذاری ادوار سه ماهه فعالیت فرصتی برای بهره گیری از این قابلیت پیش می آورد و سبب تقویت مستمر آن می گردد. گرچه این قابلیت بیشتر مرتبط با مرحله تأمل و برنامه ریزی یک دور است، به خصوص جلسه تأمل و بازنگری که قوه نباض و منظم کننده فعالیت ها است، ولی در عین حال این قابلیت است که در طول دور سه ماهه از سوی کسانی که خطوط عمل مرتبط را دنبال می کنند مورد استفاده قرار می گیرد.» (۱۱)

بعداً در این واحد راجع به هدف و ماهیت جلسات تأمل در سطح محدوده جغرافیایی صحبت خواهیم کرد. در حال حاضر راجع به جلسات دوره ای تأمل در محدوده ای که با آن آشنا هستید فکر کنید. بدون شک این جلسات بمرور زمان با تجربیات بدست آمده تکامل یافته. مشورتهایی را که مؤثر بوده بیاد آورید، و بعضی از عواملی را که در مثمر بودن یک جلسه تأمل سهیم بوده یادداشت کنید.



## قسمت ۸

در حالی که گروه مشغول مطالعه فقرات پیام بیت العدل اعظم هستند، ماریسلا و روبرتو در مشاورات کمک نموده، و اطمینان مییابند که توجه کافی به نکات اصلی هر فقره مبذول شده است و اینکه بحث‌ها واقعیت هر محدوده را در نظر میگیرند. بعد از مدتی، روبرتو پیشنهاد میکند که حال گروه تمعن بیشتری نسبت به سه فعالیتی که لجنه احتمالا مشاورات خودش را با آن شروع میکند نماید: جلسات دعا، ملاقاتهای خانوادگی، و مجهودات تبلیغی فردی و جمعی. وی فقره ذیل را از نامه مؤرخ ۵ ژانویه ۲۰۱۵ که از قبل بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل روحانیه ملیه مرقوم گردیده میخواند:

«همانطور که مؤسسه آموزشی متعهد راهنمایی و همراهی دوستان در مبادرت به تشکیل کلاسهای اطفال، گروه‌های نوجوانان، و حلقه‌های مطالعاتی هستند، لجنه تبلیغ ناحیه ای میتواند بسیاری از افراد را برای خدماتی مانند میزبانی جلسات دعا، قیام به ملاقاتهای خانوادگی، و نشر نفحات الله تشویق نماید. اینها تنها فعالیت‌هایی نیستند که باید افزایش یابند بلکه جوانب اساسی حیات جامعه بهائی است که همه را دربر میگیرد. مثلا جلسات دعا مستمرا افزایش مییابد تا همه مؤمنین در یک محدوده علاوه بر همکاران آنها را شامل شود. نشر نفحات الله دارای حوزه وسیعی است، که مجهودات شخصی و همچنین پروژه‌های جمعی را در بر میگیرد، محله‌های انتخاب شده و جاهای متفرقه را شامل میشود، ساکنین منتخب بعلاوه آشنایان تصادفی را پوشش میکنند، فایرسایدها بعلاوه فعالیت‌های اساسی را شامل میشود. در این راستا، مشارکت مؤمنین بیشتری در فعالیت‌های جامعه سازی نقشه اثرات عمیقی در سطح فرهنگی دارد. جلسات دعا که بعنوان چنین مشرق الانکار بشمار میرود، حیات روح را روشن نموده و حرارت خدمت را شعله ور میکند. ملاقات‌های خانوادگی با یکدیگر روابط عشق و اتحاد را میتند و نشر نفحات الله شیوه زندگی میشود.» (ترجمه ۱۲)

مشورت در حال جریان پر بار است، زیرا شرکت کنندگان ماهیت این جوانب از حیات جامعه را که در

دسترس همه مردم است کشف می کنند. در مرحله ای، گروه شروع به تمرکز بر روی جلسات دعا میکند.

لیلیانا میگوید «پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم شامل فقراتی بسیار الهام بخش در رابطه با جلسات دعا است. میتوانم برایتان بخوانم؟» در حالیکه او مشغول خواندن است همگی بدقت گوش میدهند:

«پی گیری سیستماتیک نقشه در همه ابعادش موجب پیدایش الگویی از تلاش جمعی است که از جمله ویژگی آن نه فقط تعهد به خدمت بلکه گرایش به عبادت و نیایش می باشد. شدت یافتن فعالیت های لازم در پنج سال آینده جنبه نیایشی حیات را در بین کسانی که در محدوده جغرافیایی در سراسر جهان دوش به دوش یکدیگر خدمت می کنند غنی خواهد ساخت. این فرایند غنی سازی هم اکنون بسیار پیشرفته است. ملاحظه فرمایید که به عنوان مثال جلسات نیایش ودعا چگونه جزئی جدا ناپذیر از حیات جامعه شده است. جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می تواند با ورود به آن از نفات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و نیاز با محبوب یکتا پردازد. در این جلسات است که احساس دوستی و هم دلی ایجاد می شود به خصوص ضمن گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در چنین مواقعی پیش می آید و از طریق آن «مداین قلوب» فتح می شود. با تشکیل جلسه ای برای دعا که در آن بزرگسالان و کودکان از هر پیشینه ای می توانند شرکت کنند، روح مشرق الانکار در محله تجلی می نماید. گسترش خصلت دعا در یک جامعه بر ضیافت نوزده روزه اثر می گذارد و در دیگر اوقاتی که دور هم جمع می شوند نیز احساس می گردد.» (۱۳)

بعد از خواندن این فقره و بدنبال سکوتی که برقرار شد فرصتی به گروه داده شد تا در باره آن فکر کنند، ماریسلا پیشنهاد ذیل را باعضای لجنه میدهد: «وقتی که بعنوان لجنه یا به همراه با یکی یا بیشتر از هماهنگ کنندگان محدوده جغرافیایی، در باره مواضع راجع به جلسات دعا مشورت میکنید، سه سؤال مرتبط بیکدیگر شما را مشغول میکند: چگونه تعداد جلسات دعا و همچنین تعداد افراد شرکت کننده در آن را افزایش دهیم؟ چطور توان روحانی جلسات دعا را بالا ببریم؟ و چطور یک فرهنگی در محدوده ترویج دهیم که سرشار از روح خدمت ودعا باشد؟»

سیسیلیا میگوید: «از آنچه من در چندین محدوده در منطقه خودمان دیدم، اولین وظیفه ایجاب میکند همکاری نزدیکی بین لجنه و هماهنگ کننده محدوده جغرافیایی برای سلسله اصلی دروس وجود داشته باشد. اطمینان از اینکه شرکت کنندگان در مطالعه کتاب ۱ بتوانند تمرین مشارکت چند دعا را با دیگران باجرا در آورند و اینکه تشویق شوند بعد از اتمام کتاب جلسات دعا را برقرار نمایند - این بخودی خود، منجر به افزایش ثابت تعداد این جلسات میشود.»

لیلیانا میگوید: «در شهر ما، این دقیقاً همان چیزی است که بوقوع پیوست. اخیراً گروهی از افراد جوان مطالعه کتاب ۱ را پایان رساندند، و توسط راهنمای خود بانان کمک شد تا تمرین لازم رابه عهده بگیرند. سپس همگی تشویق شدند تا جلسات دعا را برگزار نمایند. دو نفر از آنها بلافاصله شروع کرده و بعضی از دوستان خود را دعوت کردند. طولی نکشید که تعداد شرکت کنندگان افزایش یافت و حال یک جلسه دعای منظم بخوبی تأسیس شده است. یک جوان دیگر با والدین خود صحبت کرده، و آنها با شوق میزبانی جلسات در خانه خود را قبول کردند. در شب اول تنها اعضای خانواده حاضر بودند. ولی چندین نفر دیگر در هفته های بعد بانان پیوستند. تقریباً همه شرکت کنندگان در حلقه مطالعه اصلی حال در یکی از این جلسات دعای منظم شرکت میکنند.»

در اینجا باید کمی توقف کنیم و در مورد بعضی از پیامدهای افکاری که در فوق بحث نمودیم تأمل کنیم. خودتان را جای یک عضو لجنه تبلیغ ناحیه ای بگذارید که در مورد تشویق و حمایت از دوستان در مجاهداتشان برای میزبانی جلسات دعای منظم مشورت میکنند:



- آیا لجنه تنها تذکری عمومی به دوستان می دهد تا چنین جلساتی را برگزار نمایند، یا اینکه بدنبال فرصتهائی است تا با افراد ، خانواده ها ، وگروه های کوچک در این مورد صحبت کند؟
- آیا لجنه اصرار دارد که همه باید سعی کنند چنین جلساتی برگزار کنند ، یا اینکه اول موقعیت هر شخص و تمایل او را در نظر میگیرند؟
- چطور این لجنه به کسی که مایل است جلسه ای برگزار نماید اما قادر نیست بعضی افراد را برای شرکت منظم دعوت کند کمک میکند؟
- چطور از یک گروه کوچک جوانان حمایت میکند تا میزبانی یک جلسه دعای منظم را که تعداد روز افزونی از دوستان خود را جذب میکند اما مطمئن نیستند چطور چنین جلسه بزرگی را اداره کنند بعهده بگیرند؟
- چطور این لجنه به یک خانواده که مدتی است جلسات دعای هفتگی را فقط با حضور خود اعضای خانواده برگزار میکند کمک میکند تا بتدریج شرکت کنندگان دیگری را جذب کند؟
- چطور اطمینان می یابد که با افزایش تعداد جلسات دعا، روش برگزاری آنها بطور جزمی تعریف نشود و تجلی تنوع موقعیت ها و پیشینه ها باشد؟

آیا میتوانید سؤالیهای مشابهی در نظر آرید که ممکن است در رابطه با مجهودات لجنه برای تشویق و حمایت از دوستانی که مایل به میزبانی جلسات دعا هستند بفرکتان برسد؟

---



---



---



---



---



---



---



---

#### قسمت ۹

بحث در مورد چگونگی افزایش تعداد جلسات دعا در محدوده جغرافیائی برای مدتی ادامه مییابد، و بالاخره گروه چالش های دیگری را که ماریسلا ارائه میدهد مورد بحث قرار میدهند: تقویت قوای روحانی چنین جلساتی در محدوده و ترویج فرهنگی که روح خدمت و عبادت در آن ساری گشته. توصیفی را که بیت العدل اعظم راجع به جلسات دعا ارائه نموده اند - مناسبی که در آن نفوس «نفحات آسمانی را استنشام نموده» و «جلوت دعا و مناجات را تجربه نموده» و در آن «در مورد کلمه خلاقه تفکر نموده» و «بر بالهای روح سیر میکنند» - کمک میکند تا این قسمت از بحث را هدایت کند. همگی آگاهند که مشورتها در چنین مناسبتنهائی باید آنقدر «روح بخش» باشد تا ابواب «مداین قلوب انسانی» را گشوده ، کلمه الله وارد آن شده و نفوس را

منقلب نماید. در پرتو این راستا، روبرتو این فرصت را غنیمت شمرده فقره ذیل را که از رقیمه بیت العدل اعظم مؤرخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ خطاب به احبای ایران است قرائت میکند:

«حضرت بهاءالله و حضرت ربّ اعلی، دو مظهر ظهور الهی در این عصر نورانی در باره دعا و مناجات چنین آموزش می‌دهند: دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او؛ به منزله غذای روح است و باعث تداوم حیات روحانی؛ همچون شبنم صبحگاهی موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد و روان را از تعلقات نفس اماره پاک و منزّه می‌سازد؛ ناری است که حجابات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند؛ موجد قوتی است روحانی که پرنده روح را با بال و پر خود در فضای نامتناهی الهی به پرواز درآورده به قربیت درگاه احدیت فائز می‌نماید. آنچه موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد کیفیت نیایش است و تطویل آن محبوب نبوده و نیست. قدرت نهفته در دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که انگیزه اصلی آن محبت الله باشد؛ از ترس، توقع، تظاهر و خرافات به دور بوده با صداقت و پاکی دل تلاوت شود تا موجب تعمق و تأمل و سرانجام شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدوده حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نعمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.» (۱۴)

شرکت کنندگان عمیقاً از کلمات بیت العدل اعظم متأثر میشوند، و مشورت متوقف شده تا به اعضاء فرصت دهد در مورد آن تأمل نموده و مفاهیم آن را مد نظر قرار دهند. به پیشنهاد آنیتا، منسق کلاسهای اطفال در محدوده جغرافیائی، توفقی برای دعا و سرود بدنبال دارد، و بعد از آن ماریسلا میگوید: «فقره ای را که قرائت کردیم اهمیت بخصوصی از برای کار لجنة و همچنین منسّقین مؤسسه آموزشی در محدوده جغرافیائی دارد. وقتی که جلسه ای برای دعای جمعی در فضائی مناسب از تقدس و صمیمیت برخوردار شود، شرکت کنندگان را برمیانگیزد تا قیام کرده و بنوع بشر خدمت نمایند. باید به بسیاری از آنان کمک شود تا توانائی خود را پرورش داده و بخدمت قیام کنند. وظیفه ما این است که دائماً فرهنگی را تقویت کنیم که در آن خدمت و عبادت در هم تنیده شده است. ما همگی بعضی از پیامهای بیت العدل اعظم را که در سالهای اخیر مرقوم گردیده خوانده ایم که مربوط است به بنای مشارق اذکار جدید. و طبعاً همه ما از این حقیقت آگاهیم و میدانیم که جلسات دعائی که در محدوده های خودمان تأسیس میکنیم مقدمه مشارق اذکار آینده است.»

روبرتو سریعاً این خط فکر را بدنبال میکند: «بگذارید فقره ای را از یکی از پیامهایی که ماریسلا بآن اشاره میکند با شما میان بگذاریم. در بدایت این پیام ما از مشروعات ساختمانی که در سراسر عالم در جریان است متذکر میدارد و سپس این فقره روح بخش را بدنبال دارد. او چنین میخواند:

«این اقدامات با رشد حیات جامعه که اکنون از طریق نیایش و خدمت در همه نقاط عالم در حال توسعه و پیشرفت می باشد ارتباط مستقیم دارد و به منزله گام های جدیدی است که در پیشبرد وظیفه عظیم تأسیس مشرق اذکار در عالم امکان «باسم مالک الادیان» که حضرت بهاء الله آن را به عهده بشر محول فرموده اند برداشته می شود، مراکزی که در آن نفوس انسانی «جمعیت بالاتحاد» مجتمع گردند، آیات الهی را استماع نمایند، به مناجات پردازند، تا از آنها «نفحات الله» منتشر گردد و «آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس» رسد. (۱۵)

و پیام اینطور ادامه میدهد:

«احبا در سراسر جهان با سرور از مشاهده این پیشرفت ها نیروی خود را در تقویت فرایندهای محدوده های جغرافیایی یکی پس از دیگری تمرکز می دهند و در انجام این وظایف ارزش تعامل پویا بین عبادت و خدمت را که از شرایط ارتقای پیشرفت روحانی، اجتماعی و مادی جامعه می باشد فراموش نکرده اند.» (۱۶)



فقره بعدی را روبرتو با گروه در میان میگذارد که از نامه مؤرخ ۱۹ می ۲۰۱۵ که از قبل بیت العدل اعظم مرقوم گردیده میباشد، و شامل فقره ای است از بیانات حضرت ولی امرالله:

«در حالیکه بهائیان اعتقاد شدیدی به قوه میتنی بر دعا بعنوان عاملی برای حل مشکلات شخصی و بطور کلی در حیات جامعه دارند، ما همچنین قبول داریم که دعا به تنهایی در تأسیس صلح و تأمین امنیت مردم جهان مؤثر نخواهد بود. به همین منظور، دعا و جلسات دعا جزئی از یک الگوی یکپارچه برای جامعه سازی در نقشه پنج ساله میباشند. در مورد ناگسستگی بودن عبادت و خدمت، حضرت ولی امرالله میفرماید:

«... عبادت بهائی، هرچند در مفهوم خود متعالی و پر شور و احساس است، هیچگاه نمیتواند از نتایج ناچیز و غالباً زودگذری که در اثر تفکرات زاهدانه یا همدلی عبادت کنندگان غیر فعال بدست میآید فراتر رود. چنین عبادتی نمیتواند رضایت مستمر و فایده ای برای خود عبادت کننده داشته باشد، تا چه رسد به انسانیت بطور عموم، مگر اینکه منجر به خدمت شائقانه و خالصانه برای بشریت شود...» (ترجمه ۱۷)

نیازی نیست بقیه مشاورات گروه راجع به جلسات دعا را دنبال کنیم. در عوض بیائید در مورد وظیفه چالش برانگیز ترویج فرهنگی که تجسم روح مشرق الانکار است تفکر کنیم. مفهوم فرهنگ طبعاً امری است پیچیده، و وظیفه تقویت بعضی از عناصر آن آسان نیست. هرچند با اقداماتی حساب شده میتوان همواره کار را ادامه داد. برای مثال لجنة میتواند تصمیم بگیرد درک جامعه را از پویایی رابطه بین عبادت و خدمت تقویت کند. اعضای لجنة میتوانند بعضی از افکار را با افراد و گروه ها، همچنین در جلسات مختلف تأمل، هرگاه که فرصت بطور طبیعی پیش بیاید، مورد بحث قرار دهند. امید چنان است که بشنویم این افکار در بحث های بیشتری در بین دوستان گسترش یابد. بار دیگر خودتان را جای یکی از اعضای لجنة تبلیغ ناحیه ای بگذارید و تصور کنید چقدر دلگرم میشوید اگر مثلاً در طی یک گفتگوی غیر رسمی در خاتمه یک جلسه دعا یکی از دوستان شما بگوید: «میدانی، جلسات دعا اثرات شگفت انگیزی بر روی همه ما دارد، چه افراد و چه جامعه. حتی بر روی محیط محدوده جغرافیایی کلا اثر میگذارد. این روزها من انرژی خودم را بر روی سه فعالیت متمرکز میکنم. در این جلسات دعای هفتگی شرکت میکنم، بعنوان راهنمای یک حلقه مطالعاتی خدمت میکنم، و در یک تیم که مجهودات خود را صرف شروع گفتمانهایی با جوانان و دعوت از آنان برای پیوستن به مجهودات جامعه سازی، بخصوص آموزش آنها تا مشوقین گروه های نوجوانان بشوند، میکنم. من همیشه این جلسه دعا را با انرژی کافی که تا یک هفته ادامه دارد ترک میکنم. شک ندارم روحیه ای که در اثر دعای جمعی بوجود آمده در حلقه مطالعاتی من نیز سرایت میکند. و باور کن، آنروزی که به ملاقات یکی از جوانان که با او آشنا شده بودم رفتیم، احساس میکردم دعاهای شب قبل راه را برای این کار آماده نمود.»

شاید متمرثر باشد که گفتگوی بین دو دوست در مورد ماهیت جلسات دعا را تصور کنید که صراحتاً اشاره دارد به تقدیر عمیق از اهمیت مفهوم مشرق الانکار. در جای خالی زیر آنچه را که در این صحبت گفته میشود بنویسید.





روحیه با ازدیاد جلسات دعا در یک محدوده جغرافیائی در قلوب سرایت نماید، خود را در حیات فرد و جامعه به اشکال مختلف ظاهر میسازد. یکی از مظاهر فوری آن پیدایش حلقه های مطالعاتی از جلسات دعایی که مرتبا برگزار میشود - این یک واکنش طبیعی نسبت به تمایل شدید شرکت کنندگان است تا مسیر خدمت به امر مبارک و بشریت را با قاطعیت شروع کنند. آیا میتوانید تدابیر بخصوصی را ذکر کنید که یک لجنه تبلیغ ناحیه ای و منسقین مؤسسه میتوانند برای کمک به دوستان در یک محدوده فراهم آورند تا انرژی آنها را که در اثر تعداد فزاینده ای از جلسات دعا آزاد گشته در مجاری میدان خدمت هدایت نمایند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

#### قسمت ۱۰

گروه سریعاً وارد مشورت در موضوع ملاقاتهای خانوادگی و توانائی قیام به گفتمانهای هدفمند و نشاط بخش میشود.

مارتا میگوید: «من بسیار خوشحالم که ترویج سیستماتیک ملاقاتهای خانوادگی یکی از کارهای لجنه است و اینکه ما آنرا از ابتدا دنبال میکنیم. اگر بخاطر همین ملاقاتها نبود من الآن در اینجا نبودم. من و شوهرم وقتی که در صف خواربار فروشی ایستاده بودیم با جایرو آشنا شدیم. یادم نمی آید آنوقت چه چیزی بهمیدگر گفتیم، ولی احساس کردم میخواهیم دوست شویم. او ما را به فنجانی قهوه در مغازه بغلی دعوت کرد، و ما قبول کردیم. صحبت ما مختصر بود ولی شامل چند مطلب بود که موضوع بحث ما در خانواده بود. در آخر کمی راجع به خودش گفت و اینکه چگونه بعضی از تعالیم شگفت انگیزی را یافته که معنی زیادی به زندگی او بخشیده است. او از ما سؤال کرد آیا میتواند به همراه همسرش بملاقات ما در خانه بیاید. ما تا حدودی از شنیدن آن تعجب کردیم، ولی در عین حال خوشحال شدیم. آن ملاقات ساعت ۷ در یک شب شروع شد و تا ساعتها ادامه داشت. الآن میفهمم که در میان صحبت هایمان امر مبارک را خیلی شبیه آنچه بعداً در کتاب ۶ مطالعه کردیم بما معرفی کردند. نیمه شب من و شوهرم بهائی شده بودیم. ببخشید که وقت شما را برای گفتن اینها با چنین اشنیاقی گرفتم. ولی بگذارید فقط اشاره کنم که این دوستان جدید ما را بحال خود رها نکردند. در حالی که منتظر بودند یک حلقه مطالعاتی را پیدا کنند تا کتاب ۱ را بخوانیم، دو بار ما را ملاقات کردند و ما را بخانه خود دعوت کردند. این روزها اگر همدیگر را لا اقل هر دو ماه یکبار در منازل جهت دعا و صحبت راجع بامر مبارک ملاقات نکنیم، غالباً به همراه چند دوست دیگر، احساس میکنیم چیزی مهم در زندگیمان کم داریم.»

روبرتو میگوید: این یک داستان جالبی بود و بسیاری از افکار مهم را در بر میگرفت. موقعیت هایی که در آن ملاقاتهای خانوادگی انجام میشود از جائی تا جائی دیگر و از زمانی تا زمانی دیگر فرق میکند. دست آوردهای

زیادی را میتوان کسب نمود اگر از قوای نهفته در این نوع از فعالیت ها آگاه باشیم. مثلا در ناحیه ما مطمئنا در محدوده جغرافیایی شما ، جمعیتی وجود دارند که از ملاقات آنها در خانه هایشان برای شناختن حضرت بهاء الله و تعالیشان استقبال میکنند. لذا تعیین یک تیم یا بیشتر برای چنین ملاقاتهایی مطمئنا انگیزه بزرگی برای مجهودات تبلیغی در محدوده جغرافیایی خواهد بود، بخصوص در طی مرحله توسعه ادوار فعالیت. متعاقبا ملاقاتهای خانوادگی ، برای صحبت در مورد مواضع ارائه شده در کتاب ۲ از سلسله دروس اصلی و جهت اطمینان از اینکه بعضی از مؤمنین جدید مطالعه کتاب ۱ را شروع کنند، سهم بسزائی در فرایند جامعه سازی خواهد داشت.

ابر میگوید: این طبعا نمایانگر تنها یک مجموعه از موقعیت هایی است که در آن ملاقاتهای خانوادگی در جامعه اتفاق میافتد. در طی مدت کوتاهی که بعنوان منسق برنامه نوجوانان کار می کردم ، برایم روشن شد که بدون ملاقاتهای سیستماتیک والدین نوجوانان ، مشکل خواهد بود که در طول مدت سه سال گروه را سر پا نگه داشت.

انیتا اضافه میکند: «همین مسأله در مورد والدین اطفال شرکت کننده در کلاسهایی که برای آنها تنظیم شده نیز صادق است.»

جایرو ، منسق سلسله اصلی دروس، میگوید: «داستان مارتا جنبه دیگری از ملاقاتهای خانوادگی را نیز در بر میگیرد. اینکه ما یکدیگر را ملاقات میکنیم تا روابط دوستی را عمیق کنیم و گفتمانهای هدفمند و متعالی داشته باشیم یک جنبه مهم از فرهنگ است که در جوامع خودمان در حال ساختن آن هستیم. دوستان این کار را میکنند.»

ماریسلا میگوید: «البته ، دوستان باید این کار را بکنند. اما ترس من این است که جامعه ما در جهتی حرکت میکند که گفتگوهای صمیمانه بین مردمی که در یک محله ساکن هستند روز به روز غیر معمول میشود. ما داریم عادت میکنیم که با یکدیگر بوسیله ابزارها و اپلیکیشن ها ، رسانه های اجتماعی، و اینترنت ارتباط برقرار کنیم. لطفا اشتباه درک نشود. من پیشرفت حاصل در فن آوری ارتباطات را دوست دارم و قدری هم بآن علاقه مند هستم. چیزی که خوب است مشاهده کنیم یک عادت خوب تفکر منتقدانه در باره این که چه وقت و چگونه باید از یک فن آوری استفاده کنیم. این پیامک های یک جمله ای که مینویسیم و عکس هایی را که با یکدیگر رد و بدل میکنیم ما را از اشیاء مطلع میسازد؛ اما به روز کردن و جمله های کوتاه و امثال آن جای گزین صحبت های عمیق و واقعی در بین دوستان نمیشود.»

صحبت های ماریسلا مورد توجه گروه قرار میگیرد، و بنظر میرسد هرکس نظری داشت که مایل بود اضافه کند. بعد از ظهر گذشت و شب فرارسید، و وقت تنفس و صرف شام بود. در حینی که دوستان مشغول صرف شام بودند بحثی پر نشاط در مورد فن آوری و روابط اجتماعی شکل میگیرد.

ما نیز باید در اینجا توقف کنیم و در مورد نکاتی که ماریسلا آنها را مطرح کرد کمی تأمل کنیم. مطالعات پیاپی که در بسیاری از جوامع مرفه از نظر مادی انجام شده بر ازدیاد بیگانگی و غربت و تشدید احساس تنهایی و انزوا تأکید دارد. بنظر شما علت این وضعیت هشدار دهنده چیست؟ واضح است که بخشی از این مسئولیت متوجه طریقه ای است که فن آوری های جاری تعامل بین مردم را شکل میدهند. اما تنها سرزنش کردن فن آوری برای بوجود آمدن این پدیده بنظر نمیرسد ما را به حقیقت امر برساند. نیاز است شما بشکل عمیق تری درباره جهت حرکتی که این جوامع در پیش گرفته اند تفکر کنید ، در حالیکه بیشتر و بیشتر غرق مادیات میشوند. آنها اصرار دارند خود را دور این تفکر سازمان دهی کنند که هر فرد باید خواسته های شخصی خود را دنبال کند و بالا ترین رضایت خود را بدست آورد. هرچند نمیخواهند رابطه بین امر ارضی که دچار آن شده اند و تبعیتشان از این مبادی مادی گرائی را ببینند. در این راستا ، باید بررسی کنید چطور مجهودات جامعه سازی ، که حال در محله ها و دهکده ها در سراسر جهان در جریان است ، گرمی تعاون و تعاضد بین بشر را باز میگرداند.





توسعه و تحکیم ادوار فعالیت، از مهم ترین اهداف یادگیری در مقابل لجنات تبلیغ ناحیه ای است، و این چیزی است که نیاز به کوشش مداوم در دراز مدت دارد.» ماریسلا اضافه میکند: «پس برای ما ضروری است که متذکر باشیم در حالیکه از یکدیگر در منازل خودمان بازدید میکنیم و وارد بحثهای روح بخش با همدیگر میشویم، لجنه باید در همکاری با هماهنگ کنندگان مؤسسه، در تنظیم و پی گیری انواع بخصوصی از ملاقاتها دقت زیادی مبذول دارد. برای مثال ملاقاتهایی جهت تبلیغ مستقیم، جهت تأمل در مورد مواضع تعمیقی با مؤمنین جدید، و جهت گفتگو با جوانانی که مسیر خدمت را شروع نموده اند به همراه خانواده های آنان بعمل آید.»

مارثا میپرسد: «بهترین راه برای این کار عبارت است از تشکیل گروه ها، مگر نه؟»

ماریسلا تأکید میکند: «این همان چیزی است که ما بطور فزاینده ای در محدوده های ناحیه خودمان، و فکر میکنم در دیگر ناحیه ها نیز مشاهده میکنیم. هرچند باید مواظب باشیم تا بیش از حد راجع به تشکیل تیمها سخت گیر نباشیم. یک نوع سلاست در مورد راهی که دوستان برای خدمت دور هم جمع میشوند وجود دارد. من میدانم که روبرو تو از ما میخواهد به موضوع بعدی امروز پردازیم، لذا شاید بهتر باشد زمان دیگری را برای بحث گسترده تری در مورد اینکه چطور کار چنین تیمهایی را میتوان تنظیم نمود یافت. ولی بگذارید فقط یک نکته را یادآوری کنم. نباید این فرضیه را داشته باشیم که ملاقات از مردم در خانه هایشان - کسانی که ما آنها را غریبه میدانیم - و مشغول شدن به گفتمانی در مورد مواضعی سنگین مانند ظهور حضرت بهاء الله و خدمت به بشریت وظایفی است که باسانی برای هر کسی میسر است. مطالعه کتاب ۲، بخصوص قسمت تمرین آن، بما کمک زیادی در این مورد میکند. هرچند همه ما احتیاج به تجربه داریم اما ثابت شده است که غالباً همراهی با یک نفر که قبلاً توانائی مطلوب را پرورش داده باشد ضروری است. در مورد موقعیت خود میدانم که با نوعی بحث بخوبی آشنا بودم که میتوان با جوانان باز کرد تا بینشی از مسیر خدمت که توسط مؤسسه ترویج میشود داشته باشند. اما باور کنید یکی دو بار که سعی کردم این کار را به تنهایی انجام دهم، امور بخوبی پیش نمیرفت. بعد از آن به همراهی کسی که تجربه داشت بدین بعضی از جوانان رفتم. وقتی که دیدم چطور با آنها تعامل میکند، امور کم کم در جای خودش قرار گرفت. بزودی توانستم بحثهایی را با جوانان در سطحی شروع کنم و ادامه بدهم که میدانستم از لحاظ نظری امکان آن وجود دارد ولی در گذشته قادر بانجام آن نبودم.»

روبرتو اضافه میکند: «برای همین به همه لجنات تبلیغ ناحیه ای توصیه میکنیم جلسات مشورتی با تیمهایی که برای اهداف مختلف تشکیل شده اند داشته باشند، بخصوص در بدایت و در آخر هر مرحله از توسعه. بنظر میرسد این امر به دوستان کمک میکند تا بینش هائی را که کسب میکنند در افکار خود استحکام بخشند. و بدین منوال تأمل از یک دور به دور دیگر مستمرا حادث میشود، مقدار زیادی از اطلاعات بطور حتم ایجاد میشود و قوای مکنونه موجود در ملاقاتهای خانوادگی بتدریج ظاهر میشود.»

ماریسلا گروه را متذکر میدارد که در حالیکه «ملاقات خانوادگی» بعنوان عنصری از فرهنگ مستمرا در محدوده جغرافیائی تقویت میشود، نیاز به قیام به ملاقاتهای منظم و سیستماتیک با اهدافی بخصوص نیز وجود دارد. شاید متمر ثمر باشد که بر روی روشی که مفهوم «سیستماتیک» در اینجا بکار گرفته میشود تأمل کنید. واحد دوم کتاب ۲ مثالی از این سری ملاقاتها ارائه میدهد، و طوری تنظیم شده که مواضع مختلف تعمیقی را با یک خانواده که به تازگی به امر مبارک اقبال کرده اند در میان میگذارد. برای شما مفید خواهد بود که بار دیگر در این واحد نظر افکنده و در گروه خود بعضی از ویژگیهای ملاقاتهایی که شرح داده شده و آنها را سیستماتیک میکند شناسائی کنید. سعی کنید قدری جلوتر روید و در مورد اینکه چه نوع تنظیمی از طرف لجنه تبلیغ ناحیه ای، با همکاری هماهنگ کننده مؤسسه، لازم است تا اطمینان حاصل شود الگوئی سیستماتیک از چنین ملاقاتهایی در محدوده جغرافیائی گسترش یابد. برای مثال، لجنه میتواند لیستی از مؤمنین جدید تهیه نماید و با تیمهای مربوطه تماس حاصل نموده تا پیشرفت حاصله از طریق مجموعه این مواضع را پی گیری کند. همین که شما یک مفهومی از «ملاقاتهای سیستماتیک خانوادگی» بدست آوردید، یک پاراگراف کوتاه در مورد هر کدام از موارد ذیل بنویسید:

(a) ملاقاتهای سیستماتیک از والدینی که فرزندان آنها در کلاسهای اطفال بهائی شرکت میکنند:

---

---

---

---

---

---

---

---

(b) ملاقاتهای سیستماتیک از والدینی که فرزندان آنها در برنامه ای که توسط مؤسسه آموزشی برای توانمندی روحانی آنان ارائه شده شرکت میکنند:

---

---

---

---

---

---

---

---

(c) ملاقاتهای سیستماتیک از منازل جوانانی که مشغول خدمات هستند:

---

---

---

---

---

---

---

---

#### قسمت ۱۲

حال در مورد ماهیت گفتمانی میاندیشیم که انتظار داریم در فضای گرم یک خانه در طی یکی از ملاقاتها که لجنه تبلیغ ناحیه ای میخواهد آن را ترویج کند آشکار میشود. در پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم چنین توضیح میدهند:

«تقلیب فردی و جمعی که به مدد کلام الهی ایجاد می شود هسته مرکزی الگوی عملی است که در یک محدوده جغرافیایی شکل می گیرد. یک شرکت کننده از آغاز دوره های متسلسل از طریق بررسی مفاهیم مهم از قبیل نیایش ، خدمت به عالم انسانی ، حیات روح ، و تعلیم و تربیت کودکان و جوانان ، با آثار حضرت بهاء الله آشنا می شود. وقتی فرد عادت مطالعه و تعمق در کلام خلاق الهی را تقویت می کند این فرایند تقلیب، خود را به شکل توانایی بیان درک شخصی از مفاهیم عمیق و بررسی واقعیت روحانی در گفتگوهای مهم ، ظاهر می سازد. این قابلیت ها نه فقط در مباحث



متعالی که بیش از پیش از خصایص تعاملات درون جامعه است نمایان می گردد بلکه در گفتگوهای ورای آن نیز ظاهر می شود، به ویژه بین جوانان بهائی و هم سالانشان، و سپس به مادران و پدران بسط می یابد که فرزندانسان از برنامه های آموزشی جامعه بهره می گیرند. از طریق چنین تبادل نظرهایی، آگاهی از قوای روحانی افزایش می یابد، دوگانگی های ظاهری جای خود را به بینش های شگفت آور می دهد، یک حس اتحاد و رسالت مشترک تقویت می شود، اطمینان به اینکه می توان جهان بهتری ساخت از دیاد می یابد و تعهد به عمل مشهود می گردد. چنین گفتگوهای متمایزی به تدریج تعداد دائم التزایدی را به مشارکت در انواع فعالیت های جامعه جلب می نماید. استعداد روحانی و تجربه شرکت کنندگان به نحوی طبیعی موجب طرح موضوع ایمان و ایقان می گردد. بنا بر این با شتاب گیری فرایند مؤسسه آموزشی در یک محدوده جغرافیایی، نشر نفحات الله در زندگی دوستان اهمیت بیشتری می یابد.» (۱۸)

تمرینهای ذیل بشما کمک میکند تا در مورد هدایت‌هایی که بیت العدل اعظم در فقره فوق ارائه نموده اند تأمل کنید:

۱. با در نظر داشتن اینکه اعضای گروه شما از تجربیاتی غنی برخوردار هستند، برایتان دشوار خواهد بود که مناسبتهائی را که در آن گفتگوهای زیر بطور مشخص، ولی نه منحصرأ، در طی ملاقاتهای خانوادگی انجام شد ذکر کنید. برای هر کدام موقعیت پیش آمده را توضیح دهید و اینکه چطور حاصل این گفتگو به پایان مطلوب رسید. چه مطالبی در هر یک از این مناسبتهها گفته شد، و بعضی از نکاتی که به آن پرداخته شد چه بود؟

(a) آگاهی از قوای روحانی افزایش مییابد:

---



---

(b) دوگانگی های ظاهری جای خود را به بینش های غیر منتظره می دهد:

---



---

(c) استعداد روحانی و تجربه شرکت کنندگان به نحوی طبیعی موجب طرح موضوع ایمان و ایقان می گردد:

---



---

(d) یک حس اتحاد و رسالت مشترک تقویت می شود:

---



---

(e) اطمینان به اینکه می توان جهان بهتری ساخت از دیاد می یابد:

---



---

(f) تعهد به عمل مشهود می گردد:

۲. واضح است که هر گفتمانی به پایانی که در فوق بر شمردیم منجر نمیشود. آنچه که بیان میشود، مواضعی که مطرح میگردد، و روشی که بوسیله آن مورد بحث قرار میگیرد - همه اینها تأثیری مستقیم بر روی نتیجه دارد. در این رابطه، فقره ای که بیت العدل اعظم مرقوم نموده اند ما را از اهمیت نقش دوره های مؤسسه آموزشی در تشکل محتوای گفتمانهایی که انجام میدهیم متذکر میدارد. با این تفکر، در مورد بعضی از مواضعی که همواره در بحثهایی که در هر کدام از ملاقاتهای زیر آمده تفکر نمائید. به همراه دیگر اعضای گروه خود، قسمت‌هایی از دوره های مربوطه را که محتوایی برای بحث در مورد هر کدام از مواضع ارائه میدهد شناسائی کنید.

(a) زیارت یک خانه بعنوان قسمتی از یک فعالیت تبلیغی، که در آن ضروریات امر مبارک به سادگی و بصراحت ارائه میشود:

(b) زیارت خانه یکی از مؤمنین جدید برای کمک به آنها جهت تعمیق معلومات امری آنها:

(c) زیارت خانه یک جوان برای دعوت از او جهت شرکت در فعالیتهای جامعه سازی جاری و برای مطالعه کتاب ۱ بعنوان اولین قدم:

۳. با در نظر گرفتن ماهیت گفتمانهایی که در طی ملاقاتهای خانوادگی در محدوده جغرافیائی انجام شد، میتوانید بر روی دو سؤال مهم تأمل کنید. جواب هر کدام بوضوح منفی است، اما ارزش آن را دارد که در گروه خود مشورت کنید چرا در هر یک از این موارد جواب چنین است.

- (a) آیا نوع نتایجی را که از گفتمانهای برگزار شده در جامعه امید به حصول آن دارید بدون تکیه بر کلام الهی ممکن است - یعنی بدون آوردن جملات و فقراتی مناسب از آثار مبارکه بر طبق آنچه که موقعیت ایجاب میکند؟
- (b) آیا نوع نتایجی را که از گفتمانهای برگزار شده در جامعه امید به حصول آن دارید بدون اینکه اجازه دهید افکار شما از خطابات حضرت عبدالبهاء طبق آنچه در واحد سوم کتاب ۲ از سلسله دروس آمده الهام گیرد ممکن است؟

### قسمت ۱۳

مشورت در موضوع ملاقاتهای خانوادگی و تبعات زیاد آن برای کار لجنه بطور طبیعی ما را به مشورت در باره نشر نفعات الله هدایت میکند. روبرتو باب مشورت را باز میکند:

«دیر وقت است و بزودی به پایان وقت جلسه میرسیم. لذا باید دو ساعت باقیمانده را به مسأله تبلیغ اختصاص دهیم. موضوع جاری مشاورات شما طبعاً بسیج دوستان برای نشر نفعات الله، بواسطه نقشه های تبلیغی



فردی و همچنین شرکت در اقدامات جمعی خواهد بود. در این مورد دو پیشنهاد داریم. یکی برای شما بعنوان اعضای لجنه و منسقين در محدوده جغرافیائی، و شاید به همراه بعضی دیگر از دوستان، تا وقتی را برای مرور مواضع کتاب ۶ مؤسسه روحی اختصاص دهید. شما همگی با این کتاب آشنا هستید، و تعداد کمی از شما نیز بعنوان راهنما آن را با دیگران مطالعه کرده اید. تمرکز شما برای مرور این کتاب این بار زیاد بر روی خود دروس نیست بلکه بر روی این است که چگونه افکار کلیدی آن میتواند بتدریج در روش تفکر، صحبت، و عمل دوستان در رابطه با امر تبلیغ نفوذ و سرایت نماید. فرهنگ این محدوده جغرافیائی باید چگونه باشد تا تبلیغ یک فرایند طبیعی بوده که همگی در آن بطریقی مشارکت میکنند؟ پیشنهاد دوم این است که طرقي را بیابید تا اطلاعات شما را از واقعیت اجتماعی محدوده جغرافیائی افزایش دهد و اینکه بخودتان اجازه دهید تا راجع به زندگی و نگرانی های ساکنان محله تان در اینجا تفکر کنید و اطلاع یابید، و در آنها «احجار کریمه» را مشاهده نمائید.

در حالیکه بقیه سرشان را بعلامت موافقت حرکت میدهند پابلو پاسخ میدهد: «ما حتما کتاب ۶ را مرور خواهیم کرد و راجع به چالش بسیج دوستان بکاوش خواهیم پرداخت. ولی میتوان عجلتا در مورد واقعیت اجتماعی خودمان مشورتان را شروع کنیم؟ خوب است به بعضی نتایج اولیه دست یابیم که بر اساس آن بتوانیم مشورت را ادامه دهیم.

روبرتو میگوید: «بسیار خوب، ما میتوانیم در این مورد بطرق مختلفی فکر کنیم. میتوانیم بگونه مثلا محدوده جغرافیائی تشکیل شده از شهر و بعضی از شهرک ها و دهکده های مجاور. و میتوان ادامه داد و جغرافیای آن را بشکل مفصل تری شرح داده به محله ها، مناطق تجاری، فضاهای عمومی، و وسائل حمل و نقل نیز اشاره کرد.

لیلیانا میگوید: «بله، گروه کوچکی از ما قبل از اینکه لجنه انتخاب شود و هنگامی که بطور غیر رسمی دور هم جمع میشدیم تا در مورد رشد امر در محدوده جغرافیائی فکر کنیم، کمی از این کارها کردیم. در حقیقت ما فراتر رفته و شروع کردیم به نگاه کردن به بعضی از مؤسسات جامعه در قسمت های بخصوصی از محدوده: دو مدرسه و یک مرکز برای جامعه را میشناسیم، همچنین حد اقل یک مؤسسه محلی را میشناسیم که بنظر میرسد کارهای خوبی را با افراد جوان انجام میدهند. حتی در مورد اینکه بیشتر با ساختار حکومت در محدوده جغرافیائی آشنا بشویم صحبت کردیم، و فکر کردیم شاید بهتر باشد درک بهتری از عملکرد دفاتر شهرداری در شهر و نهادهای مربوطه در شهرک ها و دهات اطراف بدست آوریم.»

روبرتو میگوید: «این عالی است. البته روش دیگری که میتوان واقعیت محدوده جغرافیائی را از مد نظر قرار داد، و اهمیتش کمتر نیست، به لحاظ جمعیت است. آیا فرصتی بدست آمد که در این مورد مشورت کنید؟»

مارتا میگوید: «از بدایت هفته زمانی که از ما دعوت شد در عضویت لجنه خدمت کنیم، پابلو، لیلیانا و خودم دو بار جهت صحبت دور هم جمع شدیم، و احتمالا وقت بیشتری را از هر چیز دیگر برای مشورت در باره ساختار جمعیت محدوده جغرافیای خودمان اختصاص دادیم. هنوز احساس میکردیم که بینش های ما قدری محدود است، و امیدواریم امروز مشورتها بما کمک کند تا اطلاعات بیشتری در این مورد بدست آوریم.»

روبرتو پاسخ میدهد: «میخواهم با شما روش تفکر در مورد جمعیت محدوده جغرافیائی و حرکت آن بسوی دیدگاه حضرت بهاء الله برای یک جامعه نوین که میتواند در مشاورات شما مفید واقع شود در میان گذارم. اولاً، آیا ما تصویر واضحی از تعداد مردم ساکن در اینجا داریم؟»

مارتا میگوید: «من اخیراً بررسی کردم، ما در باره تعدادی در حدود ۵۰۰۰۰ نفر صحبت میکنیم. روبرتو ادامه میدهد: «میتوان فرض کرد که در حال حاضر اکثریت بزرگی از آنها با دیانت بهائی آشنا نیستند. هر چند میتوان گفت که در این دایره ۵۰۰۰۰ نفری تقریباً چند صد نفر احتمالاً اطلاعاتی چند در مورد آن دارند.

طبعاً همه آنها از یک سطح از معلومات برخوردار نیستند، اما حتی کسانی که دارای فهم مبهمی از امر هستند احساس خوبی از آن دارند.»

لیلیانا پاسخ میدهد: «این قطعاً صحیح است. ما غالباً مردمی را ملاقات میکنیم که بما میگویند با امر آشنا شده اند: بعضی در اینترنت در مورد آن خوانده اند، در حالیکه دیگران دوستانی دارند که به فعالیتهای ما پیوسته اند. حتی ما یک معلم مدرسه را یافتیم که هر سال به شاگردانش وظیفه می دهد نطقی در مورد ادیان متعدد دنیا، از جمله دیانت بهائی تقدیم کنند.»

مارثا اضافه میکند: «فراموش نکنید خانواده ای را که به ما گفتند چند سال پیش از مشرق الاذکار پاناما در طی سفرشان دیدن کردند.»

لیلیانا نتیجه میگیرد: «این واضح است که باید سعی کنیم این اطمینان بدست آید تا تعداد افرادی که در این مجموعه هستند در هر دور افزایش یابد.»

روبرتو میگوید: «صحیح است، حال در بین اینها، فکر میکنید چه تعداد از مردم بشکلی با جامعه واقعا در ارتباط هستند؟»

جایرو میگوید: «در حدود یکصد نفر هستند، شامل نوجوانان و اطفال، که در حال حاضر در فعالیتهای اساسی شرکت دارند. اکثر بهائیان در محدوده جغرافیایی بطریقی در آن دخیل هستند، باین معنی که بین ۶۵ تا ۷۰ نفر دیگر در تماس نزدیک با کلام الهی هستند و بتدریج از تعالیم حضرت بهاء الله اطلاع مییابند.»

انیتا میگوید: «اما اینها تنها مردمانی نیستند که با جامعه در ارتباط هستند. بعنوان مثال والدینی هستند که اطفالشان در کلاسهای اطفال شرکت میکنند و ساکنانی در محله ها هستند که از پروژه های خدماتی که توسط نوجوانان بعهد گرفته شده حمایت میکنند.»

جایرو میگوید: «بنابر این میتوانیم دو گروه را مشخص کنیم که با جامعه در ارتباط هستند: اول، کسانی که بشکلی در ارتباط با امر مبارک هستند؛ در بین این گروه کسانی هستند که عملاً در فعالیتهای اساسی شرکت میکنند.»

پابلو اضافه میکند: «وسپس خود جامعه بهائی است، جامعه ای که به حضرت بهاء الله ایمان دارد و عهد و میثاق او را قبول نموده.»

مارثا میگوید: «همچنین باید متذکر بود کسانی هستند که رسماً بهائی نیستند ولی خود را به جامعه بهائی معرفی نموده و خود را در پیشبرد نقشه های آن متعهد میدانند.»

ابر میگوید: «این چنین بود که بعضی از ماها ارتباط خود را با امر مبارک آغاز کردیم، و سپس متعاقباً اعضای جامعه بهائی شدیم.»

پابلو میگوید: «در حال حاضر محدوده جغرافیایی اینچنین دیده میشود. اکثریت بزرگی از مردم اطلاعی در مورد امر مبارک ندارند. چند صد نفر هستند که تا حدودی راجع به امر اطلاع دارند. در بین آنها دویست نفر با جامعه بهائی در ارتباط هستند. در حدود یکصد نفر از آنها، از طریق مشارکت در فعالیتهای اساسی، اطلاعات روز افزونی در باره امر بدست میآورند و به حضرت بهاء الله نزدیکتر میشود. در بین این گروه در حدود ۴۰ نفر حضرت بهاء الله را شناخته و بامر مبارک اقبال نموده اند، و میتوانیم بعضی از مشوقین گروه های نوجوانان را که بسیار مجذوب دیدگاه آن حضرت برای دنیا هستند به آنها اضافه کرد ولی هنوز بعنوان اعضای جامعه تسجیل نشده اند.»



روبرتو نتیجه میگیرد: «حال با این تصویر از جمعیت محدوده جغرافیایی که بر اساس نزدیکی آن به امر مبارک تعریف شده، باید برای ما آسانتر باشد که افکار خودمان را تنظیم کنیم. میتوانیم حال در مورد کوششهای خودمان در محدوده بر اساس کمک به رشد هر یک از دایره هائی که در مورد آن صحبت کردیم فکر کنیم.»

بعد از یک سکوت کوتاه، پابلو اضافه میکند: «من این طرز تفکر را خیلی مفید می بینم. در واقع من همیشه مجذوب ایده حرکت کل جمعیت بسوی حضرت بهاء الله بوده ام. اما فقط الان توانستم تصویری واضح در ذهن خودم راجع به اینکه چگونه این حرکت اتفاق میافتد داشته باشم. هر قدر این گروه ها، این دایره های متحد مرکز، اتساع یابد، مردم بیشتری بطرف جمال مبارک نزدیکتر میشوند.»

ماریسلا میگوید: «باید متذکر باشیم برای اینکه این حرکت اتفاق بیافتد، لازم است تعداد بیشتری از مردم در محدوده جغرافیایی وارد مسیر خدمتی شوند که توسط دوره های مؤسسه پی گیری میشود، و در آن پیشرفت کنند.»

تفکر در مورد واقعیت محدوده جغرافیایی برای مدتی توسط گروه بهمین منوال ادامه مییابد، اما شرکت کنندگان به این حقیقت واقفند که شب بیابان رسیده؛ واضح است که مشورت آنها در مورد همه مسائل مهمه تبلیغی تازه شروع شده است و اینکه در طی هفته ها و ماه های آینده آنها را مشغول خواهد کرد.

در اینجا شرح خودمان راجع به اهمیت جلسه ای که برای کمک به لجنه تبلیغ ناحیه ای که اخیرا تشکیل شده تا مرحله اولیه کار خود را شروع کنند خاتمه میدهیم. این کار را با قراءت کلمات ذیل از بیت العدل اعظم انجام داده و هر کدام از ما تأملی شخصی و ساده در کلمات آن میکنیم:

«آنچه در خور توجهی خاص است بینش های گران بهای حاصله در محدوده ها و در مراکز اقدامات فشرده در درون این محدوده ها می باشد که پویایی حیات جامعه تعداد زیادی از مردم را دربر گرفته است. بسیار خوشنودیم که در چنین مناطقی یک فرهنگ حمایت متقابل که بر اساس دوستی و خدمت خالصانه استوار است به طور طبیعی استقرار یافته و توانسته است نفوس روزافزونی را به طور سیستماتیک در میدان فعالیت های جامعه وارد سازد. در شرایط متنوع، حرکت یک جمعیت به سوی بینش حضرت بهاء الله از یک اجتماع جدید دیگر صرفا به صورت دورنمایی جذاب به نظر نمی رسد بلکه واقعیتی است در حال ظهور و بروز.» (۱۹)

با تفکر در مورد دایره های متحد مرکزی که در جلسه شرح داده شد، هر کدام از ما مانند پابلو میتوانیم بطور مشخص تری حرکت جمعیت را در محدوده جغرافیایی که در آن ساکن هستیم مجسم کنیم. با این تصویر که در ذهن داریم، میتوانیم بر روی مجهودات خودمان جهت مشارکت در پیشرفت نقشه جهانی کنونی که در حال اجرا است تأمل کنیم. شاید مفید باشد لیستی از اقداماتی که انجام میدهید - از صحبت ساده در مورد امر مبارک و تعالیم آن در گفتمان با مردم گرفته تا شرکت در فعالیتهای جمعی که در گستره نقشه انجام میشود - تهیه کنید و برای خودتان یادداشت کنید چگونه هر کدام در حرکت جمعیت بسوی بینش حضرت بهاء الله از یک نظم جدید نقش دارد.



#### قسمت ۱۴

اعضای لجنه تبلیغ ناحیه ای جلسه مشورتی را که شرح دادیم با شور و شوق و احساسی عمیق از تفکر ترک میکنند. «قدم به قدم» عبارتی است که غالباً ورد زبان آنها است.

اولین وظیفه در مقابل آنها تنظیم جلسه ای است که اعلان شروع فعالیت دور آتی در محدوده جغرافیایی خواهد بود. متأسفانه وقت تنگ است و باید آمادگی لازم هرچه سریع تر انجام شود. لذا تصمیم گرفته شد لیستی از همه دوستان در محدوده جغرافیایی تهیه نموده و مطمئن شوند همگی دعوتنامه دریافت میکنند. به خود یادآوری میکنند که این جلسه باید سرشار از عشق و روح محبت باشد؛ نطقها و مشاورات باید همراه با ادعیه، سرود، و داستانهای مشوق باشد. آنها قصد دارند در بدایت مختصری از مواضع مشورتی در باره سه فعالیت که مقرر است انرژی خود را بعنوان لجنه روی آن متمرکز کنند ارائه دهند و سپس باب مشورت را در جلسه باز گذارند. وقت معینی را نیز اختصاص خواهند داد به اینکه دوستان بتوانند در مورد فعالیتهایی که قرار است، فردی و جمعی در طی مرحله توسعه دور اول، انجام دهند تفکر کنند.

جلسه در فضائی از صمیمیت و احتفال برگزار میشود. اما تعداد شرکت کنندگان نسبتاً کم هستند. خیلی از دوستانی که دعوت شدند حضور نداشتند. با این وصف، کسانی که حاضر بودند با اشتیاق در مورد فعالیتهایی که قرار است در طی مرحله توسعه آتی دنبال کنند مشورت می کنند.

اعضای لجنه هر چند از روح جلسه دلگرم بودند اما میخواستند بدانند چرا سطح شرکت کنندگان خیلی پائین بود. علل مختلفی در مشاوراتشان مطرح شد - ممکن است دعوت دیر بدست آنها رسیده باشد؛ ممکن است روش تماس با دوستان مؤثر نبوده باشد؛ اهمیت جلسه باندازه کافی در دعوتنامه ذکر نشده بود. بزودی برای اعضای لجنه واضح شد که تجزیه و تحلیل آنها باید خیلی عمیق تر باشد. آنها قبول کردند هیچ جواب ساده ای برای آن نیست؛ چالشی را که در قبال خود دارند این است که بدانند چطور انرژی دوستان را در محدوده جغرافیایی بطور مؤثری بسیج کنند. آنها قرار میگذارند این موضوع را در جلسات آینده خود به کاوش بگذارند. همچنین تصمیم گرفتند در مرحله ای از ماریسلا جهت استفاده از حکمت و تجربه او درخواست کمک کنند. ولی همه اینها باید بتعویق افتد. مرحله توسعه دور اول فعالیت با تمام حجمش در مقابل آنها نمایان است، و توجه آنها باید کلاً متمرکز بر چالش تنظیم برنامه ای دو هفته ای از فعالیت فشرده باشد.

#### قسمت ۱۵

یک روز گذشته از مرحله دو هفته ای توسعه، لجنه تبلیغ ناحیه ای وسه منسق مؤسسه در محدوده جغرافیایی

دور هم جمع شده تا در مورد آنچه بدست آمده تأمل کنند. حس و حال گروه نشان از سپاسگذاری است ولی نه بمیزان زیاد. وقتی که برای دعا و سرود اختصاص داده شده بود برای تقویت روحیه ها بسیار مؤثر بود. مارثا اولین کسی است که صحبت میکند.

او با صدایی غمگین میگوید «من انتظار بیشتری داشتم».

ابر میگوید «فکر میکنم همگی همین انتظار را داشتیم، اما قبل از ادامه کار، بهتر است از پابلو بپرسیم دست آورد دقیقا چه بوده».

پابلو میگوید: «این چیزی نیست که بنظر آسان و سر راست باشد. اشیائی هست که ما نمیدانیم چگونه آنرا بسنجیم. همه ما اتفاق نظر داریم که مثلا دوستان در طی دو هفته کوشش هماهنگی جهت یافتن مواضع روحانی در گفتمان با همسایگان و آشنایان مبذول داشته اند. من حد از اقل دو فایر ساید خیر دارم که نتیجه یک کوشش زیاد بود، و این سعادت را داشتم که در یکی از آنها حاضر باشم. بسیار جلسه پر نشاطی بود، یک زوج جوان حضور داشتند، به همراه یک خانواده با دختر جوانشان، که بنظر من قطعا بامر نزدیک تر شده بود».

لیلیانا میگوید: «احتمالا با صحبت با بعضی مردم برای ما آسان خواهد بود بدانیم چند عدد فایر ساید در طی این دو هفته منعقد گردید».

پابلو ادامه میدهد: «در مورد کمپینی که سعی در تنظیم آن داشتیم، ما سه تیم بودیم. یک تیم از خانواده ها در محله مارثا دیدن مینمود و امر مبارک را برای کسانی که علاقه نشان میدادند تدریس میکرد. مارثا میتواند اطلاعات بیشتری بماندهد، اما ظاهرا مردم عموما مستعد بودند و مایل بودند بیشتر راجع به تعالیم بدانند. در واقع پنج نفر از سه خانواده به امر حضرت بهاء الله ایمان آوردند و خود را بعنوان بهائی تسجیل کردند.»

مارثا میگوید: «یکی از مؤمنین جدید نزدیک ما زندگی میکند، و من از برخوردهای قبلی او را میشناختم. دعاهایی که او، دخترش و دو دوستی که بملاقات آنها آمده بودند بعد از ایمانش میخواندند حقیقتا او را متأثر کرده بود. وقتی در مورد جلسات دعا شنید، فوراً قبول کرد که یکی را بطور منظم در منزل خود برگزار نماید و همسایگان و دوستانش را نیز دعوت کند. دختر او مایل است کتاب ۱ را مطالعه کند، و قادر است در میزبانی جلسات دعا کمک کند. شاید یکی از ما بتواند در این جلسه برای مدتی شرکت کند تا قوای محرکه آن را تدوام بخشد».

پابلو میگوید: «دو تیم دیگر، خود را وقف انعقاد گفتمانها با جوانان کردند؛ یک تیم جوانان را در محله ما ملاقات نمود و تیم دیگر در محله لیلیانا. او این تیم را به مدرسه ای که مدیر آن دوست خوب او بود معرفی نمود. این تیم سلسله ای از برنامه ها را برای کلاسهای متعدد اجرا کردند، و احساس اعضاء این بود که خوبی مورد استقبال قرار گرفت. اما وقتی زمان گرد هم آمدن در خارج مدرسه رسید تا بحث را ادامه دهند، تعداد بسیار کمی حاضر شدند. در پایان نتیجه این فعالیت سه یا چهار جوان بودند که مایل بودند به حلقه مطالعاتی کتاب ۱ بپیوندند. از فعالیتهای تیم دیگر چهار یا پنج جوان نیز بودند که مشتاق مطالعه این کتاب بودند.»

جایرو پیشنهاد میکند: «متصل کردن جوانان به فعالیتهای جامعه سازی که در محدوده جغرافیایی در حال تقویت است چیزی است که در مورد آن باید خیلی بیشتر یاد بگیریم. در عین حال باید سریع عمل کنیم و از دست آوردهای دو تیم بهره برداری کنیم. مطمئنا میتوانیم یک حلقه مطالعاتی را برای هر یک از این دو گروه جوانان به همراه بعضی از دوستانشان تنظیم کنیم. بمن گفته شده که نباید بگذاریم فاصله زیادی بین گفتمانهای اولیه و تشکیل حلقه های مطالعاتی که باید سریعا منجر به اقدام به خدمت گردد وجود داشته باشد.»



أبر ميگويد: «در اين صورت چون بسياري از اين جوانان ميخواهند با رفقاي جوان تر خود كار كنند، ميتوانيم باساني دو يا سه گروه از نوجوانان را در اين دور به تعداد آنهايي كه از قبل تشكيل شده اند اضافه كنيم. همانطور كه ميدانيد، ما اميدواريم تا آخر دور بعدي پنج يا شش گروه كه بخوبي تاسيس شده باشند داشته باشيم.»

انيتا ميگويد: «همچنين تعداد كلاسهاي اطفال قرار است افزايش يابد. خانواده هائي كه جديداً در محله مارثا ايمان آورده اند خواستار يك كلاس هستند، ويكي از معلمين آمادگي خود را براي تشكيل كلاس ابراز داشته. ومطمئناً، از ميان جواناني كه در دو حلقه مطالعاتي شركت ميكنند، دو جوان از هر گروه سني بين ۱۵ و ۱۶ سال خواهند بود كه ميخواهند كتاب ۲ و ۳ را مطالعه کرده و بعنوان معلم كلاسهاي اطفال خدمت كنند. ما ميتوانيم از آنان دعوت كنيم تا در كلاسهايي كه در حال برگذاري در محدوده جغرافيايي است كمك كنند تا براي شروع كلاسهاي خودشان اطمينان بنفس داشته باشند.»

ليليانا اشاره ميكند: «بغير از تنظيم كلاسهاي اطفال، آيا ميتوان گروهی را نيز ترتيب داد تا با خود خانواده ها پی گیری نمایند، آنها را ملاقات كنند ومواضيع مربوط به تزويد معلومات از كتاب ۲ را با آنان در ميان نهند؟»

در حاليكه گروه مشغول كشف فرصتهائي است كه در پيش رو است، فضاي نااميدي كه در بدایت جلسه شروع شد محو ميشود. همه اتفاق نظر دارند كه با در نظر گرفتن تنظيم عجلانه مرحله توسعه اولين دور از فعاليت، نتايج در واقع دلگرم كننده بوده. هر چند آنها آگاهند كه نياز است تا رمز بسيج انرژی تعداد روز افزوني از دوستان را در جامعه ای كه در حال ازدياد است كشف كنند، وتصميم ميگيرند همانطور كه روبرتو پيشنهاد كرداز فرصت استفاده نموده تا محتوای كتاب ۶ را در ۲ يا ۳ جلسه بهمراه بعضی از دوستان كه كاملاً در فرايند رشد مشغول خدمت هستند مرور كنند.»

#### قسمت ۱۶

مشورت راجع به محتوای كتاب ۶ بمدت ۳ روز ادامه مييابد، از يك روز آخر هفته شروع شده وتا روز آخر هفته بعدي بطول ميانجامد. در حدود ۱۵ نفر از دوستان در جلسات شركت ميكنند: اعضاي لجنه تبليغ ناحيه ای، منسقين مؤسسه، سه نفر از اعضاي محفل روحاني محلی تازه تاسيس در محدوده جغرافيايي، و تعداد کمی از راهنمايان با تجربه، مشوقين گروه های نوجوانان ومعلمين كلاسهاي اطفال. در روز اول مشورت، پابلو از طرف لجنه تبليغ ناحيه ای هدف از اين جلسه را شرح ميدهد.

او ميگويد: «ما همگي كتاب ۶ را قبلاً مطالعه کرده ايم، علی رغم اينكه مطالعه كردن از اهميت بسياري برخوردار است اما تنها يك قدم بشمار ميرود. در حاليكه جامعه در فرايند دوگانه خود جهت توسعه وتحكيم از تجربه برخوردار ميشود، درك ما نيز از مفاهيمی كه در كتاب آمده و بينش ما از پويائي روحاني تعاليم افزايش مييابد، همين طور توانائي جمعی ما براي مشاركت پيام حضرت بهاء الله با ديگران بيشتري ميشود. اميد چنان است كه تأمل ما در محتوای كتاب در پرتو تجربيات خودمان بما كمك خواهد كرد تا افكار كليدي آن، كه همگي از آثار مباركه الهام گرفته شده، بتواند بتدریج در روش تفكر، صحبت، و عمل ما بعنوان يك جامعه در رابطه با تبليغ نفوذ و سرايت نمايد. سوالي كه در مقابل ما است اين كه چطور فرهنگ محدوده جغرافيايي ما طوري باشد كه تبليغ يك فرايند طبيعي كه همگي بطريقي در آن شركت ميكنند باشد. با اين تفكر، لجنه فكر كرد با يادآوری پيام رضوان ۲۰۰۷ بيت العدل اعظم شروع كنيم. در آن لحظه پابلو بطرف ليليانا نگاه ميكند واو ميخواند:

«حضرت بهاء الله پيروان خود را به تبليغ امرالله موظف ومكلف فرمودند. در اين ايام هزاران هزار يا تمام قوا به اجراء مفاد ومندرجات نقشه مشغولند تا از طرق مختلف سالكين سبيل ايمان را به شاطی بحر عرفان هدايت نمايند. ديده انتظار ما مترصد روزی است كه شوق وشور تبليغ نیروی مستولی بر حيات احبا باشد واتحاد جامعه آنچنان قوی ومستحکم گردد كه اين اشتعال روحاني



به صورت اقداماتی پیوسته و پیگیر در میدان خدمت جلوه و بروزی درخشان نماید. اینست آرزوی دل  
و جان این جمع برای شما عزیزان که جهت تحقق آن در آستان مقدس با تضرع و ابتهال دعا می  
نماییم. « (۲۰)

همانطور که میتوان تصور کرد، مشورت گروه بسیار پر ثمر و روشن گر بود. ما به جزئیات گفتمان آنها  
نخواهیم پرداخت، اما در زیر مختصری از نکات چشمگیری که در روز اول مورد بحث قرار گرفت  
میاوریم:

- دوره های متسلسل مؤسسه بطور کل بما کمک میکند تا موضوع تبلیغ را به دیدی وسیع تر بنگریم - بعنوان بحثی طبیعی در مورد آرمان های بهائی، در میان نهادن باورها و عقاید خودمان، کشف امور روحانی، و حتی بعنوان مسئولیتی نسبت به پرورش جوانان. همه ما سعی داریم در این گفتمان که در حال اجرا است مجموعه ای از صفات و رفتاری که در آثار مبارکه و در بستر تعالیم مبارکه عمیقاً شرح داده شده است را بیاوریم. سه واحد کتاب ۶ سعی دارد به این مفهوم وسیع تبلیغی بپردازد، و توجه ما را به گزیده ای از فقرات الهام بخش آن معطوف دارد. باید در نظر داشته باشیم که پویایی روحانی که در کتاب بان پرداخته شده تنها مربوط به کوشش های تبلیغی مستقیم نیست، چه در جلسات فایرساید یا در طی یک ملاقات خانوادگی. همین پویایی ویژگی موقعیت های بسیاری از گفتمان ها است که در آن با گروهی از جوانان مشغول صحبت میشویم و آنها را به جهودات جامعه سازی در حال انجام دعوت میکنیم، یا با والدین اطفال و نوجوانان که در برنامه های آموزشی که از طرف مؤسسه ارائه میشود شرکت میکنند صحبت میکنیم.
- یکی از ویژگیهای قابل توجه پویایی تبلیغ این است که مولد سرور است. تعهدات جمعی ما باید با روحیه ای از سرور و فرح برانگیخته شود، و محیطی را بوجود آورد که نفوس را مجذوب و قلوب کسانی را که وارد آن میشوند به شور و شوق آورد.
- اولین واحد کتاب ۶ از ما میخواهد در مورد اهمیت تبلیغ امر مبارک بعنوان وظیفه ای که حضرت بهاء الله به آن امر فرموده اند بیاندهیم. ما به امر تبلیغ بعنوان حکمی از حقیقت وجود انسانی، بعنوان حقیقتی از ماهیت خلقت انسان نگاه میکنیم. فقراتی از آثار مبارکه را که در کتاب ۶ مطالعه کردیم توضیح میدهد که حالت طبیعی وجود انسانی بخشش و عطا است، بخشش از خود، و اعطای از آنچه که مالک هستند. بخشیدن یکی از ضروریات وجود روحانی است، و قصور در توجه به آن میتواند اثرات زیان آوری هم برای فرد و هم برای جامعه داشته باشد. تمایل به در میان نهادن معرفتی که از ظهور حضرت بهاء الله دریافت کرده ایم با دیگران بطور طبیعی از درون وجود ما سرچشمه میگردد. تصویری را که کتاب ۶ در این رابطه از آن استفاده نموده تصویر شعله ای است که کارش گرمی بخشیدن است.
- بنا بر این، پیامدهای وظیفه تبلیغی ما فراتر از کاری است که انجام میدهیم؛ اوامر حضرت بهاء الله برای تبلیغ امرش حالتی از بودن را اقتضا میکند که سعی میکنیم به آن دست یابیم - حالت برافروختن. باید آنقدر شعله محبت او را در دل برافروزیم که از گرمی و نور آن قلوب دیگران را بخود مجذوب کند و کمک کند تا حالت لازم برای روشن کردن جرقه ایمان در آنها بوجود آید. باید متذکر باشیم که برافروختن تنها برای فرد نیست؛ جامعه نیز باید سعی کند از آتش محبت الله مشتعل شود.
- کتاب ۶ بما کمک میکند تا ارتباط متقابل بین «بودن» و «عمل کردن» را مشاهده کنیم. تأثیر خدمت به امر مبارک بستگی به درجه موفقیت ما در ترکیب هر دو است. تکامل شخصیت فرد بطور طبیعی در کوشش های او برای خدمت به دیگران جلوه میکند، در حالی که تمایل فرد برای خدمت به دیگران به تلطیف شخصیت فرد کمک میکند. مفهوم آن این است که ما نمیتوانیم منتظر حالتی از کمال درونی باشیم قبل از اینکه

تعالیم حضرت بهاء الله را با دیگران در میان گذاریم. حتی کوچکترین شعله میتواند گرمی و نور داشته باشد. فهم عمیق این حقیقت به یک جامعه احساس مسئولیت میدهد و آنرا از درون نگری مصون میدارد.

• در حالت برافروختن، هر فرصتی برای تبلیغ را فضلی از جانب خداوند میدانیم. ما امر تبلیغ را بدیده قدردانی و حرمت نگاه میکنیم، و بعنوان عملی مقدس، «مقدس» اشاره باینکه از جانب خداوند است. هیچ کس نمیتواند اراضی قلوب انسانها را تسخیر کند مگر خداوند، و تبلیغ را میتوان مانند عملی روحانی مشاهده کرد که از طریق آن ابواب قلوب انسانها بسوی مظاهر او گشوده میشود. با نهادن ماهیت مقدس تبلیغ در بالاترین سطح تفکرمان میتوان از رویکردهائی که آنرا بعنوان فروش محصولی مفید یا نمایش ایده ای پیشرو به حساب آورد دوری نمود.

• اینکه ما رویکرد تبلیغ را عملی روحانی میشماریم یک بعد دیگری از تقدس را شامل میشود. ما تبلیغ میکنیم تا یک ارتباطی بین قلوب انسانها و ظهور حضرت بهاء الله برقرار کنیم - بزرگترین مواهب او به نوع بشر - ارتباطی که از طریق آن فرآیندی از تحول عمیق شروع میشود. ما میدانیم که کلام الهی، بنتهائی، دارای چنان قدرتی است که قادر است قلوب را متحول سازد. لذا میگذاریم تا آثار مبارکه به افکار و گفتار ما شکل دهد. همانطور که ما وقت و انرژی خود را وقف پیشرفت درک جمعی از آثار مبارکه میکنیم جامعه ما به درجات بالاتری از اتحاد میرسد - درکی که باید به همه فعالیت های ما روح بخشد.

• کتاب ۶ ما را متذکر میدارد که وقتی با دیگران گفتگو میکنیم، نه تنها باید از معلوماتی که بدست آورده ایم برای ارائه شرحی واضح و منسجم استفاده کنیم بلکه باید از قوای عشق و محبت نیز بهره برداری کنیم. چالشی که در مقابل ما است این است که بار دیگر در باره ارتباط متقابل بین «بودن» و «عمل کردن» تفکر کنیم. در گستره تبلیغ، گفتارمان باید باعث بوجود آمدن و تقویت روابط محبت بین قلوب شرکت کنندگان گردد و جریان یافتن احساسات و افکار متعالی را تقویت کند.

• خلاصه نکاتی که در بالا بواسطه گروه مورد بحث قرار گرفت بعضی از مفاهیمی را که نیاز است در تفکر جامعه گنجانده شود روشن میکند. بسیاری از این افکار، طبعا مربوط میشود به همه جوانب حیات جامعه ما - که تبلیغ تنها یکی از اجزاء ضروری آن است. مثلا مفهوم تقدس را در نظر آرید. در جهانی که مرزهای بین مقدس و ناپاک در حال از بین رفتن است، جامعه بهائی باید اطمینان یابد که رفتاری مناسب در قبال آنچه که مقدس است ترویج کند. این امر سزاوار بذل توجه لجنه تبلیغ ناحیه ای، و در واقع هر مؤسسه و نهادی که در محدوده جغرافیایی خدمت میکند، میباشد. آگاهی از شئون مقدس خود را در هزاران روش ظاهر میسازد، در گفتار و در رفتار، از کوچکترین حرکات گرفته تا جزئی ترین شکل از اقدام جمعی. مثلا در جامعه بهائی، بعد از تلاوت مناجات در یک جمع کسی تمجید و تشویق نمیشود؛ یک آگاهی قوی راجع به فرق بین تلاوت دعا و نطق وجود دارد. در مناسبتی، شاید شنیده شود که میگویند تمجید بعد از تلاوت مناجات برای اطفال باعث تشویق آنان میشود. ولی آیا برای اطفال تشویق آمیز تر نیست که ببینند بعد از تلاوت مناجات همان سکوت همراه با احترامی را که نسبت به افراد بزرگتر جامعه میشود ببینند؟ نطق و تمجید بخودی خود مطمئنا قابل توبیخ و یا منافی با روح تقدس نیستند. آنچه که مناسب بودن آن را تعیین میکند همانا ماهیت و هدف یک عمل است همچنین طبیعت و موقعیت آن.

• با در نظر گرفتن افکار فوق، مناسب است که گروه شما تمرین ذیل را اجرا کند: موقعیت های متعددی را در نظر بگیرید که جزئی از حیات یک جامعه محلی یا محدوده جغرافیایی را تشکیل میدهد - احتفال ضیافت نوزده روزه و جلسات یادبود ایام محرّمه، انواع مختلف جلسات تأمل و جلسات مختلف جهت آمادگی برای یک





در پرتو افکاری که در فوق ذکر شد، حال برای شما مفید خواهد بود که فقره ذیل را که بینش بیشتری در مورد فرهنگی که سعی در ترویج آن در جوامع خودمان داریم بخوانید و در باره آن تأمل کنید.

«وقتی کارآموزی و تشویق مؤثر واقع می شود، جوی برای توسعه به وجود می آید که احبا در آن وظیفه تبلیغی خویش را چون نتیجه ای طبیعی از ایمان به حضرت بهاء الله می نگرند. این نفوس چنان که آرزوی حضرت عبدالبها است مشاغل انوارند و شب و روز آرام نگیرند... و اوقات را صرف نشر نفعات الله کنند و از زمان را وقف اعلاى کلمة الله نمایند. دلهايشان چنان به نار محبت الله برمی افروزد که هرکس با نزدیک شدن به آنها حرارت آن را احساس میکند. این نفوس میکوشند تا با قلبی پاک و با فروتنی و از خود گذشتگی و با ایقان و شجاعتی که منبعث از اعتماد و توکل به خداوند است و سائط نشر نفثات روحانی گردند. در چنین جوی، تبلیغ امر الهی شور و هیجان حاکم بر حیات احبا خواهد بود و ترس را در آن راهی نیست. پشتیبانی متقابل، تعهد به یادگیری ارزش گذاشتن بر انواع گوناگون فعالیت های تبلیغی معیار های حاکم بر آن جو هستند.» (۲۱)

#### قسمت ۱۷

گروه از بینش هایی که در اثر مرور محتوای واحد اول کتاب ۶ بدست آورده اند بسیار دلگرم شده اند. مشورت آنها بر روی واحد دوم با نظرات زیر که مارثا از طرف لجنه تبلیغ ناحیه ای تقدیم میکند شروع میشود: «ما همگی با واحد دوم کتاب ۶ آشنا هستیم، لذا میدانیم تعهدی که آنجا در مورد صفات و رفتار لازم برای تبلیغ مؤثر کشف کردیم از دیدگاه فردی بآن روی آوریم. هرچند نباید فراموش کنیم که این صفات اصطلاحات مرادف خود را در حیات جامعه بطور کل دارد. امروز چالش ما این است که چطور آنها تفکرات جامعه را مشخص میکنند و خود را بطور طبیعی در اقدامات فردی و جمعی ظاهر میسازند.»

در اینجا به شرح مشاورات گروه نخواهیم پرداخت بلکه تنها بعضی از نکات مطرح شده را با شما در میان میگذاریم:

- عمل تبلیغ را نباید با میل به قدر دانی یا احساس برتری بآن قیام کرد. در این خصوص پاکی قلب و خلوص نیت از ضروریات میباشد. نباید بهیچ وجه محبت

عاشقانه ای را که در صحبت هایمان با دیگران نشان می‌دهیم با کوچکترین اثری از دورویی و پدیر سروری آلوده گردد. ما اعتقادات دیگران را بهیچ وجه مورد تحقیر قرار نمی‌دهیم، تا چه رسد به اینکه کشف ایده هائی را که در عمل تبلیغ واقع می‌شود از لحاظ صحت و سقم زیر سؤال ببریم. نباید اجازه دهیم اعتقاداتمان، هر قدر هم قوی باشد، سبب بحث و مجادله گردد - تأکید و دفاع از جایگاه خود.

● با از خودگذشتگی و انقطاع، پیام حضرت بهاء الله را «با زبانی در نهایت محبت و حسن نیت» با دیگران در میان می‌گذاریم. اگر کلمات ما از انوار الهی روشن باشد باعث ایقاد جرعه ایمان در قلب شنونده شده، مطمئناً باعث سرور و خوشحالی است. اما ما طیفی از عکس العملها را با قلبی باز پذیرا هستیم - از کسانی که علاقه کمی به تبلیغ دارند تا کسانی که بعضی را قبول کرده و آنرا در تفکر و عمل خود جای می‌دهند، از کسانی که مشتاقند در کارهای جاری بما ملحق شوند تا کسانی که از ابتدا همه تعالیم مبارکه را قبول کرده و به سرچشمه آن مقرر و معترفند.

● قدم گذاشتن در خارج از محدوده تنگ اعضای خانواده و دوستان و اینکه بگذاریم خداوند رحمن ما را بسوی نفوس مستعده حتی در فضاهایی که با آن نا آشنا هستیم هدایت کند نیازمند شجاعت از طرف ما است. و میدانیم که شجاعت وقتی که با حکمت تعدیل شود ثمر ثمر است، نه آن حکمتی که باعث ترس شده و به سستی و سکون بیانجامد بلکه ما را قادر سازد قضاوت صحیح پیشه نموده و شجاعانه به همراه یکدیگر در میدان خدمت به پیش رویم.

● آثار مبارکه که قلب و عقل را مخاطب قرار می‌دهد؛ آنها ریشه های انگیزه را در ما لمس کرده و عالی ترین احساسات را بر میانگیزد. یکی از این احساسات ذوق و شوق است. ذوق و شوق ما برای تبلیغ باید آنقدر شدید باشد که بالاترین شوق در زندگی ما گردد - آرزویی که حضرت ولی امر الله و بیبیت العدل اعظم آن را محبوب ترین دانسته اند. جوامع ما نیز باید صفت را داشته باشند، که در نیایش جمعی ما، در اقدامات جمعی ما، و در جلسات تأمل و مشورت ما خود را متجلی سازند.

● یکی از صفاتی که با مجهودات ما ارتباط خاصی دارد صفت تواضع و فروتنی است. این یک منبع قدرت است که بما کمک میکند در مسیر خدمت به پیش رویم. در بستر تبلیغ، تواضع به کلام تأثیر می بخشد. باید بدانیم که صفات تواضع و تکبر هر دو در گروه ها و جوامع، و همچنین افراد وجود دارد. در حالی که سعی داریم خودمان را بعنوان یک جامعه بسیج کنیم و از دیگران دعوت می‌کنیم تا در این پروژه عظیم که شروع کرده ایم بما ملحق شوند باید بر روی موقعیت جمعی خودمان تأمل کنیم. سؤالهای زیادی است که باید در این رابطه از خودمان بپرسیم: چطور میتوان اطمینان داشت که مثلاً در نظر کسانی که با آنان ارتباط برقرار می‌کنیم بعنوان گروهی «همه چیز دان» دیده نشویم بلکه بعنوان جامعه ای که با تواضع خواهان فهمیدن و زیستن بر طبق تعالیم حضرت بهاء الله است شناخته شویم؟ در حالیکه بهترین سعی خود را می‌کنیم تا عظمت ظهور حضرت بهاء الله را اعلان کنیم، چطور اطمینان می‌یابیم که در نظر دیگران خود را بزرگ جلوه ندهیم، با علم به اینکه بعنوان یک جامعه ما تنها در بدایت مسیری هستیم که ما را به مقامات عالییه ای که برای ما مقدر گردیده میرساند؟ وقتی که دست آوردهای امر را به دیگران ارائه می‌کنیم، چطور از یک نگرش پیروزمآبانه اجتناب کنیم و از وارد شدن در خودستائی جمعی دوری کنیم، با آگاهی از اینکه حضرت بهاء الله از ما خواسته اند تا «جامه غرور» را از خود دور کنیم. البته ما توانائی عظیمی برای جشن گرفتن داریم، ولی نباید از مشاهده تفاوت بین جشن گرفتن و تفاخر غافل



باشیم. باید همواره از ذوق و شوق برخوردار باشیم ولی غوغا را با ذوق و شوق اشتباه نگیریم. بعنوان یک جامعه بخصوص نباید بدنبال توانمندی در لحظات غلیان احساسات باشیم، زیرا سرور عمیقی که در اثر فرایند اقدامی متحد و سیستماتیک بوجود میآید میتواند به ما بالهائی بدهد تا در آسمان معرفت او به پرواز درآئیم.

مشورت در مورد مفهوم تواضع، چنانکه در مورد مجهودات جامعه صادق است، بحثی را در موضوع یادگیری باز میکند. بنظر نمی آید برای ما لازم باشد در اینجا تلخیصی از نظریات گروه راجع به این موضوع ارائه کنیم، زیرا یادگیری بطور گسترده ای در واحد اول این کتاب بآن پرداخته شد. آنچه که در این مرحله باید انجام دهیم این است که بخودمان یادآوری کنیم یکی از مزایای فروتنی، چه بعنوان صفت یک فرد باشد یا بعنوان فضائی جمعی، این است که موانع را در راه فهم صحیح از میان بر میدارد. وحدت در فکر، که بر اساس فهم عمومی که در حالت تواضع بدست آید، باعث ایجاد انرژی جمعی میشود. یادگیری بعنوان سبکی از عمل خواستار مشارکت است، و یک لجنه تبلیغ ناحیه ای که با شور و شوق از طریق فرایند عمل، تأمل، و مشورت و مطالعه مشغول یادگیری سیستماتیک است، قدمی حیاتی در کشف اسرار بسیج در سطحی وسیع برداشته اند.

در بدایت این واحد در مورد حرکت مردم بسوی دیدگاه حضرت بهاء الله از یک نظم بدیع تفکر کردیم. چگونگی تسهیل چنین حرکتی بوضوح یکی از اهداف اصلی یادگیری در مقابل لجنه تبلیغ ناحیه ای میباشد. بعضی از الگوهای تفکر و رفتار که باید در این خصوص در جامعه ترویج گردد چیست؟ بیت العدل اعظم این چنین ما را مورد خطاب قرار میدهند:

«اشتیاق و آمادگی برای گشودن ابواب بعضی از ابعاد حیات جامعه به روی مردم باید جزئی از الگوی اقداماتی که برای جلب و استحکام ایمان نفوس انجام می گردد باشد. با اتخاذ روش های نوین در طرز فکر و عمل گروهی از طرف احبا توفیقات زیادی در این زمینه حاصل شده است. با پذیرش گرم تعدادی کثیر، جامعه به تدریج یاد می گیرد که استعدادهای نهفته در افراد را به سهولت بیابد و از ایجاد موانع ساختگی - به سبب تصورات پیش انگاشته - در راه آنها احتراز جوید. محیطی مناسب برای پرورش استعدادها در حال بروز است که در آن فرد تشویق می شود تا با سرعت دلخواه خویش وبدون فشار انتظارات غیر منطقی پیش رود. در قلب این چنین پیشرفت هایی، آگاهی روزافزون نسبت به مفهوم جامعیت وجهاتی بودن امر مبارک حاصل می شود. اقدامات دسته جمعی پیش از پیش تحت تأثیر این اصل شکل می گیرد که پیام حضرت بهاء الله را باید آزادانه وبدون هیچ قید و شرطی در اختیار اهل عالم قرار داد.» (۲۲)

یک الگوی رفتار که بطور کلی مخالف آنچه در پیام فوق آمده با مفهوم خود خوشنودی مرتبط است. بیت العدل اعظم در زیر بآن اشاره میفرماید:

«یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترکشان با یکدیگر متحدند، آرمان های والا ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر ودر برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد - یک چنین جامعه ای شکوفا ولی دور از واقعیت هایی که توده های وسیع بشریت با آن سروکار دارند هرگز نمی تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید. مایه سرور عمیق این جمع است که جامعه بهائی در سراسر عالم توانسته است از خطرات خود خوشنودی و سهل انگاری بپرهیزد.» (۲۳)

شاید مایل باشید مفاهیم وصفاتی را که در این قسمت و قسمت قبلی کشف کرده آید مرور نمائید ودر گروه خود مشورت کنید چگونه به جامعه بهائی در سراسر جهان کمک میکنید تا از خطرات





واحد سوم این کتاب، میتوانیم از بینش های کسی که دارای تجربه بیشتری است و میتواند بستری را که در آن افکار کلیدی بوجود آمده و اینکه چگونه در سالهای اخیر تکامل یافته استفاده کنیم. لذا میخواهم از ماریسلا - که از وقتی که امر مبارک به محدوده جغرافیایی ما آمد ما را همراهی نموده و در هر قدم ما را یاری کرده - تشکر کنم که به مشاورات ما پیوسته.

مارثا اضافه میکند: «همچنین امیدواریم، اگر وقت اجازه بدهد، فرصتی داشته باشیم تا از ماریسلا سوالاتی در مورد اینکه لجنه چه چیزی را بعنوان مهمترین چالش در حال حاضر در مقابل ما میبیند پرسیم: چطور میتوانیم انرژی های تعداد زیادی را در زمانی که جامعه به رشدی روز افزون در محدوده جغرافیایی دست میبابد بسیج کنیم.»

یکی از شرکت کنندگان چنین میگوید: «آن قسمت از واحد ۳ که در زندگی من بیشترین اثر را گذاشت گفتمان بین آنا و امیلیا است. فکر میکنم بسیاری از ما در اینجا با امر مبارک با گفتمانی مشابه آشنا شدیم. اولین باری که در کمپین تبلیغی شرکت میکردم، سعی کردم مانند آنا امر مبارک را بصورت طبیعی ارائه بدهم، اما من عصبی بودم و فقط توانستم شرح او را کلمه به کلمه تکرار کنم، دقیقا همانطور که گفته بود. هیچکس بنظر نمیرسید متوجه باشد کسانی که آنها را ملاقات میکردم مجذوب زیبایی تعالیم شده اند و میتوانند روحیه ای را که کمپین بوجود آورده احساس کنند. راستش را بخواهید، حتی الان که سعی میکنم امر مبارک را به کسی که خوب نمیشناسم شرح دهم، کمی عصبی میشوم. ولی صحبت من نسبت به آنچه در اولین کمپین انجام دادم طبیعی تر است، و آگاهی من از اینکه چگونه افکاری را که از نه میدهم دریافت میشود و درک میگردد بیشتر شده.»

ماریسلا میگوید: «یک فقره ای است مربوط به این موضوع که فکر کردم میتواند به مشورت های ما امروز جهت بخشد. این فقره از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم است. او از لیلیانا میخواهد آنرا بخواند:

«احیا در مساعی خود برای معرفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونه بارز و گویای کتاب ششم مؤسسه روحی بهره وافر برده اند، هر جا که منطق اصلی این طرز معرفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز می کند که خصوصیت ممیزه آن حسن تفاهم و کیفیت روابط حاصله بین طرفین است. مادام که این گفتگو از ملاقات اولیه فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم می تواند عاملی راه گشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اولیه با این دوستان تازه یافته منجر به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعالیت های جامعه بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمیت بیشتری میباشد این است که هر فرد احساس کند که همکاری با جامعه بهائی در کمک به بهسازی اجتماع با گرمی مورد استقبال قرار می گیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریت گام می نهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.» (۲۴)

یکی دیگر از شرکت کنندگان میپرسد: «منظور از گرایش تبدیل به یک فرمول که در پیام آمده و اشاره به گفتگوی آنا با دوستش است چیست؟»

ماریسلا پاسخ میدهد: «هر هنگام ابزاری بما داده میشود، میتوانیم آنرا یا بصورت مکانیکی و یا عاقلانه بر طبق فهمی مناسب در چارچوبی قابل درک که از بطن آن بوجود آمده از آن استفاده کنیم. متأسفانه، گرایش به روشی مکانیکی در فرهنگ ما وجود دارد، و ما موقعیت هائی را در گذشته داشتیم که در آن گفتمان آنا بصورت سلسله ای از نکات برای شنونده برشمرده شده. ولی یکی از خصوصیات اساسی جامعه ما این است که ما از تجربه یاد میگیریم. لذا در جلسات تأمل در بین کسانی که بعنوان راهنمای کتاب ۶ خدمت میکنند، بصورت گسترده ای در مورد این گرایش صحبت کردیم. خود واحد، طبعاً، منطقی را که همراه هر نکته ای است که آنا برای امیلیا بیان میکند شرح میدهد. در حالیکه قسمتهای مربوطه واحد را بدقت بررسی میکردیم، تفکر و رای این گفتمان را درک میکردیم، و در حقیقت خود را در فرایند تفکر شریک احساس میکردیم. باید



بگویم در حالیکه این بتدریج اتفاق میافتاد، امور بطور چشمگیری تغییر یافت، و مجهودات تبلیغی ما روز به روز تأثیرش افزایش مییافت. فکر میکنم یکی از وظایف حیاتی که لجنه تبلیغ ناحیه ای با آن روبرو است، و در حقیقت همه ما در اینجا امروز با آن روبرو هستیم، همانا ترویج یک گفتمان برای توسعه راجع به تبلیغ در محدوده جغرافیایی است، تا هریک در فرایند جاری تفکر، راجع به پویایی تبلیغ، و اینکه چگونه افکار عمیقی را که در آثار مبارکه است منتقل کنیم، و اینکه چگونه ابواب ادراک حقیقی را بگشاییم، مشارکت داشته باشیم.

ابر میگوید: «این واقعا مفید بود، بمن کمک میکند تا در مورد فهم خودم از چگونگی تکامل دینامیک تبلیغ فکر کنم. وقتی که امر مبارک را قبول کردم، طبعاً میدانستم هنوز چیزهای زیادی است که باید در مورد تاریخ امر و اصول آن یاد بگیرم. اما بمن گفته شد که نباید منتظر بمانم تا همه چیز را بدانیم و آنگاه شروع به تبلیغ کنیم. آنچه که میدانم را باید با دیگران در میان بگذارم. فقط باید اعتمادم بر حضرت بهاء الله میبود و او کلمات صحیح را بمن میداد. من هنوز از آن نصیحت سپاسگذارم و فوراً شروع کردم به ابلاغ کلمه، و واقعا احساس کردم که کوششهای من مؤید به تأییدات الهیه است. اما اکثر صحبتهای من خیلی کوتاه بود. وقتی که بر عقب نگاه میکنم، متوجه میشوم آنچه که آن وقت انجام میدادم ابلاغ کلمه بود، که البته وظیفه ای است که بر دوش همه ما است. همینکه بیشتر راجع به امر مبارک اطلاع پیدا کردم، شروع کردم بیشتر بگویم، اما اینکه بتوانی از مجرد دادن اطلاعات در مورد اعتقادات بهائیان فراتر روی آسان نبود. نمی توانی تصور کنی چقدر خوشحال شدم وقتی به کتاب ۶ رسیدم و حلقه مطالعاتی ما به واحد سه رسید. ما معنی بسیاری از مفاهیم مهم را کشف کردیم: ابلاغ امر، استعداد قبول، نقشه های تبلیغی فردی، کمپین های جمعی، و دیگر مفاهیم. و از آنجا یاد گرفتم که نه تنها چگونه اشیاء را بوضوح شرح دهم بلکه چطور افکار را در مغز خودم تنظیم کنم، چطور در فکرم یک پیام را بصورت یک کلیت در نظر بگیرم، چطور در مورد شخصی که با او صحبت میکنم فکر کنم، نه اینکه فقط در مورد نطقی که انجام میدهم، و اینکه چطور تار و پود افکار را طوری با یکدیگر ببافم که منجر به درک و ایجاد جرعه ایمان بشود.»

ماریسلا میگوید: «من خیلی خوشحالم که ابر بعضی از مفاهیمی را که در واحد سوم آمده ذکر کرد. اگر بخواهیم وحدت فکر را تقویت نموده و وحدت عمل داشته باشیم لازم است همه جامعه فهم خوبی از این مفاهیم داشته باشد. لجنه تبلیغ ناحیه ای باید مراقب باشد بعضی از انواع دوگانگی در افکار جامعه رخنه نکند.»

وقتی لیلیانا نگاه های پرسشگر را در صورت شرکت کنندگان میبیند، میپرسد: «میشود کمی بیشتر در این مورد توضیح بدهی؟»

ماریسلا میگوید: «خوب، نوع دوگانگی که در مورد آن صحبت میکنم ناشی از عادت قرار دادن اشیاء در جایگاهی در تضاد با یکدیگر است، در حینی که واقعا آنها مکمل یکدیگرند. مثلا کسی را در نظر بگیرید که برایش سخت است در یک کمپینی شرکت کند که با مردمانی که نمیشناسد ملاقات کند. او شاید تصمیم بگیرد که بهترین راه تبلیغ برای او ایجاد دوستی دراز مدت با مردم و سپس آنها را از حقایق امر آشنا کند. این طبعاً کاملاً مورد قبول است، و قسمت هائی از کتاب ۶ عملاً این شاهراه تبلیغ را بتفصیل شرح میدهد. اگر این دوست شروع میکرد به اصرار بر اینکه این روش بهترین روش تبلیغ برای هرکس در مجموعه جغرافیایی است و تنها راهی است که نتایج بادوام دارد، آنوقت مشکل دوگانگی بوجود میآمد. شخص دیگری مخالف این نظر است. او ممکن است این نگرانی خود را ابراز کند که این روش خیلی آهسته است و پیشنهاد کند که بهترین راه تبلیغ این است که با کمپینی فشرده که در محله ها یا دهکده هایی برگزیده انجام میشود مقدار متنابهی شور و شوق روحانی ایجاد نمود، که در آن تعداد زیادی از منزلی به منزل دیگر رفته، ساکنین را ملاقات نموده و نفوس مستعدی را بیابند که فوراً امر مبارک را قبول میکنند. لذا یک دوگانگی کاذب بین تبلیغ جمعی و فردی بوجود میآید. میدانم که من موقعیت را ساده کردم تا نکته ای را توضیح بدهم، اما میل به ایجاد دوگانگی که انرژی جامعه را از بین میبرد نیز وجود دارد، و تنها مشورت همراه با بلوغ و اتحاد است که آن را برطرف میکند. عموماً، لجنه تبلیغ ناحیه ای بدوستان کمک میکند تا ببینند رویکرد متنوع نسبت به تبلیغ یکدیگر را تکمیل نموده و دلیلی وجود ندارد تا خواسته ها و نخواستی های خود را بر جامعه تحمیل کنیم.



برای همه فرصت مشارکت میباشد، و فرهنگ جامعه باید فرهنگی باز باشد، که هر نوع مشارکتی در آن قابل تقدیر است. در واقع گفتمان رایج در محدوده جغرافیایی در مورد دینامیک تبلیغ باید طوری باشد که دوستان ماهیت و ارزش رویکردهای مختلفی را که دنبال میشود درک کنند، حتی اگر بعلت خوی و موقعیت، فرد مایل باشد روش مشخصی را در تبلیغ دنبال کند. باید دست آوردهای هر فردی که، در چارچوبی که توسط هدایت بیت العدل اعظم و کمک مؤسسات امری، نهایت سعی خود را در پیشرفت امر تبلیغ میکند جشن بگیریم. ایجاد و تقویت چنین فرهنگی یکی از وظایفی است که باید همگی بآن توجه داشته باشیم.»

پابلو میگوید: «وقتی هر سه نفر ما در لجنه جمع شدیم تا این مشاورات را راجع به کتاب ۶ تنظیم کنیم، متوجه شدیم بسیاری از ۴۵ نفر بهائی، جوان و بزرگسال، در محدوده جغرافیایی، امر مبارک را یا در کمپین های تبلیغی که در واحد سه تشریح شده یا بوسیله گفتمانی با یک دوست غالباً در جلسات فایرساید قبول کرده اند. اما یک راهکار دیگری نیز وجود دارد که در کتاب ۶ بآن اشاره نشده. بعضی از ما با جامعه همراهی کردیم چون احساس کردیم مجذوب دیدگاه حضرت بهاء الله برای بشریت بودیم، و بعدها که در مسیر خدمت حرکت کردیم امر مبارک را قبول کردیم. وحال با شرکت در گفتمان های نشاط بخش با جوانان، گاهی بصورت فردی و گاهی بصورت گروهی، مثلاً در دبیرستان یادگیر اماکن تجمع آنها، ودعوت از آنها برای پیوستن به ما در کوششهای جامعه سازی که در حال تقویت است، سعی میکنیم از این رویکرد یاد بگیریم.»

مریسیلا میگوید: «این صحیح است. بمرور زمان جامعه بهائی در سراسر جهان راه های بیشتری را برای هدایت نفوس به ظهور حضرت بهاء الله کشف میکند. باید متذکر باشیم که هدف از واحد سوم کتاب ۶ این نیست که همه راه ها و رویکردهای ممکن را کشف کنیم. با در نظر داشتن دو رویکرد اساسی که برای سالهای آینده نیز مناسب خواهد بود، واحد مذکور سعی دارد برخی ایده های اساسی، روحانی و عملی، را که مرتبط با تبلیغ است استخراج کند. افکاری که در واحد مورد مشورت قرار گرفته در رویکردهای جدیدی که مقرر است در مراحل پیشرفت امر مبارک داشته باشیم صادق است. و این چنین است که فهم ما از این افکار و مفاهیم وقتی که آنها را در موقعیت های جدید با اجرا در میآوریم پیشرفت میکند.»

مارتا میپرسد: «آیا میتوانی مثالی بیاوری؟»

ماریسیلا پاسخ میدهد: «فهم ما از مفهوم استعداد پذیرش مثال خوبی است. یادم میآید بعد از مطالعه کتاب ۶، در اولین کمپین تبلیغی خودم که کم و بیش مانند آنچه در واحد سوم شرح داده شده شرکت کردم. در آن هنگام، فکر میکردم نفس مستعد کسی است که اگر من اشیاء را خوب و دقیق شرح دهم، لزوماً باعث اقبال او میشود. علتش این بود که من خیلی از روشی که آنها به دوستش امیلیا کمک میکرد تا حقیقت تعالیم حضرت بهاء الله را بشناسد تحت تأثیر قرار گرفتم. در حقیقت در بعضی از ملاقاتهای خانوادگی که در طول کمپین داشتم، بعضی از دوستان ایمان آوردند، و ما شاهد چنین اقبالی در کمپین هائی از این قبیل بودیم. بمرور زمان، یاد گرفتیم که استعداد پذیرش میتواند خود را به اشکال مختلف ظاهر سازد. کسانی که مایل بودند گفتمان را قبل از اینکه در نهایت ایمان بیاورند ادامه دهند، کسانی که مشتاق بودند کتاب ۱ را مطالعه کنند، کسانی که خوشحال بودند از اینکه فرزندان آنها وارد کلاسهای اطفال بهائی شده اند، کسانی که میدیدند نوجوانان بوسیله برنامه تواندهی روحانی گالوانیزه شده اند، کسانی که تنها در جلسات دعا شرکت کردند بلکه، در مناسبت هائی نیز، میزبان آن بوده اند - همه این نفوس نسبت به صلاهی حضرت بهاء الله مستعد پذیرش بودند. چند سال قبل، انتشار سریع برنامه نوجوانان منجر به تحقق یک امر دیگر شد: در جامعه بزرگتر جوانانی بودند که با کشش نسبت به دیدگاه حضرت بهاء الله برای بشریت، مایل هستند در فعالیت های جامعه سازی به ما بپیوندند، مثلاً بعنوان مشوقین گروه های نوجوانان خدمت کنند. سلسله کنفرانسهای جوانان که در سال ۲۰۱۳ در سراسر جهان بوسیله بیت العدل اعظم منعقد شد، و جلسات کوچکتر متعددی که از آن زمان ببعد برگزار شد، در مورد نوع دیگری از گفتمان که منجر به رشدی سیستماتیک در محدوده جغرافیایی میشود باعث یادگیری زیادی شد.»

لیلیانا میگوید: «اما همانطور که قبلاً ذکر کردی، حقایق روحانی را که در کتاب ۶ کشف کردیم همچنان بقوت



خود باقی است، مگر نه؟ داشتیم فکر میکردم چقدر بینشی را که از مطالعه واحد سوم در مورد ماهیت تیمها کسب کردم - تعامل فیما بین اعضاء و انضباطی که دنبال آن است - مرا در همه مجهوداتی که دنبال کردم کمک کرد».

ماریسلا موافقت کرده میگوید: «طبعاً، بخاطر همین است که مشورتها در مورد کتاب ۶ برای فرهنگ تبلیغ که سعی در ترویج آن در محدوده جغرافیایی داریم حیاتی است. مفاهیمی مانند برافروختن، نیت خالص، تواضع و یادگیری، حرکت جمعیت ها، و تبلیغ بعنوان وسیله ای برای ارتباط قلوب با ظهور حضرت بهاء الله - اینها و بسیاری دیگر از مفاهیم در کتاب باید محور گفتارهای جاری باشد که منجر به فهم بیشتری از دینامیک تبلیغ میگردد. نقشه های فردی هنوز باید پیاده و اجرا شود، و کمپین هایی برای اهداف مختلفه باید تنظیم شود. ولی باید متذکر باشیم که اینها اقداماتی جدا از دیگران نیست؛ بلکه جزئی از مجهودات جهانی برای ساختن مدنیتی است که حضرت بهاء الله آن را پیش بینی فرموده اند. در خصوص کمپین تبلیغ مستقیم مثلاً از طریق ملاقاتهای خانوادگی، بیت العدل اعظم آنرا در این بستر شرح میدهند.» او از پابلو میخواهد فقره ذیل را بخواند:

«آنچه که باید در این خصوص مفهوم گردد این است که چنین ملاقاتهایی اقداماتی جدا از بقیه نیست. یک ملاقات خانوادگی را باید بعنوان عنصری از اقدامی منسجم که خواهان این است که جمعیتی بخصوص را قادر سازد تا در ساختن جامعه ای که حضرت بهاء الله آن را پیش بینی فرموده اند مشارکت نماید. قلب این موضوع این است که چگونه یک کمپین تبلیغی از طریق ملاقاتهای خانوادگی با دیگر فعالیتهایی که در محله انجام میشود مرتبط است - چگونه با مجهودات برگزارگری جلساتی که خاصیت نیایش را در جامعه بصورت گسترده تری تقویت میکند ارتباط دارد، چگونه کلاسهای را برای پرورش پیشرفت روحانی اطفال ارائه میدهد، چگونه گروه هایی را برای هدایت انرژی نوجوانان تشکیل میدهد، چگونه حلقه های مطالعاتی را تأسیس میکند که درهای آن برای همه باز باشد و مردم را از پیشینه های مختلف قادر سازد تا همزمان پیشرفت نموده و تعالیم مبارکه را در حیات فردی و جمعی خود باجرا گذارند.» (ترجمه - ۲۵)

ماریسلا اضافه میکند: «و این یک پیام دیگری است که در آن بیت العدل اعظم بما میگویند چه انتظاری میتوان داشت از یک محله یا دهکده که در آن تعداد شرکت کنندگان در گفتار راجع به اینکه چطور در پیشبرد مدنیت مشارکت داشته باشیم در حال افزایش است. ما تا لطف میکنی این را برایمان بخوانی؟» ما تا چنین میخواند:

«تجارب نقشه کنونی نشان میدهد که الگوی عملی که بتواند تعداد زیادی را دربر گیرد عمدتاً از کوشش برای رساندن تعداد بیشتری از محله ها و دهکده ها - مکان هایی که قوای روحانی موجب تغییرات سریعی در یک گروه از مردم می گردد - به مرحله ای از پیشرفت است که در آن می توان فعالیت های فشرده را تداوم بخشید. چند نفر در داخل هر یک از این مکان ها مسئولیت فرایند قابلیت سازی در ساکنان را به عهده می گیرند. طیف وسیع تری از مردم به گفتگوهای پر محتوا مشغول می شوند و فعالیت ها در آن واحد به روی همه گروه های مختلف - دسته هایی از دوستان و همسایگان، فوجی از جوانان، تمامی اعضای خانواده ها - باز می شود و آنان را به درک بهتری از اینکه چگونه اجتماع اطراف شان می تواند ترتیبی بدیع یابد، قادر می سازد. تشکیل جلساتی برای دعای جمعی، گه گاه در سحرگاهان، ارتباطی عمیق تر با ظهور حضرت بهاء الله در وجود همه ایجاد می کند. عادات متداول، رسوم سنتی، و شیوه های ابراز و بیان، همه مستعد تغییر می شوند که نشانه های ظاهری یک تقلب باطنی پر معنی است، تقلبی که نفوس زیادی را تحت تأثیر قرار می دهد. پیوندهایی که آنان را به یکدیگر مرتبط می سازد محبت آمیز تر می گردد. خصایص حمایت متقابل، تعاون و تعاضد و خدمت به یکدیگر تدریجاً به ویژگی های برجسته فرهنگی پویا تبدیل می شود که در بین افرادی که به این فعالیت ها مشغول اند در حال جلوه و ظهور است. دوستان در چنین مکان هایی نهادهای محدوده جغرافیایی را یاری می رسانند تا فرایند رشد را به نقاط دیگر محدوده گسترش دهند زیرا مشتاق اند که به دیگران نیز

مفاهیم آن تقلیبی را معرفی نمایند که خود اثراتش را مشاهده کرده اند.» (۲۶)

#### قسمت ۱۹

بعد از یک تنفس کوتاه برای صرف ناهار، شرکت کنندگان یک ساعت دیگر را صرف مشورت در باره واحد سوم کتاب ۶ کردند. بقیه بعد از ظهر اختصاص داده شد به مسأله بسیج که خیلی انتظار آن میرفت - چطور میتوان به تعداد فزاینده ای از دوستان کمک کرد تا در فرایند رشد که در حال شکوفائی در محدوده است مشارکت نمایند، و استعدادها و توانائیهای خود را برای پیشرفت مستمر آن مبذول دارند. لجنه تبلیغ ناحیه ای فقره ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم را برای قراءت در بدایت مشورت انتخاب کرده بود. این پیام اشاره دارد به توانائی بدست آمده در جامعه بهائی، در سیستم آموزش از راه دور که توسط مؤسسه آموزشی در همه جا تأسیس شده، تا هزاران هزار بتوانند آثار مبارکه را مطالعه نموده با این هدف روشن که تعالیم بهائی به واقعیت تبدیل گردد، چنانچه میفرمایند:

«اهمیت حصول چنین امکاناتی را نباید نادیده گرفت. بی ارادگی و بی تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارآیی روزافزون تقویت می شود و نسل هایی تربیت می گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می کنند. حتی در بسیاری از نظام های آموزشی، با محصلین طوری رفتار می شود که گویا ظروفي تهی برای دریافت اطلاعات هستند. اینکه عالم بهائی موفق به ایجاد فرهنگی شده است که شیوه ای از تفکر، مطالعه و عمل را ترویج می دهد و همگان خود را رهروان یک مسیر خدمت می دانند - یکدیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می روند، دانشی را که هر یک در هر مقطع زمانی دارا است ارج می نهند و از گروه بندی مؤمنین به دسته هایی مثل «بامعلومات» و «بی معلومات» اجتناب می ورزند - موفقیتی است بس عظیم و در آن تحرک یک نهضت توقف ناپذیر به چشم می خورد.» (۲۷)

بعد از دقیقه ای از سکوت ماریسلا توضیح میدهد: «تأمل بر روی این فقره مرا در طی سالیان بسیار کمک نمود. بی ارادگی و بی تفاوتی پرورده نیروهای جامعه ای هستند که حس هدفمندی مردم را بی رنگ میکنند. نمیتوان گفت که این نیروها فعال نیستند، و اینکه هر کس با بی اعتنائی به آن خود را گول میزند. برعکس، فعالیت زیادی وجود دارد، و مردم غالباً بر حسب عواطف زود گذر از چیزی به چیز دیگر میجهند. با کوشش برای هدایت نیروهای دوستان در مجاری فرایند جامعه سازی، آشکارا مواظب هستیم که روش رایج را دنبال نکنیم، و فکر کنیم میتوان با توسل به عواطف سطحی به چنین اهداف قابل ستایشی دست یابیم.

پابلو میگوید: «من میتوانم ببینم چطور اینهمه نیروهائی که در جامعه فعالیت میکنند، طمع و تکبر را ترویج داده، طلب را بوجود میآورند، و میل به رقابت با دیگران و برنده شدن را بهر قیمتی ترویج میدهند. حتی وقتی اهداف پیشنهاد شده قابل ستایش باشند، فریب دادن یک هنجاری در فرهنگ ما گردیده بقسمیکه راه هایی که برای پروپاگاندا تجاری و سیاسی استفاده میشود برای اهداف قابل ستایش نیز بکار گرفته میشود. ماریسلا، آیا انگیزه فریب دادن دیگران در ذات طبیعت انسان نهفته است؟»

ماریسلا پاسخ میدهد: «اگر چنین باشد، ناشی از ماهیت پست ما است. مقهور ساختن تمایلات نابخردانه در خود، تصمیم، دعای همراه با تأمل و انضباط میطلبد. برای مثال طبیعی است که فکر کنیم در برهه ای از زمان، یک دوست باید روش خاصی از اقدام را در پیش گیرد. اما مطمئناً نمیخواهیم این دوست را با روشی که شایسته یک فرد بهائی نیست به این کار ترغیب کنیم - مثلاً با تهدید یا وعده های دروغین، با ایجاد رعب یا تهییج احساسات آنی، با مسدود کردن راه های جایگزین و مهندسی کردن هوشمندانه موقعیت ها. همه این برنامه ها را با روح دوستی حقیقی با دقت کنار میگذاریم و به سادگی در مورد موضوع مورد بحث به گفتمان صریح میپردازیم، مشورتی خالصانه که هیچ اهداف پوشیده ای پشت آن نیست.»

مارثا میگوید: «فکر میکنم منظور تان را می فهمم. شما میگوئید که رمز بسیج کردن نیروهای دوستان این



است که باید در یک فرایندی از مشورت سالم در محدوده جغرافیایی باشد. قبل از اینکه به این موضوع بیشتر بپردازیم، می‌خواهم یک سؤالی بپرسم که برایم اشکال بوجود آورده. این آسان است که قبول کنیم عواطفی مانند طمع و تفاخر را باید کنار گذاشت. اما احساسات دیگری است که بنظر مشروع می‌آید. مثلا مردم احساس مفید بودن را دوست دارند. آیا نباید هنگامی که مشغول تأمل بر روی این هستیم که چگونه دوستان را در مجهوداتشان کمک کنیم تا قیام نموده و در میدان خدمت پایدار بمانند، چنین تمایلات طبیعی را نیز در نظر بگیریم؟»

ماریسلا جواب می‌دهد: «البته که چنین باید باشد. اما در دنیای بریشان که مملو از پروپاگاندا درباره فرصتها برای تحقق ذات خود انسان است، تمایل به مفید بودن میتواند براحتی از بسیاری طرق دیگر تحقق یابد. ما نمیتوانیم مفید بودن را تنها نیروئی بحساب آوریم که بما انگیزه میدهد تا به امر خدمت کنیم. احساس اینکه در حین پیمودن مسیر خدمت کاری را انجام داده ایم باید بسی عمیق تر در اراضی قلوب پاک ما ریشه داشته باشد، و از آن گلهای معرفت حقیقی شکوفا گردد. معرفت والاترین انگیزه ها است.»

جایرو اضافه میکند: «پس اینجا بینش دیگری در دینامیک بسیج است، هرچه دوستان بیشتر از هدف نقشه های در دست اقدام جامعه اطلاع یابند و از بصیرت اینکه به چه سمتی آنها را هدایت میکند آگاه شوند، بیشتر در آن سهیم خواهند بود.»

ماریسلا میگوید: «باید متذکر باشیم اطلاعاتی که ما در مورد آن صحبت میکنیم ناشی از عشقی است که همه ما به حضرت بهاء الله داریم. برای همین است که نیروی محرکه ای بسیار قوی دارد.»

پابلو میگوید: «من همواره در فکر این جمله هستم که “بلوغ و ظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا”، بنظر میرسد که ترویج روند جاری مشورت در جامعه، که ماریسلا امروز چند بار بآن اشاره کرد، باید کانون توجه این لجنه باشد.»

ماریسلا میگوید: «ممکن است صحبت من بنظر تکراری باشد، اما بگذارید اضافه کنم که مشورت در مورد ضرورت های نقشه و ماهیت خطوط عمل متفاوت آن تنها از طریق جلسات رسمی که باین منظور تنظیم شده اتفاق نمی افتد. در نهایت، تعداد چنین جلساتی اگر قرار باشد دوستان وقتی برای عمل داشته باشند باید محدود گردد. تفکر ما راجع به فرایند مشورت است که در عمل عجین شده، و بسیاری از آن بطور طبیعی در انواع فضاهای مختلف طبق آنچه راجع به فرهنگ تبلیغ که امروز صبح بآن پرداختیم تقویت میگردد - مثلا بین یک منسق و یک راهنما، مشوق نوجوانان یا معلم اطفال؛ در محدوده یک تیم که خود را برای یک فعالیت آماده میکند؛ یا میان اعضای یک حلقه مطالعاتی که در مورد اجرای تمرینی که با یک واحد معین ارتباط داشته باشد عمل میکنند.»

للیلیانا میپرسد: «چطور لجنه ما این نوع از گفتمان را ترویج میکند؟ آیا هر یک از ما باید در بیشترین فضاهائی ممکن حضور داشته باشیم؟»

ماریسلا پاسخ می‌دهد: «ضرورتا خیر. شما نمیخواهید موقعیتی را در محدوده جغرافیایی بوجود آورید که اگر یکی از اعضای شما آنجا نباشد کاری انجام نمیشود. اما در فضاهائی که شرکت میکنید، باید محیطی که منجر به مشورت حقیقی شود ترویج نمایند. میتوانید کار زیادی برای ایجاد وضوح در مشورت انجام دهید، با بذل توجه نسبت به هدایتهای بیت العدل اعظم، با طرح سؤالاتی که لجنه احساس میکند از فوریت برخوردار است، و مشارکت در سهایی که در میدان تبلیغ آموخته اند. البته مشارکت شما تا اندازه ای ارزشمند خواهد بود که هر کدام از شما افکار و ایده های خود را با فروتنی بیان نماید و از ایجاد فضای سلطه جوئی اجتناب کند.»

پابلو میگوید: «چیزی که همیشه در مشورتها راجع به رشد امر مبارک در محدوده بمن کمک میکرد، این است که خودم را متذکر دارم که همه ما سعی داریم مسیر خدمت و پادگیری را با یکدیگر ببیمانیم. یاد آوری

بعضی از ویژگیهای مسیر خدمت که برایمان ریایی میشود بخصوص مفید است: مشارکت را میطلبید؛ سرعت و گامهای مختلفی را شامل میشود؛ نه تنها بواسطه یک یا دو نفر تجربه میشود بلکه بواسطه مجموعه ای پشت مجموعه تجربه میشود؛ به جامعه تعلق دارد.»

ماریسلا میگوید: «در این رابطه، باید در نظر داشته باشید کسانی که مسیر خدمت را طی میکنند، اگر قرار باشد در کوششهای خود مداومت نمایند، باید از شرایط بخصوصی برخوردار باشند، و این مسئولیت شماست بعنوان یک لجنه تا مطمئن شوید از مواد درسی، راهنمایی، اطلاعات و اموال کافی برخوردارند.»

پابلو میگوید: «ما نیز طبعاً مسئول تنظیم برخی کوششهای جمعی در محدوده جغرافیایی هستیم، تا این امکان را برای مجموعه دوستان فراهم آید تا برای مشورت جمع شوند، اقدام نمایند، و تأمل کنند.»

ماریسلا میگوید: «قبل از اینکه به مشورت خاتمه دهیم یک نکته دیگر است که مایل هستم آنرا مطرح کنم. اخیراً شنیده ام کسی میگفت هر محدوده جغرافیایی باید حافظه داشته باشد، تا آنچه که یاد گرفته شده فراموش نشود و تداوم در عمل حفظ گردد. فکر میکنم تا حدودی، لجنه تبلیغ ناحیه ای کار نگهدارنده آن حافظه را میکند. برای اینکه جریان یادگیری در محدوده پیشرفت کند، لجنه باید رویکردی را که در مراحل مختلف رشد بعهد گرفته و دوستانی که سهمی در این فرایند داشته اند را بیاد آورد. بزرگترین سرمایه یک جامعه خیل منابع انسانی در دسترس آن است که باید از ادانه و با حکمت از آن بهره برداری شود. در زندگی، وضعیت مردم مرتباً در حال تغییر است. بعضی همواره متوجه میشوند که قادر نیستند به همان روش و یا به همان درجه از شدت که قبلاً عمل میکردند خدمت کنند. اما این باین معنی نیست که استعداد و توانائی آنها باید فراموش شود. باید راه های جدیدی جهت استفاده از قوی آنها، بر اساس وضعیت جدید زندگی آنها، در پیش گرفت و الگوی پویائی از نشاط، که از مشارکت همگی غنی گردیده، پرورش یابد.»

در قسمت فوق از داستان ما، ماریسلا لجنه تبلیغ ناحیه ای را تشویق میکند تا در مورد اهمیت پرورش یک فرایند مشورتی پویا - مشورتی در سطح محل - در بسیج انرژی ها تفکر نماید، و پابلو متوجه میشود که معرفت، نیرومندترین قوه محرکه، در نتیجه مشورت حقیقی بوجود میآید، موضوعی که در واحد دوم کتاب بآن پرداختیم. در این رابطه مایلیم بار دیگر بر روی فقره ذیل از بیت العدل اعظم تأمل کنیم، که قبلاً در دوره های قبل آنرا مطالعه کرده اید. با اشاره به جدیدی که دوستان هدایت‌های مندرج در آن را مطالعه میکنند، این فقره بعضی از وضعیت هائی را که گفتمان گسترده در میان دوستان در مورد نقشه و ضروریاتی را که باید متحقق سازند تا به معرفت مطلوب برسند عرضه میکند:

«این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت در مناطقی که احبا می کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت ها پایدار تر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه ای در نظر گرفته می شود غالباً مشکلاتی بروز می نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احبا کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند. لزوم اقدامات در زمینه های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم بندی و انفکاک اقدامات پرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع روز به روز با استفاده از شعار سخن می گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه های مطالعه به آن خو می گیرند به فعالیت های گوناگون تعمیم یابد.» (۲۸)

در حالیکه در فقره فوق تأمل میکنید، شاید مفید باشد در باره مثالهایی که که در گستره درک تمامیت دیدگاهی که بیت العدل اعظم به ما منتقل میکنند، فکر کنید و شرح دهید معنی جملات ذیل چیست:

• تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند:



---

---

• در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند:

---

---

---

• اقدامات در زمینه های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم بندی و انفکاک اقدامات پرهیزند:

---

---

---

#### قسمت ۲۰

در هفته ها و ماه هایی که بدنیاال مشورت راجع به محتوای کتاب ۶ آمد، دسته کوچکی از دوستان که عاشقانه الگوی رشد سیستماتیک را در محدوده جغرافیایی ترویج میکنند با پشت کار و شوق و ذوق بخدمت ادامه میدهند. در حالیکه محدوده جغرافیایی مرحله فعالیت ادوار پیاپی خود را میگذرانند، دینامیک بحران و پیروزی بطور قطع خود را نشان میدهد. اما در عین حال پیشرفت مداوم نیز حاصل میشود و جامعه مستمرا در حال تقویت است. هدف ما از همراهی با لجنه تبلیغ ناحیه ای در طی هفته های اولیه تأسیس آن این بود که از طرفی ببینیم از طرز کار این لجنه در اجرای مسئولیتهای خود بدست آوریم ، و از طرف دیگر لمحہ ای از معنی اینکه عضو یک هیئت مشورتی نظم اداری بودن چیست داشته باشیم. در ادامه این هدف ، برای لحظه ای بازنگری در پیشرفت محدوده ای را که دوستان ساکن هستند بکنار گذارده و با در نظر گرفتن آنچه در قسمتهای قبلی بر شمرديم ببنش هائی را که تابحال بدست آورده ایم تنظیم نمایم.

برای شروع، گروه شما میتواند به فقره ای که در قسمت ۱ آمده برگردد، که در آن بیت العدل اعظم تأکید میکنند کسانی که در هیئت های اداری خدمت میکنند بدانند که “ همانا روح خدمت صمیمانه است که خصلت بنیادین هویت تشکیلات بهائی است.” در داستانی که در این صفحات نقل شده نظر بیاندازید و سعی کنید نمونه هائی از این روح خدمت صمیمانه را تشخیص دهید.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

## قسمت ۲۱

یک اصل حیاتی که باید در نظر داشته باشیم - و آن را در مطالعه کتاب ۸ بررسی کردیم - این است که هیئت‌های اداری بهائی در یک حالت رقابت با یکدیگر نیستند. خدمت در یک هیئت بخصوص در گستره خدمت به کل نظم اداری دیده میشود. جلسات مختلف مشورت که در قسمتهای قبل شرح داده شد گویای روح همکاری میان مؤسسات و نهادهای امری است.

متأسفانه، یافتن نمونه‌هایی از رفتارهای رقابتی در بین مؤسسات در جامعه بزرگ‌تر مشکل خواهد بود. مثلاً میتوانیم نهادهایی از همان حکومت را بیابیم که برای منابع، تقدیر، تفوق و قدرت، گاهی اوقات کار یکدیگر را تضعیف میکنند. حتی حالاتی پیش آمده که فردی از نهادهای که در آن کار میکند دفاع نموده و دیگری را مورد حمله قرار میدهد، و همینکه به نهاد دیگر منتقل شد وفاداری خود را برعکس نموده و همان رفتار را تکرار میکند. چنین رفتار ناهنجاری طبعاً در جامعه بهائی از آن دوری شده. هرچند افراد و هیئت‌های اداری با دقت خطوط اقدام مخصوص خود را که مسئول آن هستند دنبال میکنند، این کار را با علم به اینکه کار آنها تنها یک جنبه از یک نهاد منسجم کلی است انجام میدهند. وفاداری آنها، فراتر از هر چیزی، به حضرت بهاء الله و نظم اداری اوست. آنها قبول دارند که مسئول ابعاد مختلف همان اهداف مقدس هستند؛ آنها کوشش‌های دیگران را درک کرده و از آن استقبال میکنند و در صورت لزوم با آنان مشورت میکنند؛ و همواره مایل به همکاری و مشارکت اطلاعات و منابع خود با آنان هستند. آنها ارتباط متقابل خطوط و نقاط عمل که تشکیل دهنده کار نظم اداری است را مورد تقدیر قرار میدهند و مواظب هستند مبدا در آن پراکندگی بوجود آید، چه در عمل و چه در سطح تفکر.

برای دستیابی به چنین سطح بالائی از عملکرد ایجاب میکند در مقابل برخی تمایلات که ممکن است باسانی خود را ظاهر سازند برحذر باشیم. از بین اینها تمایل به مالک بودن، احساس اینکه از طرف دیگران تهدید میشوند، تعیین مرزهایی برای خود و دفاع از حدود آن، و تسلیم شدن در مقابل تمایلات خودخواهانه است. فقره ذیل بما کمک میکند روی این نکات تأمل کنیم:

«ادب و تواضع، احترام، کرامت انسان، احترام به مقام و دست آوردهای دیگران فضائلی است که به همخوانی و سلامت هر جامعه کمک میکند، اما تکبر و خودخواهی از بزرگترین گناهان محسوب.» (ترجمه - ۲۹)

«در آن محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته‌ای که فعالیت در چارچوب نقشه افزایش یافته و نیاز به ایجاد انسجام در بین خطوط عمل کاملاً احساس میشود، بسط ساختارهای اداری نمایانگر بارقه‌ای است از اینکه چطور مؤسسات امری به تدریج مسئولیت‌های بیشتر و جامع‌تر خود را جهت ترویج رفاه و پیشرفت بشریت به عهده خواهند گرفت.» (۳۰)

«آنچه که حائز اهمیت خاص است تأثیر رو به گسترش پویایی ناشی از تعاملات بین مجریان سه گانه نقشه است. تشکیلات از ملی گرفته تا محلی، با وضوحی هرچه تمام‌تر مشاهده می‌کنند که چگونه شرایطی را پدید آورند که به تجلی و بروز قوای روحانی تعداد فزاینده‌ای از احباب در تعقیب هدف مشترک منجر شود.» (۳۱)

«پس میتوان استنباط کرد که اهمیت نظم اداری بهائی در ارزش آن است در خدمت بعنوان تسهیل‌کننده ایجاد و حفظ حیات جامعه به سبکی کاملاً بدیع، و جوابگوی نیازهای مربوط به روابط روحانی



ناشی از عشق و اتحاد فیما بین دوستان است. این امر خصوصیات یک حیات بهائی را در بر میگیرد که این رابطه روحانی آن را پرورش میدهد، و آن روح عبودیت آستان الهی است که خود را در خدمت به امر مبارک، خدمت به دوستان و بشریت بطور کل ظاهر میسازد. رفتار فرد بعنوان خادم، رفتاری که نمونه آن بخوبی در حیات شخص حضرت عبدالبهاء متجلی است، روندی است که در فعالیت‌های امری سرایت دارد؛ این امر نیازمند نیروی تقلیب کننده و جمعی در عملکرد یک جامعه است. در این خصوص، مؤسسات امری بعنوان کانهائی برای ترویج این خصوصیات بشمار میروند.» (ترجمه - ۳۲)

در پرتو این فقرات، در مورد مسیر خدمتی که در مقابل پابلو، لیلیان و مارثا گشوده شده و چالش‌های زیادی که بدون شک با آن مواجه هستند تفکر میکنیم. چه ویژگی‌هایی در آنها مشاهده میکنیم، که در طی سالیان به لجنه تبلیغ ناحیه ای کمک میکند تا تجسمی از تعاون و تعاضد با همه مؤسسات و نهادهائی که در حیات محدوده جغرافیایی مؤثر است باشند؟ دو چیز که بلافاصله به فکر می‌آید فروتنی و دید وسیع است. در گروه خود مشورت کنید و بعضی از ویژگیها دیگر را نیز بنویسید.

## قسمت ۲۲

مفاهیم مربوط به نقشه ریزی و اجرای آن مکرراً در مشاورات لجنه تبلیغ ناحیه ای قرار میگیرد. راه‌های زیادی برای رسیدن به این وظایف که مکمل یکدیگر است وجود دارد، آراء و نظریات آنقدر زیاد است، که برای یک لجنه تبلیغ ناحیه ای مانند آنچه که در اینجا بآن اشاره شد آسان است که در هم شکسته و تمرکز لازم را از دست بدهد. در قسمت قبل خواندیم که نظم اداری بهائی باید تسهیل کننده ایجاد و نگهداری حیات جامعه به سبکی کاملاً نوین باشد. کلمات ذیل از بیت العدل اعظم، در مورد برنامه تنسیق در سطح محدوده جغرافیائی، بینشی در سبک مدیریت مورد نیاز ارائه میدهد:

«ساختار اداری موجود، صرف نظر از میزان پیچیدگی آن، بیان کننده پاسخ به تمایل تعداد روزافزونی از دوستان است که مشتاق اظهار حرارت ایمان خود در عمل هستند؛ اینها حمایت لازم را به آنها برای شرکت در گروه‌های تبلیغی، میزبانی جلسات دعا، ترتیب کلاسهای اطفال، تشکیل گروه‌های نوجوانان، و تأسیس حلقه‌های مطالعاتی ارائه میدهند. اینکه مؤسسات و نهادهای ذی

## رابطه‌ی قدرند چنین تشکیل اداری را برقرار نمایند شهادت می‌دهد بر درجه عالی از مهارت در تنظیم و انعطاف پذیری که به دست آمده.» (ترجمه - ۳۳)

این فقره اشاره دارد به اینکه یک چالش دوگانه در مقابل مؤسسات و نهادهایی که در یک محدوده جغرافیایی خدمت میکنند وجود دارد: در حالیکه سعی دارند محیطی ایجاد کنند که در دوستان میل به ابراز حرارت ایمان خود را در عمل پرورش دهند، راه‌هایی را مییابند تا قوای را که از آن ایجاد شده در فعالیت مستدام هدایت کنند، و در این راستا حمایت بی دریغ خود را تقدیم کنند. اگر قرار باشد این چالش دوگانه به حقیقت پیبوند، لجنه تبلیغ ناحیه ای نمیتواند روشی کاملا راحت و آرام در پیش گیرد، و به سادگی در جلسات جامعه مقررات نقشه جهانی را تکرار کند، چند فقره از پیامهای بیت العدل اعظم را در این رابطه قرائت کند، بعضی از کلمات تشویق آمیز را ادا نماید، و منتظر باشد ببیند پاسخ هر فرد چگونه است. کما اینکه نمیتواند وضعیتی بر عکس اتخاذ کند، و خود را هیتتی ببیند که جمع میشوند، اهداف را تعیین میکنند، و آنرا به جامعه ابلاغ میکنند، و از دوستان انتظار داشته باشند (نقشه لجنه) را قلبا و بدون ادنی تردید اجرا کنند. البته نباید ضرورت اینکه لجنه بطور منظم جمع شوند، غالبا با دیگر مؤسسات و نهادهای و دربارہ وظایفی که در پیش دارند مشورت کنند. هر چند باید در این خصوص بر حذر باشند میداد فضاهایی که در آن جنبه های مختلف نقشه جهانی در نظر گرفته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بتدریج تقلیل یابد، و مؤمنین را بطور عموم از فرایند نقشه ریزی محروم سازد.

در هر گروهی از بشر گرایش به اینکه خود را منزوی کند وجود دارد، گرایشی که لجنه تبلیغ ناحیه ای مخصوصا باید سعی کند در مقابل آن مقاومت نماید. باید تعداد روبه افزایشی از مؤمنین در تفکر راجع به چالش های نقشه دخیل باشند - مثلا، راجع به ماهیت فرایند مؤسسه، راجع به فضای عبادت و خدمت که باید پرورش یابد، راجع به قوای عظیمی که در برنامه تواندهی روحانی نوجوانان مستور است، راجع به ریزه کاریهای تعلیم و تربیت روحانی اطفال، راجع به محوریت امر تبلیغ در حیات جامعه بهائی و افراد آن. اینکه اصل مشورت باید در امور جامعه با اجرا درآید صرفا یک لفاظی نیست. در قسمت ۱۹، مشورتهائی را که ماریسلا در مورد اینکه چطور انرژی ها را بسیج کنیم دنبال کردیم، و ایده غالب این بود که نیاز به یک فرایند مشورتی وجود دارد، که بطور تنگاتنگی به عمل مرتبط است، و بطور طبیعی در مجموعه های مختلف در سراسر محدوده جغرافیایی به پیش میرود. آنچه تأکید آن بار دیگر در اینجا لازم بنظر میرسد رفتار اعضای لجنه در چنین مناسبتی است. در حالیکه تک تک اعضا نگرانیهای مؤسسات را در لحظات مناسب بازگو میکنند، و بینشهای خود را با آنان در میان میگذارند، بهیچوجه نباید فضای تسلط جوئی را در دست داشته باشند.

آنچه اعضای هیئت اداری در تعامل خود با دوستان انجام میدهند و آنچه را که میگویند، در تحلیل نهائی خود، پیامدهای عمیقی در بر دارد. ما بعنوان جامعه در یک الگویی از مدیریت کار میکنیم که بسیاری از عاداتی را که امروزه در جامعه رایج است به کنار گذارده است. عاداتی جدید از تفکر و الگوهای از رفتار ریشه گرفته که از نسلی به نسل بعدی منتقل میشود. در زیر لیستی از انواع مختلف رفتارها ذکر شده. کدام یک از این رفتارها در نظر عضو لجنه تبلیغ ناحیه ای نشانه دعوت به مشارکت مؤمنین است و کدام یک مانع آن میشود؟ آن را با علامت (د) و (م) علامت بگذارید.

- تشویق دوستان به مشارکت در نقشه های محدوده جغرافیایی در هر سطحی که موقعیتشان اجازه بدهد
- از همه انتظار رود که در فعالیتهای محدوده جغرافیایی به همان درجه از شدت مشارکت کنند و در جلسات و گردهم آیی ها در مورد آن اظهار نظر کنند
- تضعیف ذوق و شوق کسانی که یک فعالیت محوری را با قدرت تمام انجام میدهند با سؤال از آنها که چرا کارهای دیگری انجام نمیدهند.



- قدردانی از مشارکتی که دوستان در فرایند رشد انجام میدهند، ولی با بیان اینکه فکر خوبی است اگر قبل از قیام بهر کاری همیشه با یکی از اعضای لجنه مشورت نمایند.
- دوستان را غالباً یادآوری نماید که بعنوان کسی که از پشتیبانی لجنه برخوردار است صحبت میکند، و جملات خویش را با این بیان شروع کند که «بعنوان عضو لجنه میخواهم بگویم...».
- ترویج روندی از مشورت و تأمل که در آن افکار هیچکس کوچک شمرده نمیشود.
- به دوستان توصیه کند که باید آثار مبارکه را بخوانند، شامل پیامهای بیت العدل اعظم، و سپس آنچه را که به فکرشان میرسد انجام دهند.
- تشویق دوستان به پی گیری فعالیت محوری که بر روی آن تمرکز دارند و اطمینان از اینکه از حمایت لازم برخوردار گردند.
- پاسخ به سؤلهائی که از طرف دوستان مطرح میگردد بر اساس تجربه بدست آمده در محدوده جغرافیایی و وحدت نظری که در بین اعضای لجنه وجود دارد.
- بذل توجه خاص نسبت به منابع انسانی که در یک زمان بخصوص در محدوده بچشم میخورد، بدون توجه به اینکه بسیاری دیگر قادر به قیام و خدمت هستند.
- در میان نهادن اطلاعات راجع به پیشرفتهائی که در محدوده جغرافیایی در حال انجام است با دوستان.
- شناخت اینکه ترسی از رشد سریع در بعضی از اعضای جامعه وجود دارد و در فکر باشد تا با حکمت و محبت از شدت آن بکاهد
- پیام نامفهومی در باره آنچه در محدوده جغرافیایی میگردد تقدیم کند، و این احساس را بوجود آورد که اعضای لجنه با همدیگر بطور صحیح ارتباط برقرار نمیکند
- هر فرد را بعنوان یاور در این مشروع جمعی که در مجموعه جغرافیایی در جریان است بحساب آورد
- آمادگی جهت استفاده از کمک افرادی بغیر از خود اعضاء در مدیریت پیچیدگی کار لجنه

### قسمت ۲۳

یک ویژگی در فرایند جامعه سازی که حال در بسیاری از محدوده های جغرافیایی در سراسر جهان در حال پیشرفت است وجود دارد که نوع سبک مدیریتی را که در قسمت قبل بآن اشاره شده روشن میکند. در پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم چنین آمده:

«از آنجا که یادگیری شاخص نحوه عمل جامعه شده است برخی از جنبه های تصمیم گیری در زمینه ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محول گردیده تا برنامه ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیت موجود محل باشد. به خصوص برای کسانی که در سطح محدوده جغرافیایی به فعالیت مشغولند، فضایی از طریق جلسات تأمل و تفکر به وجود آمده است که هر از گاهی دور هم جمع شوند و در پرتو تجربه و راهنمایی مؤسسات امری در مورد موقعیت فعلی خود به اتفاق نظر رسند و گام بعدی را مشخص نمایند.» (۳۴)

گفتیم که بدور از اینکه لجنه تبلیغ ناحیه ای هر جزئیاتی را که نیاز با اجرای آن است نقشه ریزی کند و آن را با اعلانیه های فراگیر بجامعه ابلاغ کند، باید توانائی ها را توسعه داده تا یک فرایند مشورتی را در سطح محل پرورش دهد که همواره در شدت، عمق، محدوده و حوزه موضوعی که مد نظر است و تعداد مردمی که در آن مشارکت دارند، رشد نماید. کما اینکه میدانیم در امر مبارک، تصمیم گیری جمعی بر اصل مشورت قائم است. طبعاً یکی از مهمترین فضاهائی که به یک فرایند مشورتی در حال توسعه در سطح محلی شکل میدهد

همانا جلسات تأمل سه ماهه است. همانطور که حرکت جمعیت یک محدوده جغرافیایی در طول یک زنجیره غنی و پویا به پیش رفته و از نمادهای مختلفی عبور میکند، تعداد افزون تری از جلسات در بخشها، محله ها، و دهات برگزار میشود، و اثمار این جلسات کوچکتر به اجتماعات تأمل در سطح محدوده غنا می بخشد. همه این مناسبتها باید از همان مجموعه از پویایی برخوردار باشد - همان سطح از اشتغال - که جلسه تأمل را تمییز میدهد، همانطور که بیت العدل اعظم در فقره ذیل توضیح میدهند:

«در هر محدوده جغرافیایی مؤسسات و نهادهایی که فرایند را هدایت میکنند - اعضای هیئت معاونت و مؤسسه آموزشی به همراه لجنه تبلیغ ناحیه ای - باید روند رشد را مرتباً بررسی نموده و چگونگی کار این عناصر با همدیگر را تجزیه و تحلیل نمایند، تا شکاف های موجود را شناسایی نموده و تصمیم بگیرند چه تغییراتی باید انجام شود. تجزیه و تحلیلی که بدست میآید طبعاً باید موضوع مشورت دقیق در یک جلسه تأمل و بازبینی با کلیت مؤمنین قرار گیرد، که منتهی به فرایند تصمیم گیری شود. اگر تعداد کسانی که مراحل دوره های متسلسل مؤسسه را طی میکنند کافی نباشد، اقداماتی برای غلبه بر این مشکل باید اتخاذ گردد. اگر محیطی پرورش نیابد که در آن دوستانی که دارای توانایی هستند و بعنوان راهنما خدمت میکنند احساس کنند توانمند بوده تا دیگران را در کوششهای اولیه شان برای عمل خدمت همراهی کنند، باید نیازمندیهای روحانی برای ایجاد چنین محیطی بررسی شود. اگر کسانی که دوره ها را با انجام رسانده اند بطور مستمر در میدان خدمت بسیج نشوند، اگر تعداد روبه رشدی از طالبین در فعالیتهای داخل نشوند، اگر به افرادی که مستعد هستند نرسیده باشیم، پس باید در این فکر باشیم که چطور این وضعیت را معالجه کنیم - نه تنها برای یک مرتبه بلکه در طی مدتی طولانی که در آن فرایندی از مشورت مداوم، اقدام، و تأمل منجر به فهمی بهتر و بهتر از چگونگی رسیدن به رشدی مستدام گردد.» (ترجمه - ۳۵)

در قسمت ۷ شما تشویق شده اید تا در باره جلسات سه ماهه ای که در یک محدوده جغرافیایی که با آن آشنا هستید و بوقوع پیوسته تأمل کنید و بعضی از عواملی را که به اثربخشی آن کمک کرده بنویسید. در پرتو بحثی که در این قسمت داشتیم، شاید حال مفید باشد بطور گسترده تری بآن پردازیم. مثلاً، چطور مشاهداتی مانند آنچه که در فقره بالا آمده فرایند مشورت را هدفمند و جهت دار میکند؟ چطور تمرکز بر چنین برداشتی از واقعیت اقدامی متحد و سیستماتیک در بین تعداد رو بافزایشی از دوستان را تقویت میکند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

اگر در محدوده ای زندگی میکنید که فرایند رشد در آن بخوبی پیشرفت کرده، و منجر به جلسات کوچکتر شده است، شاید بخواهید در گروه خود بررسی کنید چطور بینش هایی که از مشورت بدست آمده در بین این جلسات و جلسات سه ماهه محدوده جغرافیایی جریان مییابد. فقره زیر از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم شما را در این خصوص یاری میدهد:

«یکی از ویژگی های قابل توجه محدوده های جغرافیایی پیشرفته آن است که روحیه یادگیری در همه جامعه رسوخ می نماید و چون انگیزه ای برای افزایش قابلیت تشکیلاتی عمل می کند. شرح تجارب ، مشتمل بر بینش های حاصله درباره یک روش ، یک رویکرد و یا تمامی یک فرایند دانما بین مراکز فعالیت مبادله می شود. جلسه تأمل در تمام محدوده جغرافیایی که در آن بسیاری از این یادگیری ها ارائه می شود ، غالباً با تشکیل جلسات تکمیلی در نواحی کوچکتر توأم است که احساس مسئولیت قویتری در بین شرکت کنندگان ایجاد میکند. این حس مالکیت جمعی یعنی نیروی برخاسته از یک جمع متحد که مسئولیت رشد روحانی خود را در طی نسل های آینده برعهده گرفته است از یک دور به دور دیگر آشکارتر می گردد. چون چنین عمل کنند، حمایتی که از مؤسسات منطقه ای ملی بهائی و نهادهای وابسته به آنها دریافت می کنند مانند جریان بی وقفه ای از عشق و محبت احساس می شود.» (۳۶)

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

پیشنهاد میشود این قسمت را با تأملی بر بیان ذیل از حضرت ولی امر الله در رابطه با مکانیزم اداری امر مبارک خاتمه دهیم:

«تشکیلات اداری بهائی باید موجب شود که از طریق آن قوای پویای نهفته در امر الهی ظاهر و متبلور گردد و حیات و رفتار انسان ها را شکل دهد و هم به منزله واسطه ای برای تبادل افکار و هماهنگی فعالیت ها در بین عناصر متنوعی که جامعه بهائی را تشکیل می دهد عمل نماید.»  
(۳۷)

#### قسمت ۲۴

در چهار قسمت آخر جوانب خاصی از کار لجنه تبلیغ ناحیه ای را بررسی کردیم، و بدینسان روی ویژگیهای کسانی که برای خدمت بعنوان عضو هیئتهای مشورتی در نظم اداری دعوت میشوند تأمل نمودیم. به وضوح تعداد موضوعی که توانستیم در این رابطه کشف کنیم گسترده است. آنچه که میتوانیم در اینجا بکنیم این است که با در نظر گرفتن شرحی که در طی نوزده قسمت اول این واحد آشکار شد، بعضی از آنها را برای شما در نظر آوریم. در این راستا، قبل از اینکه این روند پرسش را ترک کنیم یک موضوع دیگر است که سزاوار توجه است: مسأله مهم جریان اطلاعات در یک محدوده جغرافیایی.

اینکه همه شرکت کنندگان نقشه - آنهایی که در فعالیتهای محوری مشغول هستند؛ در جلسات تأمل حاضرند؛ بعنوان راهنمایان، مشوقین نوجوانان و یا معلمین کلاسهای اطفال عمل میکنند؛ بعنوان منسقین مؤسسه آموزشی و یا اعضای دیگر نهادها و مؤسسات خدمت میکنند - احتیاج به اطلاعات دقیق و ذی ربط هستند بسی واضح و عیان است. یکی از منابع چنین اطلاعاتی همانا احصائیه هائی است که توسط لجنه تبلیغ ناحیه ای در مورد ابعاد مختلف فرایند رشد که در محدوده جغرافیایی در حال پیشرفت است نگهداری میشود. ما در اینجا بتفصیل راجع به موضوع احصائیه بحث نخواهیم کرد. هر چند باید آگاه باشید که مجهودات زیادی در جوامع ملی در هر کجا، با هماهنگی مرکز جهانی بهائی، جهت ایجاد سیستمی جهانی برای جمع آوری و در میان گذاشتن داده های آماری وجود دارد، تا اینکه در همه سطوح تصمیم گیری - از محلی تا بین المللی - اطلاعات مربوطه در دسترس باشد. همانطور که تصور میکنید، پیشرفت در فن آوری کامپیوتری تا حد زیادی مورد استفاده قرار گرفته، در حالیکه تنوع عظیم تواناییهای تکنولوژی در این برهه از زمان را در هزاران محدوده جغرافیایی که در آن فرایند جامعه سازی در حال جریان است شاهد هستیم.

طبعاً هر لجنه تبلیغ ناحیه ای، نقشی در تأسیس این سیستم جهانی دارد. هر چند این جنبه از کار لجنه کانون توجه ما در این بحث مختصر در مورد جریان اطلاعات نخواهد بود. آنچه که میخواستیم تا اندازه ای مورد بررسی قرار دهیم، در حالیکه مشغول عمل و تأمل هستیم، عموماً نیاز ما به اطلاعات است - موضوعی که برای هر یک از ما حیاتی است، صرف نظر از مناطقی که در آن مشغول به خدمت هستیم. ما مخصوصاً یک ایده ساده را، بطور مختصر، مورد بحث قرار خواهیم داد: وقتی که در جستجوی اطلاعات برای کمک بما در اخذ تصمیم و اقدام به خدمت هستیم، باید برحذر باشیم که هر چند اطلاعات بسیار کم برای رسیدن به یک نتیجه درست در موضوعی مشکل خواهد بود، اطلاعات بیش از حد نیز مفید نخواهد بود؛ بلکه برعکس، میتواند باعث ایجاد گنجی شود. آنچه مهم است ارتباط اطلاعات با وظیفه ای است که در دست داریم، و به خدمت بخصوصی است که در برهه معینی از زمان انجام میدهیم. مهم نیست چقدر این برای شما واضح است، این یک اصلی است که متأسفانه اکثراً فراموش میشود. اطراف خود را نگاه کنید، و خواهید دید برای



بسیاری از مردم وسازمانها، بنظر میرسد جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها بخودی خود پایان آن بشمار  
میرود.

چون منافع ما بکلی عملی است، ببینید این ایده را از طریق یک یا دو مثال واقعی بررسی کنیم و بعضی از  
تمرینات آن را با اجرا در آوریم. لحظه ای در باره آنیتا در داستان ما فکر کنید، قبل از اینکه از او دعوت شود  
تا بعنوان منسق محدوده جغرافیایی خدمت کند و بعد از آن. آنیتا کتاب ۱ و ۲ را ، که شامل تمرینات آن بود ،  
در برنامه حلقه مطالعاتی ، بپایان رساند ، و از کمپین مؤسسه استفاده نموده کتاب ۳ را در طی چند هفته کوتاه  
تمام کرد. بعد از آن با کمک شد تا یک کلاس پر تحرکی را برای پانزده نفر از اطفال شروع کند. چه نوع  
اطلاعاتی را او نیاز داشت تا بعنوان معلم کلاس اطفال پیش خود نگه دارد - صرف نظر از ابزاری را که  
برای داخل کردن و پردازش داده ها بکار گرفت؟

در آن زمان ، همه آنچه در استطاعت آنیتا بود یک دفتر یادداشت بود، که در آن ابتدا جدولی شامل نام و سن  
اطفال بود تا حضور و غیاب هفتگی آنان را یادداشت کند. او یک جدول دیگر را ، بر طبق توصیه کتاب ۳ ،  
برای پی گیری پیشرفت آنان در محفوظات اضافه کرد. بزودی او تصمیم گرفت قسمتی از دفتر برای درسها  
باشد و برای هر درسی چند صفحه اختصاص دهد. در آنها مقدار وقتی را که صرف تهیه درس میکرد،  
بعضی از فقرات آثار مبارکه را که برای آمادگی درس مطالعه کرده بود، تاریخ تدریس ، چالشهای موجود،  
وسوالاتی که در اثر تجربیات او پدیدار شده بود را یادداشت میکرد. بعدا یک قسمت دیگر را بآن اضافه نمود  
که در آن دو صفحه برای هر طفل اختصاص داد. علاوه بر یادداشت نصوص و ادعیه ای را که طفل حفظ  
کرده بود، آنیتا چند کلمه ای در مورد پیشرفت او عموما مینوشت. این صفحات همچنین شامل اسامی والدین  
اطفال، همراه اسامی خواهران و برادران، و مختصری از مواضیع مورد بحث با آنها در جلسات بود. قسمت  
آخر دفتر اختصاص داده شده بود به مشاهدات آنیتا از کلاس بطور کلی، روابط فیما بین اطفال و محیطی که  
بوجود آمده بود، بعلاوه افکار او در مورد اینکه چطور میتواند به پیشرفت و پرورش اطفال کمک کند.

برای لحظاتی در اینجا توقف میکنیم. واضح است که آنیتا درکی خاص از این موضوع دارد که چطور میتواند  
اطلاعاتی را که نیاز دارد در هنگام آموزش روحانی اطفال آماده داشته باشد تنظیم کند. در گروه خود رویکرد  
او را مورد بحث قرار دهید. آیا اطلاعاتی را که نگه داشته بود برای این منظور کافی بود؟ چیزی هست که  
بخواهید بآن اضافه کنید؟ آیا اطلاعاتی هست که جمع آوری و نگاه داشته شده که زائد است؟ میتوانید مثالهایی  
از آن بدهید؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

کلاس آنیتا تازه مرحله اول برنامه مؤسسه برای آموزش روحانی اطفال را بپایان رسانده بود، و او آماده میشد  
تا مرحله دوم را به همان گروه تدریس کند، زیرا قبلا وقتی از او دعوت شده بود بعنوان هماهنگ کننده  
کلاسهای اطفال عمل کند، دوره ای که از این منشعب شده بود را مطالعه کرد. در ابتدا باید دو معلم را در  
کوششهایشان برای برگزاری دروس برای مرحله ۱ همراهی کند، در عین حالیکه کلاس خود را برای مرحله

۲ ادامه می‌دهد. انتظار این بود که تعداد کلاسها در محدوده جغرافیایی بطور مداوم بیش از این سه کلاس رشد کند. او قدری از این چالش جدید در فکر است، زیرا تنها یک سال تجربه با این برنامه دارد، اما به بخداوند توکل میکند و برای انجام مسئولیت های جدید قیام میکند. آنچه مربوط میشود به اطلاعات، به استثنای کلاسی که خود تدریس میکرد، حال نیازهای او مانند قبل نبود. آنیثا تصمیم میگیرد، علاوه بر پی گیری کوششهای دو معلم دیگر، نهایت سعی خود را برای افزایش تعداد کلاسهای اطفال انجام دهد. چطور میتواند، علاوه بر امور دیگر، از پیشرفتی که هر کلاس داشت، تعداد اطفالی که بطور مرتب حاضر میشدند، چالشهایی که معلمین در قبال خویش داشتند، و بینشهایی که کسب میکردند، اطلاع حاصل کند؟ در گروه خود نوع اطلاعاتی را که باید جمع کند شناسائی کنید، و فکر کنید چطور بهتر میتواند آن را تنظیم کند. مانند آنچه که قبلا ذکر شد، تمرکز شما نباید بر روی ابزارهایی باشد که آنیثا بالقوه میتواند برای داخل کردن داده ها و پردازش از آن استفاده کند. همانطور که الگوی رشد در محدوده جغرافیایی که او در آن خدمت میکند به پیش میرود، لجنه تبلیغ ناحیه ای و منسقين مؤسسه در باره سیستمی که در سراسر جهان بآن قبلا اشاره کردیم آگاه میشوند و در تعامل با ابزار آن مهارت بدست میآورند. هدف شما امروز باید ماهیت خود اطلاعات و طریقه ای که آنیثا آنرا تنظیم میکند باشد.

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

چطور آنیثا اطلاعاتی را که لازم دارد جمع میکند؟ شاید قبول کنید که مثلا بسادگی فورمهایی برای پر کردن به معلمین نمیدهد بلکه خود را وارد گفتگویی مستمر با آنها میکند. آیا میتوانید چند کلمه ای در باره نوع گفتگویی که او با هر یک از معلمین دارد و از لحاظ روحانی غنی و الهام بخش است و او را از پیشرفت کلاسهای اطفال در محدوده جغرافیایی مطلع میسازد بگوئید؟ چطور میتواند تأملات خود را روی کوششهای خود بعنوان منسق مؤسسه تنظیم کند: روی افکار و کردار خود در حالیکه تعداد روبا افزایشی از معلمین را در میدان خدمت همراهی میکند و روی آنچه که در این فرایند یاد می‌گرفت؟

---

---

---

---

---

---



حال ، از بین انواع مختلف اطلاعات که باید لجنه تبلیغ ناحیه ای خود را با آن آشنا سازد، بعضی از حقایق و سجالاتی که مربوط است به توسعه منابع انسانی در محدوده جغرافیایی از اهمیت خاصی برخوردار است. طبعا لجنه به همان سطح از جزئیات ، مانند آنچه که منسّقین مؤسسه از کلاسهای اطفال، گروه های نوجوانان ، و حلقه های مطالعاتی دارند ، احتیاجی ندارد. با این وصف ، لجنه نیاز دارد از پیشرفت سه مرحله فرایند آموزشی که توسط مؤسسه ترویج میشود آگاهی داشته باشد. بهر حال ، نقشه هایی که در طی دوران تأمل ابداع میشود باید بر طبق آنچه بیت العدل اعظم توضیح میدهند،

« باید از یک طرف قابلیت فزاینده نیروی انسانی که در پایان هر دور موجود و قادر به ایفای وظایف مختلف است، و از طرفی اطلاعات جمع آوری شده درباره استعداد روحانی مردم، و همچنین دینامیک تبلیغ را در نظر گرفت. با افزایش نیروی انسانی متناسب با ازدیاد جمعیت جامعه بهائی ، از یک دور به دور دیگر ، نه تنها حفظ استمرار رشد، بلکه سرعت بخشیدن به آن امکان پذیر است.» (۳۸)

فقره فوق بوضوح نشان میدهد که اطلاعات مورد نیاز باید یک هدف مشخصی را در بر داشته باشد - برای تهیه نقشه عمل - که در هدفی متعالی تر که همانا شتاب دادن به فرایند رشد امر مبارک است نهفته است. در پرتو این حقیقت ، نظری میاندازیم بر نوعی دیگر از اطلاعات ، که به همان نسبت برای نقشه ریزی که نیاز یک لجنه تبلیغ ناحیه ای است لازم است. در مورد حرکت یک جمعیت در یک محدوده جغرافیایی که در قسمت ۱۳ آمده فکر کنید. بر این اساس، یک لجنه تنها مشغولیتش تعداد کسانی که بعنوان اعضاء یک جامعه اسم نویسی میکنند نیست، هر چند این امر از اهمیت برخوردار است. لجنه همواره مراقب حرکت ساکنین در یک محدوده جغرافیایی، از بین کل جمعیت بواسطه دایره هائی که بما کمک نمودند تا این حرکت را تجسم کنیم، میباشد - با این هدف که اطمینان یابیم حجم هر کدام مستمرا در حال رشد است. چه نوع از اطلاعات مورد نیاز لجنه است تا از کیفیت پیشرفت حرکت آن مطلع شود و اینکه چطور میتواند قوای حرکتی آن را با همکاری نزدیک با منسّقین مؤسسه شتاب بخشد؟ چطور در دست یابی به این اطلاعات عمل میکنند؟

#### قسمت ۲۵

در طول این واحد ، چندین بار راجع به فرهنگ یک جامعه که باید رشدی باشتاب و مستدام را تجربه کند اشاره کردیم و همچنین راجع به مسئولیت لجنه تبلیغ ناحیه ای در کمک به پرورش سبک بیان و الگوی رفتاری که ویژگی یک اقدام جمعی است. فقرات زیادی از پیامهای بیت العدل اعظم وجود دارد که خصائص مطلوب چنین فرهنگی را شرح میدهد، و در زیر بعضی از آنها جهت تأمل شما ذکر شده ، که شاید برای شما

آشنا باشد:

اندیشه اعضای یک جامعه که از چنین فرهنگی متمایز گشته «در همه حال متوجه کمک به یکدیگر برای طی مدارج خدمت به امر مبارک و پرواز در سماء معرفت او است.» (ترجمه)

جامعه ای که در آن «نفوس بی وقفه با یکدیگر کار کرده، از پیشرفت و خدمات دیگران بیش از دستاوردهای خود دلشاد میشوند.» (ترجمه)

در این جامعه «تبلیغ امر الهی شور و هیجان حاکم بر حیات احبا خواهد بود و ترس را در آن راهی نیست. پشتیبانی متقابل، تعهد به یادگیری ارج نهادن بر انواع گوناگون فعالیت های تبلیغی معیار های حاکم بر آن جو هستند.»

در حالیکه بنیاد روحانی چنین جامعه ای تقویت میشود «سطح گفتن جمعی ارتقا یافته ، روابط اجتماعی بین دوستان معنای جدیدی بخود میگیرد، و احساسی از هدف مشترک الهام بخش تعاملات میان آنان است.» (ترجمه)

الگوی فعالیت در این جامعه «بوسیله پیر و جوان، مؤمنین قدیم و جدید، که دوش به دوش یکدیگر کار میکنند منتشر میگردد.» (ترجمه)

اعضای جامعه سعی دارند «یک حالت تواضع در خود بوجود آورند» ، «خود را فراموش کنند» ، «اعتماد کامل بخداوند» داشته باشند ، و «متکی بر قوای حفظ کننده او» باشند و «مطمئن از کمک بی دریغ» باشند. (ترجمه)

اینها نشان دهنده برخی از ویژگیهای یک فرهنگ در حال رشد، و جوامعی پویا است. چگونه بی توجهی از قبل یک لجنه تبلیغ ناحیه ای در ترویج آن مانع پیشرفت محدوده جغرافیائی میشود؟

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---

---



## قسمت ۲۶

با رسیدن به این مرحله از مطالعه این کتاب، باید قانع شده باشید موضوعی را که سعی در بررسی آن داریم از محدوده این سه واحد فراتر میرود. آنچه که مطالعه کردید، باید بشما کمک کرده باشد تا درک خود را از نیازهای خدمت در هیئت های اداری امر مبارک افزایش دهد، در حالیکه جوانب مهم فرایند جامعه سازی را که عالم بهائی مشغول به آن است کاوش میکنیم. شکی نیست که نیاز بیشتری به یادگیری از طریق مطالعه و تجربه وجود دارد. برای اختتام این واحد، برمیگردیم به محدوده جغرافیایی که آن را به تصویر کشیدیم، وجهی زمانی بجلو می رویم، و آفاقی را که دوستان در آنجا بسوی آن در حرکت هستند بررسی میکنیم. آخرین مناسبتی را که ملاحظه خواهیم کرد جلسه مشورتی با همان دوستانی است که در اولین گردهم آیی این واحد به آن اشاره شد - ماریسلا، روبرتو، سیسیلیا، لیلیانا، مارتا، پابلو، جاپرو، ابرو و آنتیا. حال در سومین دور فعالیت، اعضای لجنه و منسقین مؤسسه خود را برای جلسه تأمل که جامعه را وارد چهارمین دور میکند آماده میکنند:

جلسه در یک شب بعد از یک شام ساده برگزار شد. بعد از تلاوت دعا، پابلو از ماریسلا، روبرتو و سیسیلیا جهت قبول درخواست لجنه تبلیغ ناحیه ای برای تشکیل جلسه ای دوباره قدردانی نمود. او میگوید «وقتی به محدوده جغرافیایی خودمان مینگریم، از پیشرفتی که در عرض نه ماه حاصل شده دلگرم میشویم. از لحاظ کمیت شاهد بعضی پیشرفتها هستیم، اما پیشرفت کیفی نیز بخوبی مشهود است. فعالیتهای محوری ما، که هنوز زیاد نیست، بنظر میرسد بر اساسی محکم استوار است. شور و شوق ملموسی در جامعه وجود دارد. دوستان مستمرا در درک خود از نیازهای نقشه پیشرفت میکنند. با همه اینها، احساس میکنیم باید حال در آستانه رشدی پر شتاب باشیم. اما چگونه باید فرمولی برای نقشه عمل تدوین کنیم که هم بلند پرواز باشد و هم قابل دستیابی؟»

ماریسلا تصمیم میگیرد نصیحت خود را ارائه دهد:

او میگوید «برای اینکه نقشه ما مؤثر باشد داشتن بصیرت از اهمیت برخوردار است.»

لیلیانا میگوید «این مشکل نیست! تصور ما این است که یک محدوده جغرافیایی داشته باشیم که در آن حضرت بهاء الله را در سطح وسیعی شناخته و تعالیم او را باجرا در میآورد تا این جهان را آئینه ای از جنت ابهی نماید.»

ماریسلا پاسخ میدهد «صحیح، اما باید بیشتر در این مورد صحبت کنیم. تصور کنید در مقابل یک کوه بلند ایستاده ایم و قرار است به قله آن برسیم. تفکر در آنچه که آن بالا در انتظار ماست ما را سرشار از امید میکند. اما تنها با تصور اینکه آن بالا چگونه است به قله آن نمیرسیم. نیاز ما به یک ایده ای است که چگونه میتوانیم

، با شروع از اولین شیب ، به نقطه هائی بالاتر و بالاتر برسیم - البته قبل از اینکه بفکر نقشه های مفصل باشیم. شاید امروز باید در مورد این بینش صحبت کنیم که امیدواریم محدوده ما در چه جایگاهی قرار گیرد ، البته نه بعد از چندین سال ، بلکه بعد از چند دور از فعالیت.»

روبرتو میگوید «من یک پیشنهاد دارم، که از پیامی که در آن بیت العدل اعظم ما را تشویق میکنند» که به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده اند محدود و درونگرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را دربر گیرد.» او حرف خود را با خواندن ققره ای از همان پیام ادامه میدهد:

«به جا است که درس های گذشته را فراموش نکنند ، درس هایی که شکی باقی نگذاشته است که یک گروه نسبتا کوچک از پشتیبانان فعال امر هرچقدر هم عالم و کاردان و از جان گذشته و فداکار باشند قادر نخواهند بود پاسخگوی نیازهای جوامعی باشند که مشتمل بر صدها نفر مرد و زن و کودک است تا چه رسد به هزاران نفر. مقتضیات مسئله کاملا روشن است. اگر در یک محدوده جغرافیائی تعداد افرادی که مسئولیت ترویج و تحکیم را بر عهده می گیرند ده ها نفر است و چند صد نفر در فعالیت های جامعه مشارکت می نمایند هر دو رقم باید به نحو قابل ملاحظه ای افزایش یابد به طوری که در پایان نقشه صد یا دویست نفر مشارکت هزار یا دوهزار نفر را تسهیل نماید.» (۳۹)

روبرتو میگوید «میتوانیم با شرح موقعیت کنونی شروع کنیم ، سپس بیرسیم امور چگونه خواهد بود وقتی که جامعه مثلا سه برابر بزرگتر باشد. نامعقول نیست که چنین رشدی در طی چند دور از فعالیت در محدوده جغرافیائی مثل شما بدست آید. اگر اشتباه نکنم ، تعداد بهائیان در اینجا به حدود ۶۰ نفر رسیده اند. در حدود ۲۰ نفر از دوستان هستند که ۲۵ فعالیت محوری را اداره میکنند که در آن ۱۸۰ نفر شرکت دارند.»

مارثا در اینجا دخالت کرده میگوید «ارقام همه چیز را نمیگویند. فکر نمیکنم واقعا ۲۵ فعالیت محوری پایدار وجود داشته باشد؛ احتمال دارد ۲۰ عدد باشد.»

ماریسلا پاسخ میدهد «این صحیح است که ارقام تصویر کاملی را ارائه نمیدهد. ارقامی را که روبرتو ذکر کرد تصویری از حجم پروژه بما میدهد. طبیعتا باید بیش از این به پیش رویم و کیفیت فعالیتهای خودمان را تجزیه و تحلیل کنیم. تا چه حدود حلقه های مطالعاتی و کمپین های مؤسسه منابع انسانی مورد لزوم ما را افزایش میدهد؟ چگونه جلسات دعا در ویژگیهای حیات جامعه در هر محله تأثیر میگذارد؟ چگونه گروه های نوجوانان در مطالعه نصوص و در پروژه های خدماتی خود پیشرفت دارند؟ کلاسهای اطفال تا چه مقدار خوب تنظیم شده و استمرار دارند؟ به همین ترتیب الی آخر.

او ادامه میدهد «اما یک اصل بسیار مهم است که باید همواره متذکر باشیم: ما نمیتوانیم از ضعف های خود بهره برداری کنیم؛ تنها میتوانیم از نقاط قوت خود استفاده کنیم. این تفکر در کوششهای ما برای پیاده کردن نقشه های عملی در محدوده جغرافیائی حیاتی میباشد. در حال حاضر باید برگردیم به موضوع بصیرت. چرا پیشنهاد روبرتو را دنبال نمیکنیم و سعی کنیم بیاندیشیم امور چگونه خواهد بود وقتی تعداد فعالیتهای محوری در محدوده جغرافیائی بین ۷۰ و ۷۵ باشد.»

روبرتو میگوید: «برای تمرین، بعضی از ارقام دیگر را بررسی میکنیم. از ۷۵ فعالیتی که ذکر کردیم، تعداد معینی از کلاسهای اطفال، گروه های نوجوانان ، حلقه های مطالعاتی ، و جلسات دعا خواهد بود. البته ما تعداد دقیق هر کدام را نمیدانیم، اما نوعی تخمین بما کمک میکند در تفکر خودمان به پیش رویم. آیا میتوانیم سریعا روی بعضی ارقام توافق کنیم؟»

بعد از دقیقه ای سکوت ، پابلو میگوید: «در حال حاضر ، من میدانم که ۵ کلاس اطفال، ۷ گروه نوجوانان و ۸ جلسه دعا در محدوده جغرافیائی داریم، هرچند همانطور که مارثا اشاره کرد، همه آنها محکم نیستند.»



جایرو اضافه میکند: «در حال حاضر ۵ حلقه مطالعاتی داریم، در این لحظه دو عدد روی کتاب ۱ تمرکز دارند و کتاب ۲ و ۳ و ۴ هر کدام یک عدد. گروه کتاب ۶ اخیراً کتاب را تمام کرده اند و بزودی کتاب ۷ را شروع میکنند. یک کمپین برای مطالعه فشرده کتاب ۵ در دو تعطیلی آخر هفته از الآن در دست تهیه است.»

پابلو میپرسد: «چرا این عدد را ضرب ۳ نکنیم؟ میتوانیم تصور کنیم که ۱۵ حلقه مطالعاتی، ۱۵ کلاس اطفال، ۲۱ گروه نوجوانان، و ۲۴ جلسات دعا خواهیم داشت. ۶۰ نفر از ما این فعالیتهای را حمایت خواهند کرد، که در آن حدود ۵۵۰ نفر شرکت خواهند کرد.»

روبرتو میگوید: «این یک شروع خوبی است. اما لجنه و منسقین مؤسسه بدون شک کوششهای مخصوصی در آینده برای افزایش تعداد کلاسهای اطفال و گروه های نوجوانان خواهند کرد، بواسطه گفتن با جوانان در جامعه گسترده تر و مطالعه فشرده کتابهای مؤسسه مرتبط با آن، مانند مطالعه کتاب ۵ که در راه است. در نتیجه چنین کوششهایی، تعداد گروه های نوجوانان و کلاسهای اطفال عموماً سریعتر از حلقه های مطالعاتی رشد میکند. لذا احتمالاً کلاسهای اطفال و گروه های نوجوانان بیشتری خواهیم داشت و حلقه های مطالعاتی کمتری.»

پابلو پاسخ میدهد: «بله، بنظر میرسد این همان چیزی است که قرار است اتفاق بیفتد. میشود فرض کنیم ۱۲ حلقه مطالعاتی خواهیم داشت و عدد ۳ را به تعداد کلاسهای اطفالی که پیشنهاد کردم اضافه کنیم؟»

ماریسلا میگوید: «این بنظر عالی میآید. قدم بعدی این است که چند سؤال کمی و کیفی در مورد چشم اندازی که داریم از خودمان بپرسیم. متذکر باشید که ما اهدافی را تعیین نمیکنیم، و سعی نمیکنیم بدانیم چه موقع سه برابر بزرگتر خواهیم شد؛ تنها میگوئیم ممکن است در عرض چند دور در این موقعیت قوی قرار خواهیم گرفت. لذا آنچه که حال باید بکنیم این است که تصور کنیم در آن مرحله هستیم و در مورد سطح توانائی که بدست خواهیم آورد وقتی که آنجا هستیم فکر کنیم.»

دنبال اظهارات ماریسلا، مشاورات پر ثمری انجام میشود که در آن گروه تصویری از توانائی دوستان از مؤسسه و نهادهای محدوده جغرافیایی در آینده بدست میآورد. مثلاً متوجه شدند که توانائی مؤسسه آموزشی برای کمک به مردم برای پیشرفت مداوم در دوره های مؤسسه خیلی بیش از سطح موجود به پیش خواهد رفت؛ آنها شاهد هستند که توانائی در محدوده جغرافیایی برای آموزش و دعوت از تعداد روزافزونی از مردم، بخصوص جوانان در جامعه وسیع، جهت مطالعه کتاب ۱ بطور قابل ملاحظه ای رشد داشته؛ و به این اذعان دارند که افزایش زیادی در توانائی کسانی وجود دارد که راهنمایان، مشوقین نوجوانان، و معلمین کلاسهای اطفال را در مساعیشان همراهی میکنند. گروه همین خط مشی را برای بقیه جلسه دنبال میکند. قبل از انتهای مشورت، روبرتو این پیشنهاد را میدهد:

«این یک مشورت بسیار سازنده ای بود. پیشرفت خوبی در ایجاد فرمولی از بصیرت برای مجموعه جغرافیایی داشتیم. ایمان راسخ ما طبعاً این است که استعداد عظیم است، مقررات نقشه اثر خود را نشان داده و جنود ملاً اعلی آماده کمک هستند. همه آنچه که نیاز است این است که بطور پیوسته توانائی خودمان را افزایش دهیم و فرایند دخول فی دین الله افواجا را به پیش رانیم.»

او ادامه میدهد: «در حقیقت، درجه دقتی که در مورد بصیرت محدوده جغرافیایی بدست آمده راه را برای شما جهت تقویت فرایند وضعیت و اجرای نقشه ها که در آن شما و جامعه در چند دور به آن مشغول بوده اند باز میکند. با نگاهی به آینده و مشاهده اینکه فی المثل مقدار توانائیهایی که برای همراهی کردن راهنمایان، مشوقین نوجوانان، و معلمین کلاسهای اطفال در میدان خدمت قرار است افزایش یابد، منسقین مؤسسه آموزشی میدانند که حال باید اقدام کنند، و دوستانی را که در این خصوص میتوانند کمک کنند شناسائی نموده، با آنها کار کنند. و با کسب تصویری واضح تر از مقدار چالشی که در مقابل است، لجنه از شدت فعالیتی که مورد نیاز است آگاه میشود، اگر قرار باشد که دایره های مختلفی که در سراسر جمعیت شناسائی کرده ایم

دور به دور توسعه یابد.

این شرح مختصری بود از مشورت بین لجنه تبلیغ ناحیه ای ، منسق محدوده جغرافیایی و ماریسلا ، روبرتو و سیسیلیا ، که در حدود نه ماه بعد از تشکیل لجنه منعقد شد وقتی که الگوئی اساسی از عمل ایجاد شده بود، و اشاره دارد به رویکردی خاص برای ترویج رشدی شتابدار از امر مبارک در محدوده جغرافیایی. جزئیات مربوط به نقشه های عملی در این مرحله مورد بحث قرار نگرفته. آنچه که انجام شده این است که بینشی را از محدوده جغرافیایی از آینده نزدیک تنظیم نموده ، با در نظر گرفتن وضعیت کنونی آن؛ برای تعیین بعضی از ویژگی های آن در زمان آینده؛ و برای توصیف سطح توانائی جمعی که مقرر است در آن موقعیت بآن نائل گردند. تمرکز جلسه بر روی جامعه سازی بوده. با این وحدت فکر ، لجنه و منسوقین مؤسسه باید اقداماتی جهت پاسخ به این سؤال داشته باشند که چگونه میتوان توانائی مطلوب را ساخت. حال در مورد بعضی از مشکلاتی که باید از آن اجتناب کنند فکر کنیم. چه مقدار پیشرفت حاصل میشود اگر بعد از تنظیم یک بینش ،

• آنها تنها لیستی از آرزوها راجع به اهداف مورد نظر تنظیم می کنند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

• لیستی از مشکلات مشاهده شده در محدوده تهیه نموده و خط مشی مفصلی برای حل هر کدام تنظیم می نمایند؟

---

---

---

---

---

---

---

---

• گروه بدون مراجعه به در دسترس بودن منابع انسانی و دیگر منابع موجود نقشه ریزی می کند؟

---

---

---

---

---

---

---

---



---

---

• منابع انسانی را که حال میتوان استفاده نمود در نظر گرفته ، اما نقشه های آنان شامل چگونگی گسترش آن نیست؟

---

---

---

---

---

---

---

---

• گروه در فکر خود مرتبا بیان بیت العدل اعظم را مد نظر ندارد که « به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده اند محدود و درونگرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را دربر گیرد»؟

---

---

---

---

---

---

---

---

#### قسمت ۲۷

مروری در مشاورات مختلفی که در این واحد شرح دادیم ، شامل آنچه در قسمت قبل ذکر شد، این عقیده را نشان میدهد که فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی باید از دو دیدگاهی که بیت العدل اعظم تشویق فرمودند مد نظر قرار گیرد: از یک دیدگاه فرایند آموزشی برتری دارد و از دیدگاه دیگر ادوار فعالیت اهمیت دارد. در چند هفته و ماه هائی که در پیش است ، لجنه و منسقین مؤسسه آموزشی با همدیگر کار میکنند تا آن نوع توانائی را که مورد نیاز یک بینش عالی ولی واقعی است ساخته شود. خودم را جای آنها میگذاریم تا از ابعاد مختلف مجهوداتی که بآن مشغولند تفکر کنیم.

۱. رسیدن به توانائی در طی چند دور آنطور که مد نظر گروه است تا حد زیادی بستگی به درجه تأثیر گذاری فرایند مؤسسه دارد. برای اولین قدم، باید آن قسمت از توانائی پیش بینی شده را در نظر بگیریم که نام آن را توانائی آموزش و همراهی مینامیم. طبعا باید متذکر باشیم که نگرانی ما آنقدر راجع به «تکنیک آموزش» نیست؛ مفهوم توان دهی که در قلب فرایند مؤسسه است «مستلزم درکی عمیق از ظهور حضرت بهاء الله» است. برای اینکه محدوده جغرافیایی به مرحله ای برسد که در آن ۶۰ نفر از دوستان مشارکت حدود ۵۵۰ نفر را در فعالیتهای محوری تسهیل کنند، مؤسسه آموزشی

باید بیاموزد تا هرم در حال توسعه منابع انسانی را بالا ببرد، و دوستان بیشتر و بیشتری به دوره های بالاتر راه یابند، و این امکان را بوجود میآورد تا تعداد فعالیتهای محوری را، از یک دور به دور دیگر، چند برابر کند.

در نظر بگیرید نهادهای عامل در محدوده جغرافیایی – بخصوص مؤسسه آموزشی که از طریق منسوقین خود عمل میکند – چه کاری را باید انجام دهند تا تعداد فزاینده ای از منابع انسانی در محدوده جغرافیایی را آماده عمل کنند و آنان را در میدان خدمت همراهی کنند. هرچند پاسخ به سؤلهای زیر غالباً واضح است، ولی شما نباید به جوابهای «بله» یا «خیر» اکتفا کنید؛ بلکه باید هر کدام را بدقت در گروه خود بررسی کنید و هر کجا ایجاب میکند، اصولی که بحثهای شما را هدایت میکند روشن کنید.

(a) آیا میتوانستند به موقعیتی از قدرت که در نظر داشتند برسند اگر تعداد راهنمایان در سطح کنونی باقی میماند و قادر نبودند جوانان و بزرگسالان بیشتری را از یک دور به دور دیگر حرکت دهند؟

---

---

---

---

---

---

(b) آیا حلقه های مطالعاتی یا کمپین های فشرده مؤسسه هر کدام به تنهایی کافی خواهد بود، یا ترکیبی از هر دو نیاز است؟

---

---

---

---

---

---

(c) آیا قادر خواهند بود به چشم اندازی که در نظر دارند برسند اگر گفتمان های جاری بین هماهنگ کننده و کسانی که بعنوان راهنما خدمت میکنند صرفاً بر روی امور سازماندهی تمرکز میکرد، بخصوص روی تجزیه و تحلیل ارقام مربوطه، طوری که نتواند عمیقاً در محتوای کتابهای مؤسسه و بررسی موقعیتهای معنوی که به آن دعوت میکند تفحص کنند؟

---

---

---

---

---

---



\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

(d) آیا می‌توانستند به آن نوع از نتایجی که پیش بینی کرده بودند دست یابند اگر مجموعه روبرشد راهنمایان در محدوده جغرافیایی در تفکر فرایند مؤسسه بطور کلی وارد نمیشدند - در ماهیت آن ، ساختار آن ، و آرزوهای آن؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

(e) چه نوع کوششی نیاز است بعمل آید تا بسیاری از دوستانی را که در مطالعه دوره های مؤسسه تمایل خود را برای خدمت نشان میدهند شناسائی کنند و به آنها کمک کنند تا راهنمایان مؤثری باشند؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

(f) آیا محدوده جغرافیایی می‌توانست به حالت مطلوب برسد اگر تمرکز تنها بر روی آموزش باقی بود و توجه کافی جهت همراهی تعداد روفازشی از دوستان در مجهوداتشان برای قیام به اعمال خدمت مبدول نمیشد؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

(g) وقتی که یک فعالیت محوری با سرعت رشد میکند چگونه نهادهائی که در محدوده جغرافیائی کار میکنند به این وضعیت عکس العمل نشان میدهند؟ آیا در صدد خواهند بود از سرعت توسعه خود بکاهند ، یا بآن ادامه میدهند و از ارتباط متقابلی که بین فعالیت‌های محوری وجود دارد استفاده نموده تا

پیشرفت همه آنها را سرعت بخشند؟

---

---

---

---

---

h) اگر فعالیتهای مختلف در محدوده جغرافیایی در رقابت با یکدیگر باشند هیچگونه پیشرفتی امکان دارد؟

---

---

---

---

---

i) آیا یک منسق کلاسهای اطفال، گروه های نوجوانان ، و حلقه های مطالعاتی در طول دور های مختلف کافی خواهد بود، یا اینکه هر منسق باید حمایت افراد با تجربه را بخواند و آنها را برای مدتی همراهی کند ، تا تعداد روبافزایش راهنمایان ، مشوقین نوجوانان ، و معلمین کلاسهای اطفال را در خدماتشان یاری دهند؟

---

---

---

---

---

j) چقدر راهنمایان احتیاج به کمک خواهند داشت تا به شرکت کنندگان در سلسله اصلی دوره ها کمک کنند تمرینات هر کتاب را اجرا کنند - البته قبل از اینکه بر طبق قدرت و تمایل خودشان عهده دار چنین خدمتی بشوند؟

---

---

---

---

---





● با گروه های پی در پی جوانان وارد گفتگوی هدفمند بشوند. \_\_\_\_\_

● جلسات دعای مؤثری منعقد نمایند که در آن تعداد روزافزونی از مردم شرکت کنند؟ \_\_\_\_\_

● ملاقات های خانوادگی برای عقد گفتمانهایی با ارزش والا در مورد مواضع روحانی؟ \_\_\_\_\_

● کار را در محله ها و دهکده های جدید شروع کنند؟ \_\_\_\_\_

● تشویق مردم بیشتری برای شروع مطالعه کتاب ۱؟ \_\_\_\_\_



---

---

---

---

---

۳. برای لجنه تبلیغ ناحیه ای چه مفهومی دارد که توانائی این را داشته باشند تا:

- دوستان را برای تبلیغ بسیج نماید، از طریق راه هائی مانند فایرسایدها ، ملاقاتهای خانوادگی ، یا شرکت در کمپین های مخصوص :

---

---

---

---

- ترویج مساعی برای رسیدن به تعداد روزافزونی از مردم :

---

---

---

---

- تشویق برای مضاعف کردن جلسات دعا :

---

---

---

---

- ملاقاتهای خانوادگی در محله و دهکده را پایدار و مستمر نگه دارند:

---

---

---

---

- محله ها و دهکده هائی که دارای جمعیتهای مستعدی هستند را شناسائی نموده اولین قدم را برای تأسیس فعالیت‌های محوری اتخاذ نمایند :

● رسیدن به مقیاس بالاتری از وحدت در بینش و وحدت در اندیشه و در مشورتهای خود :

● پرورش درجه عالیتری از وحدت در بینش و وحدت در اندیشه در بین گروه روز افزونی از افراد و خانواده ها که مشغول ترویج پیشرفت محدوده جغرافیایی هستند :

● ترویج فضائی از تشویق و حمایت متقابل برای همه کسانی که در کوششهای تبلیغی در محدوده جغرافیایی مشارکت دارند :

- قراءت موقعیت های موجود در محدوده ، و ارزیابی توانائیهای جامعه و تأثیراتی که در اثر رشد مستدام بوجود آمده :

---



---



---



---



---



---



---

- گذاشتن وظایف دوستانی که به آن مشغولند در بستری وسیعتر : در بستر رشد جوامع خود، در بستر پیشرفت امر ، در بستر پیشرفت تاریخ بشر :

---



---



---



---



---



---



---

#### قسمت ۲۸

کمترین هدف فرایند طولانی مدتی که ما در آن مشغول گسترش توانائی ها هستیم ایجاد نیروی جامعه سازی است که در بطن امر الهی نهفته است. در پیام مؤرخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطاب به کنفرانس هیئت مشاورین قاره ای بیت العدل اعظم در این رابطه چنین مرقوم نموده اند:

«آنچه در صفحات فوق و در پیام های متعدد در طی پانزده سال اخیر توصیف نموده ایم می توان به منزله تازه ترین رویکرد از سلسله رویکردهایی دانست که از بدایت امر تا به حال برای رشد جامعه بهائی اتخاذ شده و هر یک متناسب با اوضاع و احوال تاریخی خاص خود بوده است. این فرایند رشد که به نیروی خلاقه الهی در حرکت است بیش از یک صد و شصت سال پیش با شور و شوق عمیق ناشی از اجابت ندای یوم جدید رب مجید توسط هزاران نفر در مهد امرالله آغاز گردید و با تلاش های مؤمنین اولیه برای رساندن پیام حضرت بهاء الله به کشورهای همسایه در شرق و جمعیت های پراکنده ای در غرب تحرک یافت. با صدور الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء ساختار عظیم تری یافت و با استقرار سیستماتیک مهاجرین در سراسر کره ارض در تحت هدایات حضرت ولی امرالله به منظور تأسیس مراکز کوچکی از فعالیت های بهائی و بنای اولین ستون های نظم اداری شدت یافت. با اقبال جم غفیری به امر مبارک این فرایند در مناطق روستایی جهان قوت گرفت اما در حالی که احبا در صدد یافتن تدابیری برای تداوم ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع برآمدند پیشرفت آن به نحو قابل ملاحظه ای کند گردید. سرعت این فرایند در پانزده سال گذشته ، بعد از آنکه در آغاز نقشه چهار ساله از عالم بهائی دعوت نمودیم که بر اساس تجارب حاصله در طی ده سال یادگیری دشوار ولی گران بها امر تبلیغ را بر پایه ای سیستماتیک قرار دهد، مرتباً در حال افزایش بوده







میبخشند و به نگرشی که روند یادگیری در پیش گرفته میشود. هر قدر پویایی روحانی رویکرد ما نسبت به روند یادگیری - اقدام، تأمل، مشورت و مطالعه - توسط افراد، جامعه و مؤسسات امر درک گردد بهمان مقدار نیز قوای مکنونه در فرهنگ رشد بحقیقت میبوندند. کلمات زیر از بیت العدل اعظم مهارتی را که تابحال در طی دو دهه کوشش متمرکز بدست آمده توضیح میدهد، و همگی ما را در مجهوداتمان برای خدمت به امر الهی و جمع بشریت که مقرر است فوج فوج وارد آن شوند تقویت میکند:

«در این دوره، اتخاذ یک چارچوب عمل در حال بسط دوستان را قادر ساخته است تا مستمرا قابلیت های اساسی را پرورش و تلطیف نماید، قابلیت هایی که انجام خدمات ساده ای را موجب می شود که به نوبه خود به الگوی میسوط تر عمل می انجامد، الگوهایی که به نوبه خود توسعه قابلیت هایی پیچیده تر را ایجاد می نماید. بدین ترتیب یک فرایند سیستماتیک پرورش منابع انسانی و جامعه سازی در هزاران محدوده جغرافیایی آغاز گشته و در بسیاری از آنها پیشرفت زیادی کرده است. تمرکز، تنها معطوف به افراد یا به جامعه و یا به مؤسسات امری نبوده است بلکه قوای روحانی منبعت از بسط نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء محرک و مشوق هر سه مشارکت کننده در شکوفایی نظم جدید جهانی می باشد. نشانه های پیشرفت این عوامل سه گانه بیش از پیش آشکار است: در اعتمادی که مؤمنین بی شماری برای بیان شرح وقایع حیات حضرت بهاء الله و مذاکره درباره مفاهیم ظهور آن حضرت و عهد و پیمان بی مانندش کسب نموده اند؛ در ازدیاد تعداد نفوسی که به امر مبارک جلب گردیده و در تحقق بخشیدن به جهان بینی و اصول وحدت بخش آن حضرت مشارکت می نمایند؛ در توانایی بهائیان و دوستانشان در سطح جامعه محلی برای توصیف گویا و واضح تجارب خود از فرایندی که به تقلیب رفتار و تشکل حیات اجتماعی می انجامد؛ در قیام تعداد چشم گیر و رو به افزایش مردم بومی کشورها که اکنون به عنوان اعضای مؤسسات و نهادهای امری امور جوامع خود را هدایت می کنند؛ در تقدیم تبرعات منظم سخاوتمندانه و فداکارانه که برای تداوم پیشرفت امرالله جنبه ای حیاتی دارد؛ در شکوفایی بی سابقه ابتکار فردی و اقدام جمعی جهت حمایت از فعالیت های جامعه سازی؛ در شور و اشتیاق جم غفیری از نفوس از خودگذشته در عنفوان جوانی که مخصوصا از طریق تعلیم و تربیت روحانی نسل های جوان تر پویایی فراوان به این مشروع بخشیده است؛ در اعتلای روح ستایش و نیایش از طریق تشکیل جلسات دعا و مناجات؛ در افزایش قابلیت اداری بهائی در همه سطوح؛ در آمادگی مؤسسات، نهادها، و افراد برای فرایند اندیشی، قراءت واقعیت های موجود، و برآورد منابع خود در محلی که زندگی می کنند و نقشه ریزی بر آن اساس؛ در خصیصه مطالعه، مشورت، عمل، و تأمل که اکنون همه با آن آشنا هستند و موجب نضج یک گرایش طبیعی برای یادگیری شده است؛ در افزایش درک چگونگی عملی ساختن تعالیم مبارکه از طریق اقدام اجتماعی؛ در استفاده از فرصت های فزاینده برای ارائه چشم اندازهای بهائی در گفتمانهای رایج اجتماع؛ در آگاهی فزاینده دوستان از اینکه تلاش هایشان برای ایجاد تقلیب درونی، برای گسترش دایره وحدت و اتحاد، برای همکاری با دیگران در میدان خدمت، و برای مساعدت جمعیت ها تا بتوانند مسئول پیشرفت روحانی و اجتماعی و اقتصادی خود باشند - همه و همه در راه تحقق اصلاح و بهبود عالم که همانا هدف اصلی نهاد دین الهی است می باشد.» (۴۱)